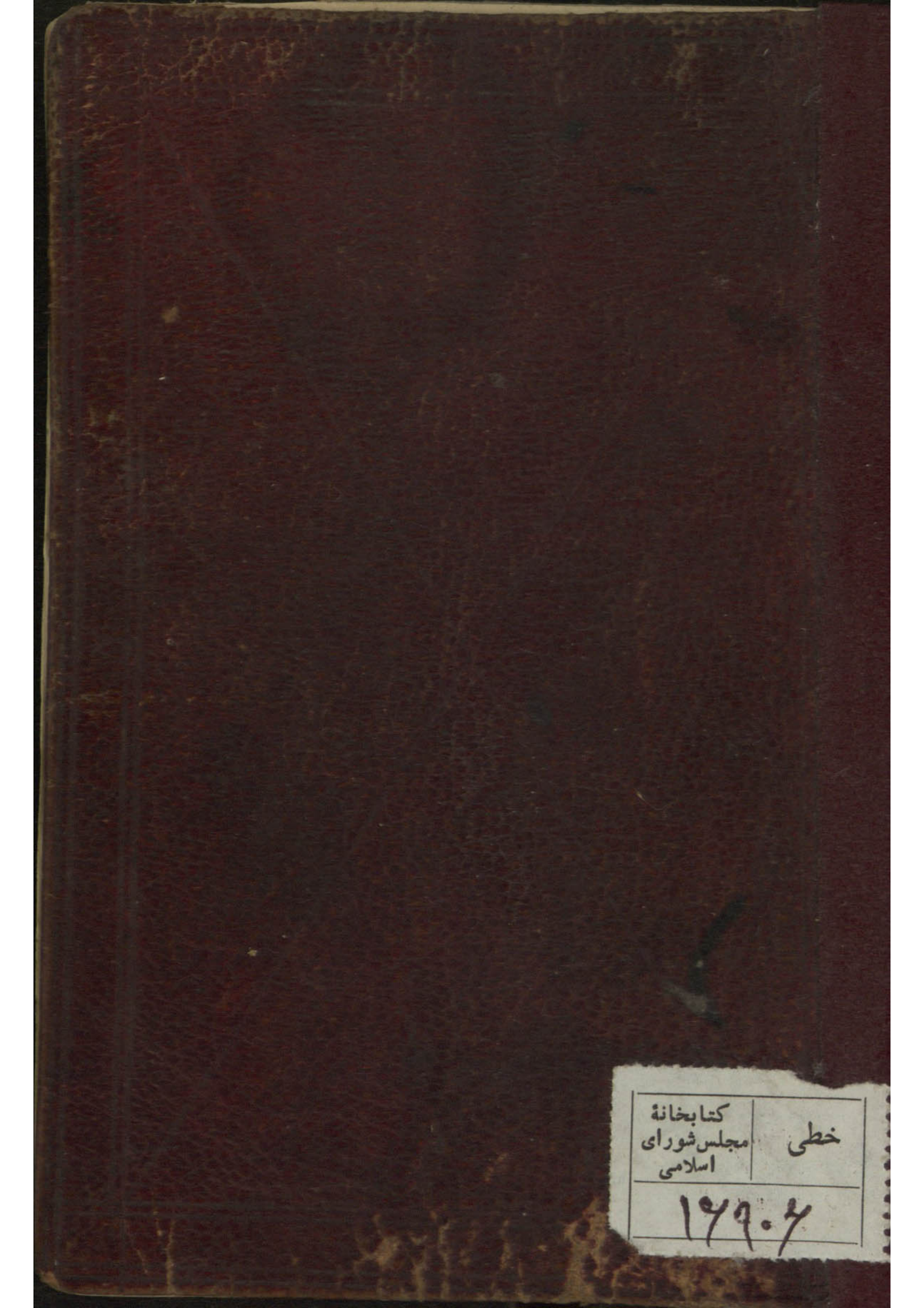
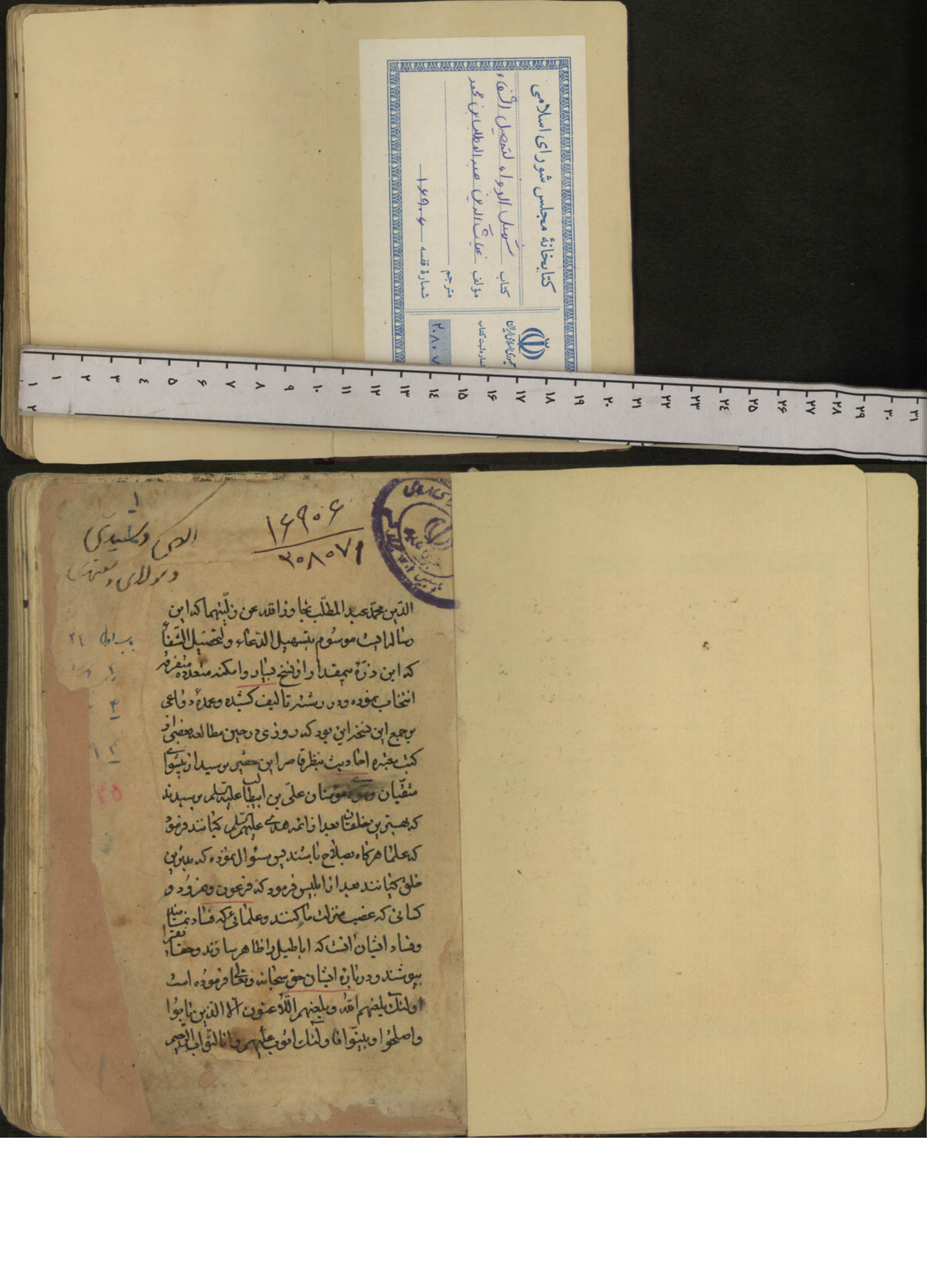


کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۱۶۹۰۶





الدین محمد عبد المطلب تجاوز الله عن ذنبهما که این
رساله ایست موسوم بتسهیل الدعاء و لتحصیل الشفاء
که این ذرهٔ بیمقدار از نسخ بسیار و امکنه متعدده متفرقه
انتخاب نموده و در رشتهٔ تالیف کشیده و معده و داعی
بر جمع این مختصر این بود که روزی در حین مطالعهٔ بعضی از
کتب معتبره احادیث بنظر قاصر این حقیر رسید از پیشوای
متقیان و امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلم پرسیدند
که بهترین خلق بعد از ائمهٔ هدی علیهم السلم کیانند فرمود
که علما هرگاه صلاح باشند دیگر سؤال نموده که بدترین
خلق کیانند بعد از ابلیس فرمود که فرعون و نمرود و
کسانی که غصب حق ایشان کنند و علمائی که فساد نمایند
و فساد ایشان اینست که اباطیل را اظهار نمایند و حقها را
بپوشند و در باره ایشان حق سبحانه و تعالی فرموده است
اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون الا الذین تابوا
و اصلحوا و بینوا فاولئک اتوب علیهم و انا التواب الرحیم

١

وچون پیش از سعادت اسم طالع در رساله بین العوام مشهور
بطالع نامه وقرعه نامه را دیده که اطالات چند در او
جمعیت همت بر افساد آن گماشته وهمیشه خاطر این مقصر
مایل این بود که شاید نوعی نموده که طبایع عوام از آن ضلالت
نامه منحرف شده رجوع بان ننمایند تا اسم ورسم آن
مندرس ومنطمس گردد اما چون مؤلف سیاقت آن رساله
الکاذب چند بوهم بافته ولهجهٔ عوام فریبی وجرّ نفع از
آنش ونان خود نموده ودر نظر عوام کالانعام جلوه داده
چنان شیرینی ودلنشینی بدل بخشیده آن جا کرده که بعضی
بلیغ طبع ایشان از آن منحرف نمی توانند شد وآن ایشان را
راسخ العقیده در آن کرده اینده که از لوح ضمیر ایشان
بکلی سترده گردد از اغلب نتوان دانست کی از اتفاقات
عبور مرور این حقیر بدکان یکی از معاصرین افتاد
در حینی که یکی از عوام بجهت دعاء استشفاء مریضی نزد
بی بضاعت آمده چون او را گرفتار دام خود دید بدجوع

بیچونامه

١

بدبونامه نموده واز او وجهای بسیاری خواست که از
خون او تعویذی نویسد آن بیچاره حسب الامر نموده ماکیان
معهود نزد آن نامقید آورده قدری خون از آن جوانک
خواست از آن تعویذی نوشته او را بفریبید حقیر او را منع
نموده از آن شغل باز داشت واو هم لا ابدا ممنوع گشته
بجهة آنکه منافات اخلاف گفته از او ظاهر کرده وماکیان
حلال را بخدعه بوجود حرام کند بخاطر حقیر رسید که ابناء
زمان کوشش در تحصیل آب ونان زیاده بر تکمیل ایمان
میکنند وشیطان نیز ایشان را بیشتر گول میزند والا م
واستقام اگر از آن هم چنانکه بد وا دروغ میشود بدعانی
دروغ می توان نمود وعوام الناس بیشتر بطایفه که گفتار ایشان
بکردار موافق نیست بومیگروند لازم دانست که نسخهٔ
جامعه در این باب از دعوات واوراد منفعه بجهت
هر علتی وردی که از ائمه طاهرین وعلماء راشدین
رسیده در رشته انتظام دهد شاید ضعفاء عوام بلکه

شکم پوستان مردم و نیز باین رجوع نموده منتفع کردند
و نسخهٔ عتیقه از آن نسخهای کاذبه معمول آید و این نسخه را
مبوّب بهشت باب و مقدمه و خاتمه که هر یک بر فصول
چند مشتملست کردانید مقدمه در مداوای جمیع علل
و امراض بدعا و چند فصلست باب اول در دفع علل مشوّهه
مشکوهه و در آن چند فصل است باب دوم در دفع سموم
و بلیات و در آن چند فصلست باب سیم در دفع اقسام تب
و در آن چند فصلست باب چهارم در دفع دردهای اعضا
و در آن چند فصلست باب پنجم در دفع ترسها و در آن چند
فصلست باب ششم در دفع هموم و غموم با فصول آن
باب هفتم در دفع ضرر هوام و فصول آن باب هشتم در دفع
امراض اطفال و زنان و در آن چند فصلست خاتمه در
ذکر بعضی از تجربیات حکما فصل اول در مقدمه در بیان
ادعیه و تعویذ در دفع علل و مرض و حدیث صحیح از
حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون بر بیمار دردی

هفت مرتبه

هفت مرتبه بکو اُعیذُکَ بِاللّٰهِ العَظیمِ رَبِّ العَرشِ الکَریم
مِن شَرِّ کُلِّ عِرقٍ نَعّارٍ وَمِن شَرِّ حَرِّ النّارِ و در حدیث
حسن منقولست که بعضی از فرزندان صادق بیمار شدند
حضرت بدیشان فرمودند که این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ اشفِنی
بِشِفائِکَ وَداوِنی بِدَوائِکَ وَعافِنی مِن بَلائِکَ
فَاِنّی عَبدُکَ وَابنُ عَبدِکَ ایضا از حضرت رسول
منقولست که فرمود چون بر بیمار دردی هفت بار بکو اَسئَلُ
اللّٰهَ العَظیمَ وَرَبَّ العَرشِ العَظیمِ اَن یَشفِیَکَ وَ
یُعافِیَکَ اکر اجلش نرسیده شفا یابد ایضا و از حضرت
امام رضا مرویست که جهت هر مرضی خوبست که خوانده
یا مُنزِلَ الشِّفاءِ وَمُذهِبَ الدّاءِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
اَنزِل عَلیٰ وَجَعِی الشِّفاءَ ایضا در کتاب مجتبی آورده
که این دعا را بسیار بخوانند هر کاه بکسی تب آید اثر آن ظاهر
نکردد تا شفا یابد اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلتَ فی کِتابِکَ
المُنزَلِ عَلیٰ نَبِیِّکَ المُرسَلِ وَما اَصابَکُم مِن مُصیبَةٍ

فيما كسبت ايديكم و يعفو عن كثير اللهم صل على
محمد و آله و اجعل هذا المرض من الكثير الذي تعفو
عنه و تبرئ منه اسكن ايها الوجع او العلة الساعة
من هذا العبد الضعيف سكنتك و رحلتك بالذي
سكن له ما في الليل و النهار و هو السميع العليم
ايضا از حضرت امير المؤمنين منقولست كه هر المى
تا بشد اين دعا را بخواند دفع شود اعوذ بعزة الله و قدرته
على الاشياء كلها اعيذ نفسي بجبار السموات و
الارض و اعيذ نفسي بمن لا يضر مع اسمه شيء من
داء اعيذ نفسي بالذي اسمه بركة و شفاء ايضا
كفعمى بخط شهيد عليه الرحمه يافتم كه دست راست بر موضع درد
هفت مرتبه سوره حمد بعد از آن اين دعا بخواند و اگر
نشد هفتاد بار حمد بخواند اللهم اذهب عنه العلل و
الداء و اعده الى الصحة و الشفاء و امده بحسن
الوقاية و رده الى حسن العافية و اجعل ما ناله في

مرضه

مرضه هذا مادة لحياته و كفارة لسيئاته اللهم صل
على محمد و آل محمد ايضا از حضرت ابو جعفر منقولست كه
مشغول شو بر بدن بر موضعى كه دست خود بر دهان خود نهد
و سه بار بگويد بسم الله و سه بار بگويد بجلال الله و سه بار بگويد بكلمات الله
التامات گفته بر روى بيمار دمد ايضا بجهة جميع علل
و مرض اين افسون بخواند دفع شود بعد از بسمله
اقسمت عليك ايها العلة بعزة عزة الله و بعظمة عظمة
الله و بجد و قدرة الله و بسلطان سلطان الله و بلا
اله الا الله و بما جرى به القلم من عند الله و بلا
حول و لا قوة الا بالله انصرف عني ايضا ابابكفا
هفت بار بخواند و بر موضع دمد و در نسخه ديده شد كه
بگويد باست بيمار بخواند شفا يابد بعد از بسمله و
كفى بالله وليا و كفى بالله نصيرا و كفى بالله حسيبا
و كفى بالله وكيلا و كفى بربك هاديا و نصيرا و كفى
بربك بذنوب عباده خبيرا بصيرا و كفى الله المؤمنين

القتال وكان الله قويا عزيزا ايضا حرز قلشوه را
سر قوسب بوم بعض خوانند شفا یابد بعد از بسمله بسم الله
الملک الحق المبین شهد الله انه لا اله الا هو و
الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام نور و
حکمة و سلطان و هیبة و رحمة و حول و قوة و
برهان و قدرة و نقم لا ینام لا اله الا الله آدم
صفوة الله لا اله الا الله نوح نجی الله لا اله الا الله
ابرهیم خلیل الله لا اله الا الله موسی کلیم الله لا
اله الا الله عیسی روح الله و کلمته لا اله الا الله
محمد حبیب الله و رسوله لا اله الا الله علی ولی
الله اسکن ایها المرض باذن الله الذی سکن له ما
فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم ایضا
از ائمه منقول شده که هرکه را مرضی باشد اسبعا بخواند
با با خود دارد یا بنویسد امام حسین نوشته باید بشوید بخورد

ولو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض
او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا و من یتوکل علی
الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء
قدرا فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین فسیکفیکهم
الله وهو السمیع العلیم و ننزل من القرآن ما هو
شفاء و رحمة للمؤمنین و صلی الله علی محمد و آله
الطاهرین ایضا از حضرت امام محمد باقر روایت کرده اند
که هرگاه در جوف مرضی بهم رسد سوره مبارکه انعام بخوان
دفع شود ایضا در مداوای جمیع هر ازاری که در عضوها
باشد در حدیث معتبر از حضرت صادق مرویست که هرکرا
دردی باشد دست بر آن موضع گذارد و سه مرتبه بگوید الله
الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم انت لها و
لکل عظیمة ففرجها عنی بنی وازده اسب دو درد آب
دیگر فرمود که بسم الله بگو و دست بر آن موضع بمال
و هفت بار بخوان اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة

اللهِ وَاَعُوذُ بِجَمْعِ اللهِ وَاَعُوذُ بِرَسُولِ اللهِ وَاَعُوذُ بِاَسْماءِ
مِنْ شَرِّ ما اَخافُ وَاَحْذَرُ عَلى نَفْسِي ايضا در هر درد كه
دست بر موضع درد گذارد و هفت نوبت يا سه نوبت
بخواند اَيُّهَا الوَجَعُ اُسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللهِ وَقِرَّ بِوَقارِ اللهِ
وَانْحَجِزْ بِحاجِزِ اللهِ وَاهْدَأْ بِهُدُوءِ اللهِ وَاُعِيذُ اَيُّهَا
الاِنْسانَ بِما اَعاذَ اللهُ بِهِ عَرْشَهُ وَمَلائِكَتَهُ يَوْمَ
الرَّجْفَةِ وَالزَّلازِلِ ايضا در كتاب درر آورده كه
درد دی داشته باشد بر قدح الجحيل نوبت سوره
حمد بخواند و آن آب بمريض بخوراند و همچنين كبلی ،
گندم بركند و بمستحق دهد ايضا اين دعا بمشك و زعفران
نوشته و باب شويد و مريض بخورد و بعد از بسمله بسم الله
المبارك العظيم يا طعسعها يا كياعها ططفتا رحيلو
يا مجهشا العشا الحيط يا هيبطا يا شيتنا يا برهشنا يا سخنا
يا بجيشا طاعمطنا يا لقاكفيشا و صلى الله على محمد و
آله الطاهرين   بزعفران نوشته مريض بياشامد صحيح شود

اللّهُمَّ لا تَقْتُلْنا بِغَضَبِكَ وَلا تُهْلِكْنا بِعَذابِكَ وَ
عافِنا قَبْلَ ذلِكَ اللّهُمَّ لا تُؤاخِذْنا بِسُوءِ اَعْمالِنا
وَلا تُسَلِّطْ عَلَيْنا مَنْ لا يَرْحَمُنا وَكُفَّ عَنّا اَيْدِي
الظّالِمِينَ عَنّا يا حَفِيظُ احْفَظْنا وَحَصِّلْ مُرادَنا وَ
يَسِّرْ اُمُورَنا بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ نيز صاحب
در مكنون اين يازده حروف را خواص بسيار ذكر
كرده است ا ب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى و
يعنى اينست كه اگر در عضوى درد پيدا شود مثل
رمد و صداع و درد سينه و شكم بايد حروف اول از
اسم عربى آن عضو را بگيرد و در ميان اين حروف يازده
گانه درج كند مثلا در چشم حرف عرب اول از اسم
عربى او عين است و در سر حرف اول از اسم عربى
آن راس است زيرا كه سر را راس گويند و بايد بطريق
تركيب كند اع بع تع ثع طع ظع فع كع لع
لاع يع اع بع تع ثع طع ظع فع كع لع لاع يع وع

نقش طقطق نقکع لعلاع عیع نعبدا زان صاحب درد
از فقر را باجود داود و اگر او ببخشید حروف دوم
که عبارت از با باشد در عین ترکیب کند و اگر
نقش نکرد حرف سیم که نون باشد از عین ترکیب کند
درد البته زایل شود و در سایر دردها همین نهج
رفتار کند و هرگاه در محبت بخواهد عمل کند اسم طالب
و مطلوب را همین وضع ترکیب کند در ساعت خوب و یا
خود نگاه دارد یا در مکان پاکی محفوظ کند و در دفع
دشمن اسم او را ترکیب کند در ساعت نحس و در مکان
تاریک یا قبر کهنه دفن نماید تا مقصود حاصل شود بتوفیق
خدا فصل سیم در مداوای علل و مرض بتربت امام حسین
و بیان آن اینکه دعا را بتربت بخواند و کمتر از نخودی
بخورد بعد از بسمله اللهم بحق هذه التربة المبارکة
الطاهرة المطهرة وبحق الملك الذي هو خازنها
والملائكة الموكلين عليها وبحق الوصي الذي حل فيه

اجعل

اجعل في هذه التربة لي رزقا واسعا وعلما نافعا
وشفاء من كل داء وامانا من كل خوف وسقم
وامانا من كل داء ظاهر وحفظا من كل سوء برحمتك
يا ارحم الراحمين ایضا بجهة وسعت رزق و قضاء
حوایج نیز نافع است و در حدیث معتبر از حضرت صادق
مرویست که فرمود که هرکه تربت را بقصد شفا بخورد
چنانست که گوشت ما خورده و در وقت خوردن بجهة
شفا بگوید بسم الله وبالله اللهم رب هذه التربة
المبارکة الطاهرة ورب النور الذي انزل فيه
ورب الجسد الذي سكن فيها ورب الملائكة
الموكلين به اجعله لي شفاء من كل داء وسقم
كذا وكذا و آن ناخوشی ذکر کند پس تربت را بقدر
نخودی تناول نماید و قدری آب بالای آن بخورد و
بگوید اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء
من كل داء وسقم و چون چنین کنی مرض رفع شود

ایضا در روایت دیگر فرموده که در وقت خوردن
تربت این دعا بخواند بسم الله و بالله اللهم اجعله
رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک
علی کل شیء قدیر اللهم رب هذه التربة المبارکة
و رب الوصی الذی وارته صل علی محمد و آله و اجعل
هذه الطین شفاء من کل داء و امانا من کل خوف
ایضا است که تربت را با قدری زعفران و عسل
و آب باران معجون ساخته به مریضها مداوا کنند ایضا
است که هفت حب از تربت هر یک بقدر عدس با
هفت دانه سیاه دانه و هفت قطره عسل را در آب باران
روغن کنند و سوره حمد و معوذتین و آیة الکرسی
و اول سوره حدید تا ترجع الامور و آیه لو انزلنا تا آخر
حشر بخواند و استعمال نماید در رفع سودا استشفا می
یابد بخبان هر یک از فاتحه و آیة الکرسی و اخلاص و معوذتین
هفتاد بار بخواند بشرط آنکه آن آیات در زمین تربت باشد

روایت

در روایت دیگر تکبیر و تهلیل و صلوة بر ایشان فقد بگوید
و هفت روز متوالی صبح و شام بخورد از هر دردی که در
بدن باشد ایمن شود و جهت طلب فرزند مجرب است درد
چشم و درد سر را بسیار نفع دارد و بیخ دندان را محکم
کند و دهن را خوشبو سازد و بادها و رایح و زکام و درد
پشت و کرم معده را ببرد و امثال آن از زبان مردم ملکه
همه ناخوشی را نافع است فصل چهارم در مداوای علل و مرضها
بتصدق و قربانی کردن و احادیث بطبق این بسیار است
و تصدق دادن بیمار چنان است که این دعا را اول بخواند
و بعد از آن موافق امکان بیمار شرعی که چهار دانگ بمثقال
از طلا تصدق کند و به پنج نفر یا بیشتر از مستحقین بدهد
و این زیاده ندهد مگر آنکه مریض شدید باشد و این
صورت تصدق بر نمی توان داد و دعا این است بعد از
بسمله اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا ذکرت
به سجدت له الملئکة و سجدت و باسمک الذی

هو القدوس القديم وباسم المخزون المكنون وباسم
الذي سميت به نفسك وباسم الذي هو مكتوب
على سرادق العرش وبالاسم الذي هو مكتوب على
سرادق البهاء وبالاسم الذي هو مكتوب على سرادق
الجلال وبالاسم الاكبر الاكبر وبالاسم الاعظم الاعظم
المحيط بملكوت السموات والارض وبالاسم الذي
مشى به الخضر على الماء فلم تبتل قدماه وبالاسم
الذي كشفت به الضر عن ايوب وبالاسم الذي
وهبت به لزكريا يحيى ان تشفيني من مرض الذي
انا فيه اما دعا بجهت مرض بگندم در حديث معتبر از داود
رقى روايت كرده كه سبا دستلم در مدينه درد چون
خبر بحضرت صادق رسيد بمن نوشت كه يكصاع گندم بگير
و بر پشت بخواب و گندم را بر روى سينه خود بريز و بگو
اللهم اني اسئلك باسمك الذي اذا سئلك به المضطر
كشفت ما به من ضر ومكنت له في الارض وجعلته

خليفتك

خليفتك على خلقك ان تصلي على محمد وآل محمد
وعلى اهل بيته ان تعافيني من علتي پس درست
بنشين وگندم را جمع كن وباز ابتدا را بخوان وگندم را
چهار حصه كن وهر حصه را بمستحقى بده وباز ابتدا را
بخوان داود گفت چنين كردم شفا يافتم ايضا گوسفند
قربانى بگير گوسفند بنيت قربانى وسه نوبت ابتدا
بخوان اللهم ان هذه الشاة لك ومن فضلك و
كرمك وصلك الي وانا اذبحها لعبدك فلان بن فلان
اللهم ان هذا فداؤه لحمه بلحمه ودمه بدمه اللهم
تقبل مني كما تقبلت من خليلك ابرهيم جنين فدا
لولده اسمعيل بحرمة محمد رسول الله صلعم اللهم هذا
فداؤه فتقبله مني بعد از ان الله اكبر بگويد سه مرتبه
وبعد از ان بسم الله الرحمن الرحيم بگويد وذبح كند
در محل كه سقف داشته باشد وخون او در گودى كند
كه مردم پا نگذارند وگوشت او را بيچاره وهفت پاره كند

و در میان پوست پنهان کند و هر پاره به نیت بخوری
بیرون آورند و با او دهند و پوست و دست و پای او
بیک حنجر دهند و گله سیکی و انچه در شکم گوسفند است
بسگی دهد تا مشقت دور شود ایضا و از حضرت امام
موسی کاظم نقل شده که جمعی در روزی که عرض کردند که
سختی با ده نفر از عیال بما رسید که تصدق بدهید
که هیچ چیز بهتر از تصدق نیست اما دستور انکه نوشته شد
حضرت موسی کاظم باشد بجز به رسیده و ان با نیت
که بگوید اللهم بحق ولیک موسی بن جعفر الکاظم
ان تسلمنی فی جمیع جوارحی ما ظهر منها و ما بطن
یا جواد یا کریم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
ایضا گردن بچه طفل بدو طرف بهشت اول انکه در
دو رکعت نماز کند در سجده بگوید اللهم انک
وهبتنیه و لم یک شیئا هب لی هبة جدیدة
دادی گوید چنین کردم طفل صحت یافت ایضا بچه طفل

در روایت

در روایت دیگر آورده که میگوید حضرت صادق بمادر
مریض فرمود که غسل کن و بام خانه دو رکعت نماز
بکن و بعد از نماز بگو اللهم انک وهبته لی و
لم یک شیئا اللهم استوهبک مبتدئا فاعرنیه
طفل بچه در ادعیه در مفاصل مروی است که شخصی
بخدمت حضرت امام محمد باقر شکایت کرد از درد مفاصل
فرمود که این دعا بخوان اللهم انی اسئلک باسمک
و برکاتک و دعوة نبیک الطیب المبارک المکین
عندک صلی الله علیه و آله و بحق ابنته فاطمة
المبارکة و بحق وصیه امیر المؤمنین و بحق سیدی
شباب اهل الجنة الا اذهبت عنی ما اجد بحقهم
بحقهم بحقهم و آله العالمین ایضا در مکارم الاخلاق
آورده که بجهت الام و اسقام بنویسد بر کاغذی و بر عضو
ببندد نافعست و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما
ارسلناک الا مبشرا و نذیرا و ننزل من القرآن

ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين وما محمد الا رسول
قد خلت من قبله الرسل أفإن مات أو قتل
انقلبتم على أعقابكم ومن ينقلب على عقبيه
فلن يضر الله شيئا وآمنوا بما نزل على محمد و
هو الحق من ربهم كفر عنهم سيئاتهم وأصلح
بالهم وما كان محمد أبا أحد من رجالكم ولكن
رسول الله وخاتم النبيين وكان الله بكل شيء
عليما محمد رسول الله والذين آمنوا معه
أشداء على الكفار رحماء بينهم تراهم ركعا
سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم
في وجوههم من أثر السجود ذلك مثلهم في التوراة
ومثلهم في الانجيل ومبشرا برسول يأتي من بعدي
اسمه أحمد فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا
سحر مبين ولو أن قرآنا سيرت به الجبال أو
قطعت به الارض أو كلم به الموتى بل لله الامر

جميعا

جميعا از سوره رعد الملك لله الواحد القهار پس
بگو بسم الله المكتوب على ساق العرش ایضا
از خواص ابجد وفق بجهت دردها نوشته تا خود نگاه
داده اح ح ح طک لم ن وس ص ه ی
بجهت درد سر ومفاصل نوشته بر موضع درد نهند دفع
شود

ف ف ت
ف ت | عهد ه عهد | ت ت
ف ت

ایضا در کتاب بحر المنافع آورده که موضع درد که هر دو زمین
ما بین طرفین خط بکشند [رسم] و در وقت خط کشیدن
بگوید اسکن یا ریح بحق الباری وحید از آن
کارد بجانب چپ خط فرو برد و هفت بار بگوید
همانرا بخواند و بگوید برو خوب شود ایضا سفال
آب ندیده هفت بار در چهر بود اره بر موضع درد زند و
اینکلمات را بگوید کهش کهش اخرج ایضا بجهت دردها
از اول سوره انا فتحنا تا قوله نصرا عزیزا نوشته بر بند

نماید باب اول در علل مشوّهه مکرهه و آن چند
فصل است فصل اول در دفع ابله در مکارم الاخلاق
آورده که این شکل بترتیب نوشته با خود بندد و اگر
بچه‌ای آورده کشتی بیرون آورد و اینست شکل

١٦	٣	٢	١٣
٥	١٠	١١	٨
٩	٦	٧	١٢
٤	١٥	١٤	١

و در نسخهٔ دیگر که شکل مذکور نوشته بموم گیرد و در
کون او نهد هفت دانه بیشتر در نیاورد ایضا در
خاصیت این شکلست که چون باو بندد بو نیاورد
و هرگاه او را از سی وجبها را ابله بیرون نیاورد

٦	٣	١٣	١٢
٩	٦	١٢	١٧
٤	١٥	١	١٤
٥	١١	٨	١١

١١

لو	٩	بج	ب	
ط	د	بله	ز	
د	يه	ا	ه	
ه	ى	ح	كا	

	١	٥	١٤	١٤
	١٢	٦	٧	١٥
	٩	١٥	١١	٤
	٣	٣	٢	١٢

ایضا سورهٔ مبارکهٔ حمد را بدین طریق نوشته بر طفل
بندد از ابله ایمن گردد و از مجربات است والله

الحمد لله ١	رب العالمین ٣	الرحمن ٢	الرحیم ١٣
مالک یوم الدین ٥	ایاک ١	نعبد ١١	وایاک ٨
نستعین ٩	اهدنا الصراط ٦	المستقیم ٧	صراط الذین ١٢
انعمت علیهم ١٤	غیر المغضوب ١٥	علیهم ١٤	ولا الضالین ١

وایضا در عجائب المنافع آورده که این آیه و نقش را
نوشته در گردن بندد در دفع خوف سود بَلْ اِیّاهُ
تَدْعُونَ فَیَکْشِفُ مَا تَدْعُونَ اِلَیْهِ اِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ
مَا تُشْرِکُونَ و بعد این شکل نویسد اینست
ما ١١ ط ٩ ١١١٩ ٩٩ ٤ ١١ ٢٤ ١٩١ ه ایضا در
خواص الآیات مذکور است که حب املیلج هیما

که کودک تشنه باشد ولکن بدندان نبیند اخته باشد
هفت لا کرده و سوره الم نشرح باین بخوانند و بهر کاف
رسد گره بران بزنند تا هفت گره درست شود و بعد از
این هفت نوبت دیگر سوره مذبوره را بخوانند و در نفث
چشم ابله دار بیاویزد زایل شود ایضا ابن تمیمی در
خواص خود آورده که آب طرخون را زبانه و شربت
کاوی منع ابله میکند و اگر ابله در چشم افتد این آیه
را بکندم یا بوهلت خوانند در آب اندازد یحیی و یمیته
و رادهی و رادهیه فانما هی زجرة واحدة فکشفنا
عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید اولی لک فاولی
ثم اولی لک فاولی ایحسب الانسان ان یترک سدی
الم یک نطفة من منی یمنی بقدرة خدا در
دفع شود ضماد دیگر در دفع دمل و جراحت و نجد
و جرب و ناسور و مانند آن از حضرت امام جعفر
صادق منقولست که هیچکس از بنی آدم نیست مگر انکه او را

دو رگ مرند

دو رگ می باشد یک رگ در سر که همیشه بحرکت می آورد
و دیگری در بدن تن که پیسی را بحرکت می آورد و در
روایت دیگر فرموده که دمل اکثر از خون فاسد است
که در وقت طغیان از بدن بیرون آید پس اگر ابتدا
کسی را حادث شود چون بوقت خواب رود بگوید
اعوذ بوجه الله العظیم و کلماته التامات التی
لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر کل ذی شر ایضا
و در روایت دیگر فرموده که دملها از بدن بیرون
میاید در اول انگشت شهادت بر دورش بگرداند
و هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم
و در مرتبه هشتم انگشت را بقوت فرو کند ایضا
در روایت دیگر وارد که برای جرب و دمل این
آیات بخواند یا بنویسد و با خود دارد بعد از بسمله
و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت
من فوق الارض ما لها من قرار منها خلقناکم

وَمِنْهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً اُخْرَى اَللّٰهُ اَكْبَرُ
اَنْتَ لَا تَكْبَرُ وَاللّٰهُ يَبْقَى وَاَنْتَ لَا تَبْقَى وَاللّٰهُ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ایضا در کتاب طب الائمه مسطور است
که این کلمات را بر کاغذ بنویسد و صاحب دمل بلع نماید
دفع شود لا اله الا الله الاولک بانه محیط به علمک
ع س ل ع و ن ایضا و از مجربات المنا که در خصوص
دمل ذکر کرده اند است که تار عنکبوت را ابر که بر دکند
بزوال ضماد کند ایضا و در مجمع المنافع آورده که تیر و
سنگ زنند و بارها که از آن بجهد ملبث و حامی بگیرد
و صاحب دمل بنده بر شود و هم چنین در وقت که
بیرون میاید موم را نیم گرم کرده بر آماس بنده فوق
نشبند ایضا بجهت سر واکردن دمل موی بز کوهی که
دو سنگ را خا بجهت بشود سلاهر کند نعابت مجرب
و هم چنین ضماد بیت در وقت لسان العصافیر مجرب
ایضا بجهت منفجر شدن جراحات از حضرت امام علی نقی که

بجهت متوکل ملعون مداوا فرموده بود است که سرگین
گوسفند که در زیر دست و پای گوسفند سرشته شده
بگیرد با گلاب مخلوط کند و بر آن نهد منفجر کرده ایضا
بجهت دمامیل و صداع دست بر آن نهد و بگوید اسکن
سَكَنْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ
هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ایضا و در مجمع المنافع آورده
که بجهت دفع بثور و دمل کوه اگر دان بنویسد بامنوت
فِي جَسَدِ الَّذِي يَمُوتُ مِتْ بِحَقِّ الْحَيِّ الَّذِي لَا
يَمُوتُ ایضا بنویسند این شکل را و بر آن چسبانند مجرب
لحـ✳ـو الوح ایضا بجهت دفع خیا و لزو دمل
خنازیر و سایر زخمها و دانه خط بکشند و بقلم
خشک بنویسد و یا بر کاغذ نوشته بر آن چسبانند
لا اله الا الله محمد رسول الله — یا ملینا یا علمنا یا سمعا بحق بسم الله الرحمن الرحیم — ایضا آورده اند
که اگر این افسون را بر زخم تیغ و تبر و غیر آن بنده بنکو
شود طاق متا متا سورا ایضا اگر این افسون را

بر خاکستر خوانند و بر زخم افکنند نیکو شود و درد سخت
نکند او ام تا چند نوای حیوان وا ورده اند که اگر
زخم و جراحت خون بسیار آید و تا بستد خون کاو بران
نالند باز ایستد و اگر ضله کودک نابالغ با خاکستر
موحم کند و بر جراحت مالد نیکو شود و خاکستر داغ
نیز همین خاصیت دارد ایضا و در روایتی صحیح از
امام جعفر صادق که هر کرا زخمی یا جراحتی باشد کارد
بر آن موضع بمالد و بگوید بسم الله ادفنك من الحد
الحديد ومن الاثر والعود ومن الحجر الملبود ومن
العرق الغاسق ومن ورم الاحمر ومن الطعام و
حرمه ومن التراب وتبوء امضي اليك باذن الله الى
اجل مسمى في الانس والانعام بسم الله هف بسم الله
حمثت پس آن کارد را بر زمین فرو برد ایضا بجهت دفع
لکد که در بدن هر بسد مانند خشکی و جوششی که زرد آب
از آن آید خطمی بر و روان بکشد و در وسط بر بسید

بوبارا

بومها بومها مرتا تا او نحی اصوا تا وهی تمر مر السحاب
صنع الله الذي اتقن كل شيء انه خبير بما تفعلون
ایضا همان دستور در صباح بناشتا بو چید و اگر
دو دو جا بشنبه باشد بهتر است هر بقعه من بقعة حتى
عن الطريقة ایضا بجز بهر دسیله که بر سر قطعه حرص
بید تو این را نوشته و بجای بیاویزد مجرب جوب حشك
شود اثر آن ظاهر شود اول حلقه بلغه حلق حالق
بالغ يرجوا ان الله ۲ حلقه بلغه حلقها لوحشك
من مضر الامری ۳ حلقه بلغه حلق حالق بالغ کشتر
ان دیوم باسم فلان بن فلان ایضا از خواص ایات قرآنی
آورده که بنویسد ایه مذکوره را بظرف پاک دیبا هی
و بو و غن بنفشه محو نماید و بو و تیل وا بله و جراحت الد
نیکو شود ويسئلونك عن الجبال فقل ينسفها ربي نسفا
فيذرها قاعا صفصفا لا ترى فيها عوجا ولا امتا
للعرق معالجه عرق مدنی که رشته گویند از غذیه

کثیفه و سیاه غلیظه همه سد حوضی در بلاد ما مانند
خیاطه بیرون می آید با پیچ و پیچی مانند فتیله هر روز
مدارا به پیچد تا تمام شود و پاره نشود و هرگاه پاره شود
از جای دیگر بیرون آید ایضا در کتاب مکارم الاخلاق
مذکور است که بجهة عرق مدنی چشم سنگ را ببست بکن
و سناب و هفت کره بران بزن و بو هر کره سه مرتبه حمد
بخوان بو سه مرتبه اینها را بخوان بسم الله الاحد الحی
الحلیم القریب لما بعد الظاهر من الولد العالی
ان یولد المتجلل وعدا العزیز بلا عدد القوی بلا امد
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا خالق
الخلیقة یا عالم السر و الخفیة یا من السموات مطویة
برحمته یا من الارض بحیث منحوقة یا من الجبال
بارادته موساة یا من تجی به صاحب العرق عن
کل آفة و بلیة صل علی محمد و آل محمد جبرئیلک
واشف اللهم فلان بن فلان بشفائک وداوه بدوائک

وعافه

وعافه من بلائک انک فاعل ما تشاء و انت
ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله ایضا
هنوز بیرون نیامده چون شروع بخواندن کند این
ابیات را بخواند یسئلونک عن الجبال تا قوله امتا
و صبر زرد را با ما لد بسیار نفع دارد ایضا بجهة عرق
مدنی این معجون ترتیب داده و خورد الی سه مثقال
فرمود [illegible] پوست هلیله بلیله املج مقشر
سعتید زنجبیل فلفل دارفلفل بالسویه با عسل نوشیدن ادویه سرشته
کنند ایضا موضعی که بروز آن آسان کند موضع را
[illegible] حرج است استعمال نمایند سوم [illegible] پنج
مثقال [illegible] پنج شش مثقال [illegible] مثقال
یکمثقال [illegible]
کنند ایضا بر آن موضع [illegible] نوشته یا علیقا
یا طلیقا انت طوبی یا سلیقا و بعد الی ان نوید
ان شاء الله تعالی [illegible] دفع شود مجرب است

طلسم ... ایضا این شکل را بر حوالی آن بنویسد
انشاء الله زایل گردد
الله علقه علقه ملقه
ایضا واما معالجه شود وان بثوری
باشد که از حرارت وعفونت حادث شود وزرد آب
از او آید وخشک و ریشه گردد وخارش کند ودر
اندرون آن اندکی باشد ودر ابتدای آن خطهای
سرخ طاوسی مانند زبانه آتش باشد معالجان بخصوص
مکی وکافور را با لعاب بنگو ضماد سازد ومازو و فوفل
با سرکه نیز مفید دانسته اند وباید صاحب این مرض از
شیر برنج وگوشت احتراز نماید ومرداسنج با سرکه
سحق نماید وبروی بر آن محل تقطیر نماید ودر مقعد واهلیق
جند بجهة قروح وجروح وسایر آزارها وعددها
مانند آتشک وجذام انشاء الله در بحث دفع خنازیر
مذکور خواهد شد اما لبنات الليل یعنی بثور غیر
منفرج با حرارت وخارش وقطعه که از ابعاد سیاهی برود

خوانند

خوانند صبر زرد ومرضاف وعدس با سرکه وعسل
بر آن بمالند وهمچنین دستور سرکه وبوره وحنا
وزعفران بغایت مفید است وهمچنین دستور آب
برگ درخت بید با صندل وپوست درخت بید از تجربات
معالجه معالجه ناصور وآن داء است معتبر در مقعد
وبیز کثیر که در حوالی مقعد وگوشه چشم وبینی وسایر
محل بیرون آید وخارش پیدا کند وچون بشکافد زردآب
از او آید باید استخوان آدمی سوخته خاکسترش را با لعاب
صبر سحق وطلا سازد وهمچنین خراطین را با جوز دراز
کوفته باید وبر ناصور طلا کند دفع شود ایضا در
تحفة المؤمنین بجهة ناصور ذکر کرده که زرد چوبه مردار
سنج هر یک ده درم سائیده با چهارده مثقال روغن
گل و دو درم موم وآب خالص بقدری که دواها را
بپوشد با تش نرم چندان گرم وبجوشانند تا محکم شود
وبعد ضماد کنند ایضا از طبیب حاذق شنیده شد که

بکذارند بر ثالول و بکذارند زعفران و ملک دانک هو حق
بلکه یک مثقال هر جوهر کوبیده با تخم مرغ و نمک سعید
سر شسته باد و عرق کل باد و عرق کنجد مضغ نموده طلا
نماید نفع بخشد **فصل دیگر** در دفع ثالول و مداوای
آن از علی بن نعمان منقول است که گفت بحضرت امام
رضا عرض کردم که ثالول پیدا کرده بقا نمی‌کند و می‌گویند
در بدن من هر سیده و باین سبب غمگینم حضرت فرمود
که از برای هر ثالولی هفت جو بگیر و بر هر جوی هفت
بار آیه وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي
نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا
وَلَا أَمْتًا و بعد از این آیه اذا وقعت الواقعة
تا هباءً منبثا هفت بار بخواند پس هر جوی یکبار بر ثالول
بمالد و جوها را در پارچه نوی بسته و سنگی بر آن بیاویز
و در چاه کنیف بیندازد و بهتر آنست که در محاق الشهر
استعمال کرده شود راوی گفت چنین کردم در سه روز تمام شد

دارخور

ایضا و از حضرت امام جعفر صادق روایت شده که
دست بر ثالول بمال و سه مرتبه این دعا بخوان بِسْمِ اللهِ
وَبِاللهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْحُ عَنِّي مَا أَجِدُ **ایضا** و از
حضرت امیر المؤمنین مرویست که در وقتی که سر نو
ماه هفت روز متوالی بر ثالول این آیه بخوانند برطرف
شود وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ تا قوله
مِن قَرَارٍ بخوانند و بعد بگویند وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا
فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا **ایضا** و بر گندم بخوانند سی و شش
بار و کلمة الله و آن گندم را بر ثالول بمالد و در زمین
نمناک دفن کند دفع شود **ایضا** سوره توحید بعدد
آن بر گندم بخواند و بر آن بمالد و در زمین نمناک
دفن کند برطرف شود **ایضا** با سیر نمک بر دارد
و بر آن بمالد و آیه لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ
تا آخر سوره حشر بخواند و بشود سوزان انداز و مرکب

دفع شود ایضا این اشکال بر کاغذ نوشته بر ان بمالد
و در زمین دفن کنند چون کاغذ مضمحل شود تا لول
نیز زایل شود لسبحانه وله کسوا سجد دوم
ایضا فالطبا در خواص نخود ذکر نموده اند که در اوایل
ماه نو بعدد تا لول هر یک از آن یک دانه نخود مالیده و
مجموع را در پارچه بسته انجیان هرد و یا از بالای نشانند
آن پارچه را بجانب عقب بیندازد تا اخر ماه همه بر طرف شوند
ایضا انگشت وسط دست راست را بر کف دست چپ بمالد
و سه مرتبه این افسون بخواند و بر تا لول دمد عن زخ
زخامن زخ زخا تنبد ذر زخا خا الله من قوة ولا ناصر
ایضا گفته اند که وقت با حمل را سایده بر آب و بر تا لول
بمالند للسلعه معالجه سلعه که آن گوشت زاید است که
در زیر پوست آدمی حادث میشود مانند فندق حرکت
میکند نفیسد نخودی باشد در حدیث است که شخصی نزد
حضرت رسول ص آمد و عرض کرد که سلعه و کنده در بدن من ظاهر

شده است

شده است حضرت فرمود که سه روز روزه بگیر و در روز
چهارم در وقت زوال غسل بکن و بام یا صحرا برو و چهار
رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و تا توانی سعی کن
در گریه و بحضور قلب باش و چون از نماز فارغ شوی
جامه بکن و چیزی بطریق لنگ بخود کش و بر روی زمین
سجده در ای و پهلوی راست خود را بخاک گذار و ابتدا
بخضوع و خشوع بخوان یا واحد یا احد یا صمد یا کریم
یا کریم یا جبار یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل
علی محمد واکشف ما بی من ضر والبسنی العافیة الشافیة
الکافیة فی الدنیا والآخرة وامنن علی بتمام
النعمة واذهب بی ما قد آذانی وغمنی ایضا سوره
اشفاقی را بر سلعه خواندن از آسان کرد اند ایضا کچل
عجایب مجرب که سر را تراشیده بر وغن کنجد چرب کنند
و کتان سوخته و پشم سوخته و جو سوخته با سرکه بپاشند
ایضا دو درجه بر ابجا هلیله زرد و بار نو و موداسنج

واملح معشر و سرکه هر یك جزوی بر و عن کلسنج چهار
جزو همه را مالیدن باید **عمل چهارم** در دفع خنازیر و خوره
و اسنك و افلیج و لقوه و کلف و داء الثعلب دو حدیث
معتبر از حضرت امام رضا منقولست که فرمود که دعا برای
خنازیر بهر رسید سه مرتبه این دعا تکرار نموده ام
و بخشند یا رئوف یا رحیم یا الله رب سه مرتبه یا سیدی
ایضا از کتاب مکارم آورده سه روز هر روزی
سه بار این دعا را بجهت درد مذکور بخوانند بسم الله
وبالله الله اکبر الله اکبر و هو بامرك ان لا یکبر
پس سه بار بگوید ایتها اللحم مثل ان تبتدئ بك
و در هر باب دهن بر آن اندازد **ایضا** بجهت همین درد
و سایر دردها بنویسد و بجا بجا به بندد و بر پارچه کاغذ
نوشته شود بد مچوده و همین را بدرد شکم بازوبند
بخوانند و بخشند اولم الم امرها ام کهلا کیهما ادحما
توحما اوام مت هبت سواها بحق محمد سواها

بگیر

ایضا بجهت خنازیر بعد از آنکه دو رکعت نماز کرده باشد
دو اروده با سبیح باز بخواند و دست بمالد سر عظما
ستریه ستره و قضیه خرجانی سنده من لا ه هنجر
بحق ابراهیم خلیل الله **ایضا** بجهت خنزیر و دمل بر آن
موضع باید خواند و دمشود یا منبوت فی حبد من
تموت اخرج بحق حی الذی لا یموت **ایضا** افسون هندی
بجهت دفع باد سرخ و کوفت سه روز بعد از طلوع و
غروب آفتاب بخوانند و کارد آهنی که دسته آن آهن
باشد بدست گرفته و بر آن حمله کند افسون این است
ابو سرخ برآید بازار سرخ بیاورد گیاه سرخ تو آید
بر سرخ بسر برد هل هو هو هل هو هو و بعد از آن بگوید
و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
و بالحق انزلناه و بالحق نزل هل هو هو پنج بار
و بعد از آن بگوید ایتها الریح الحمراء تحول الی من یزعم
ان مع الله الها آخر فانه یشهد ان لا اله الا الله

هو الحی القیوم برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا معالجهٔ
باد سرخ و درد ان و بادها و اورام حاره در وقت
صبح بخواند و لعاب دهن بر ان بمالد بعد از دمیدن الحاد
موذ المال فوائم باذیا بحرمة لعاب دهن محمد مصطفی
صلی الله علیه و اله ایضا بجهة درد دندان بخواند و اب دهن
بر ان افکند بسم الله دفتن تو قل هو الله احد رفتی
بر کوه شدی و اب دادم خوش شدی برو ای درد چون
شو بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و اله
ایضا المجربات واهشه اند بجهة باد سرخ که از ان تیغ
رده تا خون از او بر اید و بعد از ان گل همیشه بهار
بر ان طلا کند ایضا در کتاب خزائن الاسرار از حضرت
صادق روایت کرده که سورهٔ غاشیه بیست و یکبار
بجهة باد خصوص باد سرخ بخوانند تا صحت در دفع
و معالجهٔ فلج که اعضا را بحس میکند این ایات را
نوشته با خود نگاهدارد و بر ان نیز بخوانند بعد از دمیدن

یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب الحمد
لله فاطر السموات و الارض جاعل الملائکة اولی
اجنحة مثنی و ثلث و رباع باسم فلان بن فلان
ایضا از حضرت امام محمد باقر روایت شده که بجهة
فالج و فلج و بادها استدعا مفید است که حمد و معوذتین
و توحید را بر جام بنگارند و زعفران بنویسد و استدعا
نیز در تحت ان بنویسد اعوذ بوجه الله العظیم و بعزة
التی لا ترام و بقدرة التی لا یمتنع عنه شیء من
شر هذه الوجع و من شر ما فیه و من شر ما احذر
منه و اگر خواهد بر لوحی یا شانه گوسفند بنویسد و با اب
باران بشوید و صبح ناشتا بخورد تا وقت خواب نیز
خوردن ایضا و از بحر المنافع بجهة مفلوج این ایات را
ذکر نموده که بزعفران بنویسد و سه روز بخورد صحت
یابد بعد از دمیدن من یطع الرسول فقد اطاع الله
و من تولی فما ارسلناک علیهم حفیظا و یقولون

طاعةٌ فاذا برزوا من عندك بيّت طائفةٌ منهم
غير الذي تقول والله يكتب ما يبيّتون فاعرض
عنهم وتوكّل على الله وكفى بالله وكيلا ایضا برسر
دانه نار وسربوك سد و بر هر دانه و بر يكى يكبار خوانند
لا تأخذه سنةٌ ولا نومٌ له وبعد از ان در دهان
اندازد وبيرون نياورد تا تمام شبا بيند ایضا معالجه
لقوه مرويست كه شخصى خدمت حضرت صادق عرض كرد كه
بادى از سر تا پاى من آكنده فرمود كه عنبر و روغن
زنبق اول صباح بناشتا در دماغ بچكان ایضا ودر
روايت ديكر وارد شده كه شخصى لقوه داشت خدمت
حضرت صادق عرض كرد فرمود كه بروضه رسول خدا برو و
دو ركعت نماز بكن و دست بر آن بكذار و بكو بعد از
بسمله بسم الله وبالله هذا اخرج اقسمت عليك بالذى
اتخذ ابرهيم خليلا وكلم موسى تكليما وخلق عيسى
روح الله القدس لما هدأت وطلعت كما طلعت نار

ابراهيم

ابراهيم خليلا اطفئها باذن الله دو مرتبه چنين كرد
عافيت يافت ایضا ودر روايت ديكر فرمود كه سورة
اذا زلزلت نوشته در ان نظر كند صحت يابد ایضا
ودر نسخه ديكر مذكور است كه همين سوره در كاسه
فولاد بنويسد ودر خانه تاريك در ان نكاه كند واكر
نوبت اين سوره نوشته وشسته وكسى كه لقوه دارد از
ان بخورد شفا يابد ایضا در روايت ديكر فرمود كه
صباح بن عمار در حضرت امام موسى كاظم عرض كرد كه كسى كه
باد لقوه كرفته وچشمش بركشته فرمود كه پنج مثقال فلفل
بكيرد ودر شيشه كند وسرش محكم كند وگل بمالد ودر آب
بكذارد يك روز در تابستان ودو روز در زمستان پس
از شيشه بيرون آورد وبكوبد وبا آب باران مخلوط
سازد وبدست بخوابد وهر جا كه ناخوشى دارد بمالد و
همچنان خوابيده باشد تا منتقل خشك شود ایضا در نسخه
ديده شده كه اكر كسى را دوى مى كيرد دو دهان كج شود اين

ایات نوشته بشوید و بخورد و در باران بشوید فسخرنا
له الریح تجری بامره رخاء حیث اصاب والشیاطین
کل بناء وغواص واخرین مقرنین فی الاصفاد
هذا عطاؤنا فامنن او امسک بغیر حساب اگر
یغسل له عشبین و لبانا و سفنین و هدینا ه
التحدبین ایضا در خواص الایات مذکور است که هر که
ایه قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک
قبلة ترضها فول وجهک شطر المسجد الحرام و
حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره وان الذین
اوتوا الکتاب لیعلمون انه الحق من ربهم وما
الله بغافل عما یعملون را بر جام روئین که جلا
داشته باشد بمشک و گلاب و اب پاکیزه نوشته شوید
و لقوه دار بخورد بعد از انکه سه ساعت دران نگاه کرده
باشد و در خود را از ان اب بشوید تا سه روز بهمین طریق
عمل کند لقوه او زایل شود دردفع وجع الحلق و کلف و داء الثعلب

بحر المنافع اورده که چون خرگوش تازه و گرم و کلف
مالند برطرف شود و نیز بهق و ورم و کلف بنویسند و بشوید
و بروی مالد و بنوعی کنند که اب بر زمین نریزد و هر از
بسمله قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا
انا سمعنا قرانا عجبا ایضا بلبستو مذکور است دعا را
سه روز بعمل اورد زایل شود یا سمیع انت صاحب
کل غریب لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک
ننجی المؤمنین استجب دعوتی واقض حاجتی وفرج
همی وغمی برحمتک یا ارحم الراحمین دردفع معالجه
داء الثعلب در بحر المنافع اورده که بجهة ریختن
موی سبیل بود وغیر بجو اندرون بمالد و تنبیه سیل
الصواعق فیصیب به من یشاء وهم یجادلون
فی الله وهو شدید المحال ایضا بجهة ریختن موی
ریش بلبستو معمول دارد بعد از بسمله فاستغفروا الله

وَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا
اللّٰهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلٰى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ
وایضاً والمباحیة کلف مجرب دانسته اند که عنبر
زرد را در دهن گاو حل نموده بمالند و بدستور تجربه
رسیده که تخم سوسن و سرگین خشک و قسط تلخ را با آب
و سرکه طلا کنند و در روز دو یکبار با آب سبوس گندم بشویند
اما ادویه منقوله که در طب الائمه از حضرت روایت
شده که بجهة فالج و لقوه کند و بکجت انرا با آب
مرزنگوش در گوش و بینی چکانند نفع دارد و فرمود
جهة سپرز بکجت انرا با آب سرد و اندک سرکه بخورد
نافعست و از حضرت امام علی نقی روایت شده که اگر
بکجت انرا با آب حلتیت بکسی بخورانند که او را مار یا
عقرب گزیده باشد و بیم هلاکت باشد در ساعت خوب
شود و ان ادویه اینست سنبل و زعفران و قاقله و
عاقرقرحا و خربق سفید و بذر البنج و فلفل سفید

اجزا

اجزا مساوی یک یکی فرفیون دو چندان هر یک جزو را
بسیار نرم بکوبند و از پارچه حریر بیرون کنند و بعسل
که کف انرا گرفته باشد خمیر کنند و حبها سازند
و در وقت احتیاج بکار برند و از حضرت امام محمد تقی
مرویست که بجهة سردی معده و خفقان قلب بکجت
انرا با آب زیره که جوشیده باشند بخورد عافیت یابد
و فرمود بجهة سوختن ران و ورمی است که در بوده ظلع
و بیشتر سودا می شود بکجت انرا با زعفران بر حوالی ان
طلا نماید صحیح شود و از حضرت امام رضا مرویست
که بجهة اسهال بکجت انرا با آب سرد بخورد و از برای
درد پهلوی راست بکجت انرا با آب زیره که جوشیده
باشند بخورد و از برای درد پهلوی چپ با آب پوست دیر
کوفتی که جوشیده باشند بخورند فصل بجهت دفع برص
و بهق و جذام و حکه و نقرس در حدیث معتبر از حضرت
صادق روایت شده که بیونس بن عمار که بیماری در روی

بهم بسايد بود فرمود كه چون ثلث اخير شب شود جهة
نماز شب برخيزد و وضو بسازد و در سجده اخر اين دعا
بخوان يا عليُّ يا عظيمُ يا رحمنُ يا رحيمُ يا سامعَ
الدعواتِ يا معطيَ الخيراتِ صلِّ على محمدٍ و آلِه
واعطني من خيرِ الدنيا والاخرةِ وافعل بي ما
انتَ اهلُه واصرف عنّي من شرِّ الدنيا والاخرةِ
ما انتَ اهلُه واذهب عنّي الوجعَ ونام اين
ازار ببرد فانّه قد آذاني واحزنني ومبالغه كن در
دعا وتضرع داوري ميكويد كردم بكوفر بنسيد
بيبي از من برطرف شد ايضا ودر حديث ديگر اسحاق
بن عمار وغير او از هما حضرت صادقين عليهما السلام
منقول است كه وضو بسازد ودو ركعت نماز كسند و
حمد وثناي الهي بجا اورد وصلوات بفرستد
وبكويد يا اللهُ سه مرتبه يا رحمنُ سه مرتبه يا رحيمُ
سه مرتبه يا واحدُ سه مرتبه يا احدُ سه مرتبه يا صمدُ

يا ارحم

يا ارحمَ الراحمين سه مرتبه يا اقدرَ القادرين
سه مرتبه يا ربَّ العالمين سه مرتبه يا سامعَ الدعوات
سه مرتبه يا منزلَ البركاتِ سه بار يا معطيَ الخيراتِ
هر چنين صلِّ على محمدٍ وآلِ محمدٍ واعطني خيرَ
الدنيا والاخرةِ واصرف عنّي ما اجدُ فقد غاظني
واحزنني ايضا از حضرت صادق رسيده كه سوره
انعام را با عسل بر ظرفي پاك بنويسد و باب بشويد
و بخورد برص رفع شود ايضا ودر روايت ديگر منقول
كه براي برص هيچ چيز بهتر از تربت سيد الشهدا نيست
كه باب باران بخورند و بران بمالند ايضا در روايت
ديگر فرموده حمام برو و حنا را با نوره مخلوط كن و
بر ان موضع بمال و بتجربه يافته اند كه بسي را سوزن
بزن اگر خون برايد علاج پذير باشد واگر نيايد به
نشود ودوا نفع نبخشد ايضا ودر بحر المنافع اورده
كه خاكستر چوب سپند از آب تر كند واين دعا بيكبار

بخواند تا هفت روز بر او ظاهر کند بعد از بسمله
وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ایضًا حبه دفع بعض
حیل روز بعد از نماز سنت بامداد چهل و یکبار
سوره حمد را متصل بسمله یعنی کسره میم رحیم را بلام
الحمد وصل کند و اگر بگوید فاصله شود اثر نکند
ایضًا مع الحجب بحق ایست که بر نان بنویسد وَإِنْ مِنْ
شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ
هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ
ایضًا آورده که بجهة بحق و بعض بخواند وَسَخَّرَ لَكُمْ
مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ده حبین سوره لم یکن
تعوید موض خاصیت بسیار دارد ایضًا امید عاصی
بحق تعوید نماید مجرب إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا
اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا

یعملون

يَعْمَلُونَ و وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا حَمَلَتْهُ
كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وصلى الله على محمد وآله
أجمعين ایضًا در بحر المنافع آورده که اگر بجهة بحق
مالدار نشود ایضًا مع الحجب صنام والحلد این آیات بخواند
و بنویسد تا بجوه دارد بعد از بسمله يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ
وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى
وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ باسم فلان بن فلان و نام مادر بش
نبی بنویسد ایضًا واز حضرت امام محمد باقر و امام موسی کاظم
مرویست که هر دو تن بلقم را تعویذ را مسکرا ز و از
حضرت امیر المومنین مرویست که مثارب کرفتن چو در
حصیر امامت تعویذ ایضًا و در بحر المنافع آورده که
این آیات را تعوید نماید تعویذ رفع شود إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ
رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى
وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا الى قوله لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى كُلُّ نَفْسٍ

ذائقة الموت ونبلوكم بالشر والخير فتنة والينا
ترجعون ايضا والطبا از براى دفع الحله وتخفيف وقع
وجروح مجرب دانسته اند موى سوخته وجو پوست
پياز سوخته يكجزو تخم ريحان بوداده نصف جزو كافور ممسوحى
ربع جزو ذرور نمايند استخوان رميم با بوجنه صبر رود
با البقر ذرور نمايند وهم چنين برگ عناب جنك
ذرور نمايند وضماد برگ روزك نيز همچنين بغداد
وجهة دفع جذام اشاميدن يكدرم سلحه كه بول بز
كوهيست هر روز با سكنجبين تا مدت چهل روز ودر تنار
آزموده است ايضا از حضرت امام جعفر صادق ع
مرويست كه فرموده اين دعوات نجهة بلاها كاه در ماتند
الحله وغيره مجربست درست بر سر مجموع كذا راسيد غازا
بخواند نيز خوبست بعد از بسمله بسم الله وبالله و
من الله والى الله وما شاء الله لا حول ولا قوة الا
بالله ابرهيم خليل الله موسى كليم الله نوح نجى الله

عيسى

عيسى روح الله محمد رسول الله من كل بلاء فارج
ووجع وكل روح وارواح واوجاع قسم من الله
وعزائم من الله لفلان بن فلانة لا يغشيه الاجل
واعيذه بكلمات الله التامات التى سئلها آدم
ربه فتاب عليه انه هو التواب الرحيم الا
انها خرجت ايتها الاوجاع والارواح لصاحب باذن
الله بعون الله بقدرة الله الا له الخلق والامر
تبارك الله رب العالمين وبعد از ان سوره فاتحه
وآية الكرسى ويكعشر از اول سوره يس بخواند وبعد از
ان بكويد اللهم انى اسئلك بحق محمد وال محمد ان
تصلى على محمد وال محمد ان تشفى من علته
هذه بحرمة محمد واله دفع جرب معالجه جرب وحكه و
نقرس و رصل در قبل مذكور شد والحبا صما دبه
انجير با آرد جو بهتجيب نافع دانسته اند وهم چنين
حنبل با آب باديه در تالول وقوبا ما لند وهم چنين

صبر زرد و فتا سنه و آب کاسنی جهة دفع سکته که از
حرارت باشد مؤثر و ضماد برگ پنبه با روغن گل
جهة نقرس سعد بل دانسته اند و از خواص این است
که هر گاه کسی را حکه و خارش در بدن باشد در تلخ
هر ما هی بنام او فروشند در دیو خاک [illegible] دفع شود
ادع [illegible] و [illegible] علی [illegible] و ما قلبی بهون
عجل الحاجات ایضا در بحر المنافع آورده که این ویشف
صدور قوم مؤمنین را با این قد جاءتکم موعظة
من ربکم با آیه وننزل من القرآن ما هو شفاء
و رحمة للمؤمنین بنویسد و بشوید و بخورد و وضو
سازد و نماز کند و در آن روز مسکی نخورد ایضا
درد فرج کند دهان و زبون غسل دهان و عضوها دفع درم
مرویست از امام موسی کاظم که چون کسی درد بخود بگوید
یا الله سه مرتبه یا رحمن یا رب الارباب و یا اله الالهة
یا مالک الملک و یا مالک الملکوت اشفنی بشفائک

من هذا

من هذا الداء واصرفه عنی فانی عبدک وابن عبدک
انقلب فی قبضتک راوی میگوید که چنین کردم دفع
دیدم ایضا و از حضرت امام علی نقی منقولست که خون
حجامت کند دهان را بر طرف کند ایضا و از حضرت امام رضا روایت
شده که بخورید اسفند را که برای دفع [illegible] نافع است
و کند دهن را برطرف میکند و استخوان را محکم کند و درد
دهن را می برد و بجهة بد بوی بغل الحناء کفته اند که اول
باید موضع را تیغ زند و این دوا مالیده تا قدری خون
دفع شود بعد از آن یکشبانه روز موضع را بشوید و
دیگر عود نماید و بجهة بدبوی انگشتان پا اسپن
برگ تازه سوسن بسیار مجرب است لدفع الاوجاع معالجه ادرار
از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هر روز [illegible]
بعد از وضو ساختن برای نماز پیش از نماز این
دم آخر سوره حشر تا آخر بخوان و بر آن موضع بدم
شود و از خواص القرآنست که سه روز متوالی هر روز هفت

باد این آیات مرقومه بخوانند و در روز ششم بجام آبگینه
بزعفران نویسد و به آب باران محو نموده و صاحب ورم
بیاشامد ایضاً و از خواص ایجوف که نوشته به صاحب
ورم سینه و جراحت دهی طرح ایضاً و در حدیث دیگر
از حضرت محمد باقر صلوات الله که بر هر ورمی سینه
آخر سوره حشر بخوانند و آب دهن بر آن موضع بیندازند
و دفعتاً ساکن کرده فصل هفتم در دفع زکام و ضیق
النفس و سرفه از حضرت امام جعفر صادق مرویست که
بینی را به روغن بنفشه آلوده کند و در وقت خواب
به معقد هند و در روایت دیگر منقولست که یک دانه
سیاه دانه و نیم دانگ کندس را نرم بکوبند و در دماغ
دمند زکام دفع شود و همچنین سیاه دانه را بر روی
سنگ تافته و بخور دود آن به دماغ رود و مجربست و اگر
زکام بسته شده باشد و خواهد که بگشاید قدری زعفران
و قند را با قرنفل بدهند و بسایند و دود آن بخورد دهد گشوده شود

لضیق النفس جهة

لضیق النفس جهة معالجه ضیق النفس در روایت است
که بول شتر نفع کامل می‌بخشد و تجربه رسیده که
پر پا را در سفال نو بسوزانند و با عسل مخلوط کرده
روزی یک وقیه بخورند و دو بیره هفت مثقال ابریشم
و همچنین عنبر و مفوخ و صمغ و سرکه حنظل یک
جهة خناق مجرب شمرده‌اند ایضاً در بحر المنافع
جهة ضیق النفس آورده که این آیات بخوانند بعد از
بسمله تبارک الذی ان شاء جعل لک خیراً من
ذلک جنات تجری من تحتها الانهار و یجعل
لک قصوراً و همچنین بخوانند و بوی خورانند و
ان فاتکم شیء من ازواجکم الی الکفار فعاقبتم
فآتوا الذین ذهبت ازواجهم مثل ما انفقوا
واتقوا الله الذی انتم به مؤمنون متکئین
علی الارائک و لکل وجهة هو مولیها فاستبقوا
الخیرات ایضاً معالجه سرفه در حدیث حسن مرویست

که شخصی بخدمت حضرت صادق عرض کرد از سفر فرنگ
که قدری اجداد روحی ما همان قدر بنات سعوف
کن بگو روز با دو روز افحص گفت چنین کدم بوطر
ایضا در بحر المنافع بجهة دفع سرفه این آیات ذکر
نموده که تعویذ کند و همراه خود دارد بعد از بسمله بگوید
ملعونین اینما ثقفوا اخذوا وقتلوا تقتیلا
ویوم تشقق السماء بالغمام ونزل الملائکة
تنزیلا لقد انزلنا آیات مبینات والله یهدی
من یشاء الی صراط مستقیم درد گلو بجهة درد گلو
وسرفه و غیره در طب الائمه از امام محمد باقر منقولست
که از پدر راحتی نقل فرموده که حضرت امیر المؤمنین
فرموده که هر که درد گلو داشته باشد و بسیار سرفه
کند پس باید تعویذ کند باینکلمات و این تعویذ از
برای هر چیز خوبست مجربست اللهم انت رجائی
و ثقتی وعمادی و غیاثی و رفعتی و جمالی وانت

مفزع الفزعین لیس للهاربین مهرب الا الیک
ولا للعالمین معوّل الا علیک ولا للراغبین
مرغب الا لدیک ولا للمظلومین ناصر الا انت
ولا لذی الحوائج مقصد الا الیک ولا للطالبین
عطاء الا لدیک ولا للتائبین متاب الا الیک
وبیدک الرزق والفرج والخیر الا [illegible]
الامور الفادحة واعیتنی المسالک الشدیدة و
احرستنی الاوجاع الموجعة ولم اجد فتح باب
الفرج الا بیدک فاقمت تلقاء وجهک واستفتح
علیک بالدعاء اغلاقه وافتح یا رب للمستفتح
واستجب للداعی وفرّج للکروب واکشف الضرّ
وسدّ الفقر واجل الحزن وانف الهم واستنقذنی
من الهلکة فانی قد اشفیت علیها ولا اجد
لخلاصی منها غیرک یا الله یا من یجیب المضطر
اذا دعاه ویکشف السوء ارحمنی واکشف ما بی من

هم وغم وكرب ووجع وداء رب ان لم تفعل
لم ارح وبخ من عند عبدك فارحمني يا ارحم الراحمين
هذا مكان البائس هذا مكان المستغيث هذا
مكان الخائف المستجير هذا مكان المكروب الضرير
هذا مكان الملهوف المستعيذ هذا مكان المشفق
الهالك الغريق الخائف الوجل هذا مكان من انتبه
من رقدته واستيقظ من غفلته وافاق من علته
وشدة وجعه وخاف من خطيئته واعترف بذنبه
واخبت الى ربه وابكى من حذره واستغفر و
استعبر واستقال واستعفى اناب الى ربه و
رهب من سطوته وارسل من عبرته ورجا وبكى
ودعا ونادى رب اني مسني الضر فتلافني قد
ترى مكاني وتسمع كلامي وتعلم سرائري وعلانيتي
وتعلم حاجتي وتحيط بما عندي لا يخفى عليك شيء
من امري وتعلم من علانيتي وسري وما ابدي وما

يمكنه

يمكنه صدري فاسئلك بانك اعلم على التدبير
وتقبل العاذرين وتمضي المقادير بسؤال من اساء
واعترف بظلمه فافترق وندم على ما سلف و
اناب الى ربه واسف ولاذ بفنائه وعكف و
اناخ رجاءه وعطف وتبتل الى مقيل عثرته و
قابل توبته وغافر حوبته وراحم غربته وكاشف
كربته وشافي علته واغفر لي جميع ما اخطأته
واحصى كتابك وما محي من ظلمي وذنوبي
وخطاياي وحوائني في خلواتي وسيئاتي وهفواتي
وجميع ما تشهد به خلقك وحفظتك وملائكتك
في الصغر وبعد البلوغ والشيب والشباب
بالليل والنهار والغدو والآصال والعشي
والابكار والضحى والاسحار والحضر والسفر
والخلاء والملاء ان تجاوز عن سيئاتي في اصحاب
الجنة وعد الصدق الذي كانوا يوعدون

اللهم اني اسئلك بحق محمد و آله ان تكشف عني
العلل الغاشية في جسمي وشعري وبشري وعروقي
وعصبي وجوارحي فان ذلك لا يكشفها غيرك
يا الله يا ارحم الراحمين ومجيب دعوة المضطرين
ایضا از خواص این آیتست که چون بر آب خوانند
و سر فرزند کسی بجوشد دفع شود افحسبتم انما خلقناکم
عبثا وانکم الینا لا ترجعون فتعالی الله الملک
الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم اورده‌اند
که هرکه سورهٔ والطارق بوجه خواند و بجوشد از فی
مسرحا ایمن کردد فصل هشتم در دفع شقاق و ترکیدن
دست وپا و دفع نزلات و ماده‌ها منعقد کردن عصب
التغلب از دوای ترکیدن دست وپا مجرب است ایضا
بجهت شقاق زاج وصبر صاف هم با نفط سیاه بمالند
و نوشیدن اکثر بدارند وانو دوای شقاق پا مستر پا و
کف پا مرد ارسنج بعمقال که یک مثقال روغن زیتون
بجوشانند

بجوشانند تا بقوام آید و بعد از آن پاها را داب
کرم کذاشته حوقت نرم شده باشد ازو ضماد نمایند
و قدری را کرم کرده در شقاق بچکانند ایضا معالجهٔ
نزلات و ماده‌ها در سر و غیره جمعی کثیری تجربه کرده‌اند
هرگاه سورهٔ قدر را بر شیشه دختر نابالغ هفت بار
کرده هفت نوبت بر آن بخوانند و هر نوبت که بخوانند
و وقت کرم دمیدن بگوید عقدت نزلة فلان بن فلان
بقوله وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة
للمؤمنين و صاحب نزله با خود دارد دفع شود
ایضا جهت نزله این شکل بنویسد و در وقت بنبه بپیچ
اهن بجیثم میم و بعد از لحم بجیثم فا و بعد از لحم طاء
و بعد از لحم عین بند البته زایل شود مقطع
ایضا طریق بستن نزله دختچنا فت که دو حجر
با جیار بستند فبتاند فی اسرا بادی وازنا لاما پایثر
شق کند و دو دون یکصف عای که بار یکی است بنویسد

یا اسرافیل و در دو دن همین صف نزدیک بجای که
بند دارد و بنویسید یا عزرائیل و این صف بدست راست
صاحب نزله دهد و در صف دیگر در بالای آن بنویسید
یا جبرائیل و در پایین بنویسید یا میکائیل و بدست
چپ صاحب نزله بدهد و باید صاحب نزله و عامل
با وضو باشند و صاحب نزله رو بقبله مربع نشیند
و هر صف بجوقی که روی بوی هم باشند نگاه دارد و
باید نفی را استعمال نکرده باشند و عامل طرف دست
راست صاحب نزله نشیند و آیه قالوا انا تطیرنا بکم را
تا عذاب الیم از سوره یس مجموعا بنویسد و بر هر دو صف
مید سیده باشند تا هم اید انگاه متصل کند و دیمان یکی
ای از بالا تا پایین به بچید و در جای کذارد که دست
بدو نرسد مجرب است انشاء الله ایضا و در بحر المنافع آورده
بجهة نزلها و بادها سنگ که در سنگدان جوجه مرغ باشد
بگیرد و با خود دارد همه بادها را زایل کند مجرب ایضا

معالجه عجیب بو چیدن درک می باید در شب شمع روشن
کرده و در ستاره نگاه کند و سه بار این کلمات بخواند
و هر دفعه صاحب مرض کوید حرکت کن البته خلاص شود
وایضا هم چنین در طرف طلوع و غروب کار دری
بودارد و همین کلمات را سه بار بخواند و بموضع درد
اشاره کند و هر بار سر کارد را بر همین فرو برد و بگوید
صاحب درد را که حرکت کند کلمات این است اعوذ بالله
من الشیطان الرجیم وما رمیت اذ رمیت ولکن
الله رمی ولیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا ربنا
اکشف عنا العذاب انا مؤمنون یا هیا شراهیا
ادونی حنا و فت ایل شدای بلـببب ایضا در بحر
المنافع آورده که اگر کسی زخم و ضرب سنگ یا خشت یا
چوب باو رسیده باشد و کفش دراو هم رسیده باشد
سپندان و دزد و چوبه را با آب حلیه بسایند و در دیگ
کهنه اندازند و در آتش گرم کرده طلا نمایند ایضا



اوکی ایب تا استادو الکد دده تا بشد وحود کند
جاسر دراب توکند وبموضع درج بنبلد وازامثا بد
دم بیم آب بو بابکا آن مرنوه هل هنم دردفع وبا
وطاعون کوسفند سیاه بکیرد وقربانی کند ودردست
دیج بکوید الهی بحرمة محمد صلی الله علیه وآله الهی
بحرمة جبرئیل الهی بحرمة میکائیل الهی بحرمة اسرافیل
الهی بحرمة عزرائیل الهی بحرمة محمد وعلی وفاطمة
الزهراء والحسن والحسین احفظنا واحفظ جمیع اولادنا
واحبابنا واتباعنا وجمیع المؤمنین والمؤمنات
من الوباء والطاعون یا حفیظ سه مرتبه ادرکنی
یا رسول الله ایضا این اشکال را نوشته تا جو دارد
دیکر را نوشته درخانه بیاویزد راهسا ادرها
ملوماه صالح هموم ساهوما اسرا ها ادوبادو بلونیر
بیتاله هالی الوهی امده هم اسها بزنا ها دام اردا
وصعیر ابهوهو برانور ۵ اهیه ادرموی هموسند

صالح همه وهم شاهیه استراهیه لو وو بدبوایا
الوساه سوال ایضا این اشکال را باخود دارد ۹۱۱۱
ط۲۱۹ ایضا این اشکال را باخود داشته باشد ۱۱۱۱
طع ۷ اصح ص ۱۱۱۱ ع ط ۱ لا ۱۱۱۱ م ح ایضا بجهة وبا وطاعون
بعد از هر نماز هفت بار بخوانند ودر هر مرتبه صلوات
بفرستند یا من لطفه لم یزل الطف بنا فیما نزل
انت القوی نجنا عن قهرك یوم الخلل ایضا ودر نسخه
دیکر دارد که این را تکرار نماید بسیار مجرب ودفع
دارد لی خمسة اطفی بهم حر الجحیم والوباء الحاطمة
المصطفی والمرتضی وابناهما والفاطمة ایضا
ودر دو اب دارد که در زمان حضرت پیغمبر در مسجد
بودند در آن مجلس مذکور شد که در زمان عیسی طاعون
واقع شد واطبا در دفع آن عاجز آمدند حضرت پیغمبر بود
تا چه میشود عرض کردند که تا آخر طاعون نصف شد
بیغمبر لکن بشد وصاحبا کو که هذا اسقفانی وسبوی که

مانی ابن بلا دفع شود بمن کرامت فرما که امت من بان
عمل نمایند از وبا وطاعون محفوظ کردند جبرئیل
نازل شد وعرض کرد یا محمد هرگاه در زمان امت تو وبا
طاعون افتد این دعا هفت بار بر کوسفند بخوانند
واو را ذبح کنند وهر که از کوشت ان بخورد از
طاعون ایمن کردد وهم چنین همین دعا بخوانند بر
اهل وعیال خود دمد بسیار نفع دارد ومکرر تجربه
شده دعا اینست اللّهمّ انّی اسئلک باسمائک یا
مؤمن یا مهیمن یا محیی خلّصنا من الوباء یا الله
یا الله یا الله الامان الامان الامان یا خالق یا
رازق یا ذا النعم السابغة یا ذا الکرامة الظاهرة
یا ذا الحجة البالغة خلّصنا من الوباء یا الله سه بار
الامان سه مرتبه یا ملیکا لا یرام یا عزیزا لا یضام
یا قیّوما لا ینام خلّصنا من الوباء یا الله سه مرتبه الامان
سه مرتبه یا دائما لا یزول یا عالما لا ینسی یا باقیا

لا یفنی

لا یفنی
خلّصنا من الوباء یا الله سه مرتبه الامان سه مرتبه
یا حیّا لا یموت یا صمدا لا یطعم یا غنیّا لا یفتقر
خلّصنا من الوباء یا الله سه بار الامان سه بار یا ارحم
من کلّ رحیم یا اعظم من کلّ عظیم یا احکم من کلّ
حکیم یا اقدم من کلّ قدیم یا اکرم من کلّ کریم خلّصنا
من الوباء یا الله سه مرتبه الامان سه بار یا من هو
فی سلطانه قدیم یا من هو فی ذاته قوی یا من هو
فی علمه محیط یا من هو فی عزّه منیف یا من هو
فی لطفه شریف یا من هو فی ملکه غنی خلّصنا
من الوباء یا الله سه بار الامان سه بار یا من علیه
یتوکّل المتوکّلون یا من علیه یلتجأ الملتجئون
یا من الیه یفزع المذنبون خلّصنا من الوباء یا الله
سه بار الامان سه بار ونسئلک باسمائک یا عالم یا
قائم یا حاکم یا غفور یا شکور یا صبور یا ودود
یا رؤف یا غفور یا قدّوس یا قیّوم یا سمیع یا منیع

عظیم

يا من نفع يا رفيع يا شفيع يا بديع يا واسع يا حافظ
يا مغيث يا مميت يا خالق النور يا نوراً قبل كل نور
يا نوراً بعد كل نور يا نوراً مع كل نور خلصنا من
الوباء يا الله سه بار الامان سه بار يا من قوله فصل
يا من ذكره حلو يا من لذيذ يا من ملكه قديم يا من
فعله لطيف يا من عطاؤه شريف يا من امره
حكم يا من عذابه عدل خلصنا من الوباء يا الله
سه مرتبه الامان سه مرتبه يا من في الاموات علامته
يا من في القبور قضاؤه يا من في القيمة حكمه يا من
في الموقف هيبته يا من في العقوبة عدله يا من في
النار عذابه يا من في الجنة رحمته خلصنا من
الوباء يا الله الامان سه بار اللهم انا نسئلك يا
اول الاولين و يا آخر الآخرين يا من هو ارحم
الراحمين نسئلك بحق هذه الاسماء ان تصلي على
محمد و آل محمد يا من انت الذي نجيت ابراهيم من النار

فجعلتها برداً وسلاماً يا من انت الذي كشفت الضر
عن ايوب و وهبت له اهله و مثلهم معهم
رحمة من عندك و ذكرى للعالمين يا من انت
الذي مننت على موسى و هرون و نجيتهما من
الكرب العظيم يا من انت الذي سمعت نداء زكريا
و وهبت له من الكبر غلاماً ذكيا يا من انت
الذي اخرجت يوسف من الجب و السجن يا من
انت الذي ارددت على يعقوب بصره بعد
ان ابيضت عيناه من الحزن يا من انت الذي نجنا
من شر الوباء و آفة الدنيا و نجينا من عذاب القبر
و تنقذنا من اهوال القيمة و تسلمنا من عذاب
النار و تدخلنا الجنة اللهم انت القادر و نحن
المقدورون و انت القوي و نحن الضعفون
و انت الغني و نحن المفتقرون و انت الغفور
و نحن الخاطئون و انت الباقي و نحن الفاني و

وانت المعطى ونحن السائلون وانت الباعث ونحن
المبعوثون وانت حي لا يموت ونحن عباد نموت
نموت اجرنا من النار بعفوك وادخلنا الجنة
برحمتك وارزقنا النظر الى وجهك الكريم في
الاخرة بكرمك واصرف عنا الوباء والطعن والطاعون
بفضلك واغفر لنا ولاباءنا ولامهاتنا واولادنا
وازواجنا وذرياتنا ولجميع المؤمنين والمؤمنات
عامة انك على كل شيء قدير وبالاجابة جدير
برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله
اجمعين يا حي يا قيوم بحق بسم الله الرحمن الرحيم
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين
بس سوره فاتحة الكتاب را بخواند مجرب **فصل دهم**
در دفع بول جبار کردن و در فراش بول کردن و تقطیر
البول از عبد الله بن عباس منقولست که هر که را بول جبار
ابد اول ضحی بناشتا هفت بار لو انزلنا هذا القرآن تا اخر

بخواند و در روایت دیگر منقول است از حضرت محمد باقر که اسفند را
بکیرد و بشش نوبت تا بر سر وی نه نوبت تا بر کرم
شوید و در سایه خشک کند باد و عن کل حرب بسوف
کند و بخورد **ایضا** در کتاب مکارم الاخلاق جهة
دفع بول نوشته بر ورق اهو و بر طفل او بندند حرز
هو هو هد هد هو هو هات هات اما لر کف کف
هف هف حم حم مسعر لم قل هو الله الاحد العالب من
سبحز والعد والبلیس سح لبنی ادم کالذی سجد لادم
الملئکه باذن الله ابد کرهم بنت کریمه و ولد فلان
بن فلان ههههه سلدت سلدت لسوره سوره
صفه صفه حنث عنا ثم سلیمان بن داود رب
العالمین **وایضا** در دفع بول کردن در خواب واز
برای حبس اطفال در خواب بنویسد و بر سر ایشان بندد
بعد از بسمله محمد رسول النبي الامي العربي الهاشمي
المدني الابطحي التهامي صلى الله عليه واله الى من حضر

الّا ادمن العماد والحوادِ اما بعد فانّ لنا ولكم
في الحيوة سبعة فان تكن فاجرا مفتحما او داعي
حق مبطلا ومن يوذي الولدان ويفزع الصبيان
ويبكيهم ويبولهم على الفراش فلينتو وصلوا الي
اصحاب الاصنام والي عبدة الاوثان ولتخلوا
عن القرآن في جوار الرحمن ومحاذي الشيطان
نعزائم القرآن وصلى الله على محمد واله ايضا
بجهت دفع بول الطفل در فراش در صحن مس يا ورق
اهو اين اسما را نقش كند و به او بدهد بايد كه در روز
جمعه يا روز يكشنبه يا سه شنبه بوده باشد بعد از بسمله
هو هو يا نوذه عدد اوا والله انه كنف هو هو سف
قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد و در كتاب جمال الصالحين اورده كه
اين ايات را بر او بخوانند بحق بسم الله الرحمن الرحيم
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ايضا

اورده

اورده كه بر جام زجاجي يا جام مس با زعفران نويسد
بعد از بسمله انقدر كه جام بپوشد ان الله يمسك
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان
امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا
پس اب سرد بشويد ونكاه هدارد وبعد از ان بوبارحه
بوپتی تا بامداد همين ايه را با حمد وسه مرتبه بو حميد
ومعوذتين واية الكرسي ولو انزلنا هذا القرآن تا اخر
واية قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا اخر سوره بني اسرائيل
نويسد وبعد از ان بسمله نويسد وبعد از ان اين را
نويسد يا من هو هكذا ولا هكذا غيره امسك عن فلان
بن فلان ما يجد من غلبة البول پس اگر مرد باشد
تعويذ را در پشت رها ببندد واگر زن باشد بر زانوی
ببندد پس قدری زعفران در دو جا بوان سعد هر يكرا
جدا بكوبند وسعد را از حجر بيرون كنند هر دو را با
عسل بي موم معجون ساخته حبها سازند در وقت خوابيدن

بچکد وا با قدری از آن آب که پیش مذکور شد بنوشد
و چون علت زایل شود تعویذ را بکشاید تا حبس البول
نشود ایضاً الحبا سترهیت سیم سوخته بوزن با عسل جهت
دفع در فراش مجرب داشته اند و مقدار شربتش یا دو درهم
گفته اند ایضاً جهت سلسل بول جگرهای جوجه خروس را سوخته
و آنگاه با آب نیمگرم خوردن نفع دارد ایضاً در عجب المنافع
آورده که اگر بولة در فراش در هوای سرد باشد از سردی
خواهد بود نیم سیر سندروس با هم وزن او قند و دو حن
کالوحلوا کرده و خوردن تا سه روز نفع دارد و هم چنین
نیم سیر کنجد سیاه را با شکر سرخ یک هفته و در وقت
خواب خوردن مفید است و اگر در هوای گرم باشد از
گرم است کشنیز خشک را سحق نموده و چندان شکر
سرخ هر روز تا یک هفته بخورد ایضاً اگر دل خروس را
بریان کرده یک هفته بکودک خورانند در فراش بول نکند
و خصیه نیز هم بطریق مذکور همین خاصیت دارد و مجرب است

ایضاً بجهة

ایضاً بجهة قطع سیلان منی این معجون را مجرب
داشته اند که تخم کاهو تخم سداب تخم بنج انگشت هر
یک را سه مثقال سعد آن مدابح هر یک دو مثقال گلنار
یک درم شربتی چهار درم با آب سرد و هم چنین ایضاً سحیق
پوست نازک کدو ساتا هر روز دو مثقال جهة تقطیر
البول نافع دانسته اند و هم چنین زهره کبک با خاکستر
چوب گز با عسل معجون نموده سلسل بول و بول در
فراش را نافعست و هم چنین خوردن تخم کاهو جهة
نزله و زکام و درد سینه و تقطیر البول و سیلان منی
نافعست ایضاً جهة تقطیر البول در خواص القرآن
مذکور است که این آیات نوشته و تعویذ و محو زد
و دیگری نو بید دیگری بندد وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ
وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ
بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ هل یا ذوهم در
دفع خیالات فاسده و وسواس در خواص آیات قرآنی

آورده که چون کسی را خیالات فاسده تشویش دهد
و وهم بر او غلبه کند این آیات را بر او خوانند و بالمشوه
و اگر بر ورق آهو نویسند و بر گردن بندند که از جن باو
زحمت رسیده باشد خلاص شود وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ
جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
حِجَابًا مَسْتُورًا وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ
وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ
وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا فَإِنْ تَوَلَّوْا
فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
ایضا در حدیث نبوی وارد شده است که از برای
دفع وساوس و ضلالت دست بر سینه بمال و بگو بسم الله
وبالله صلی الله علیه وآله ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم اللهم امح عنی ما اجد پس
بر سینه بمال و سه مرتبه همین دعا بخوان ایضا حضرت
رسول صلعم وارد شده که بگوید توکلت علی الحی

الذی

محمد رسول الله

الَّذِي لَا يَمُوتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَدًا
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ
مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ایضا در حرز الامان
مسطور است که هر که این آیه وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ
نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ
اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا
هُمْ مُبْصِرُونَ را بخواند و در روز جمعه وقت طلوع
آفتاب بزعفران و گلاب بر هفت ورق کتابت
کند و هر روز یک ورق در هم پیچیده فبلع نماید و بنا
ان جعفر ابی بعون حق سبحانه و تعالی وسوسه و فزع
از دماغ او بیرون کند و در خزانة الاسرار آورده
که هرگاه کسی را وسواس و فکر و خیال فاسد باشد این
وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا تا آخر نوشته در لوله آهن
نهند و تعلیق نماید از و زایل شود ایضا شیخ ابو العباس
بونی آورده که سوره قل اعوذ برب الناس را در چهارده

ماه وظرف نو نویسید که از ان آب محو زده باشند و بشوید
وان آب بجوشد و وضو سازد از وسواس ایمن گردد
مثل دوازدهم در دفع بیخوابی وغلبه کی خواب و دفع
احتلام ودیدن مطالب در خواب در خواص القران
آورده که هر که آیه وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ
وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا
إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ
الْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ را در وقت خواب بخواند
هر وقت شب که خواهد بیدار شود ایضا در خواص
القران آورده که آیه سحره را از سوره اعراف بخواند
و بخوابد را از خدا مسئلت نماید خواب او کم شود
آیه اینست إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ
النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ
مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ

رب العالمین

رَبُّ الْعَالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ
لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ
إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ
قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ وایضا آورده که هرگاه آیه
وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا تا قوله كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
بر پوست آهو نوشته در میان سند و بخواب رود
بیدار شود تا اسبغا ار او دور کنند و بجهت کسی که
خواب نکند مثل مریض مناسبت همراه او کنند تا
خوابش برد وایضا در بحر المنافع آورده که هرگاه
کسی بیخ کاکنج که انواع وسک چی برده گویند با دیمان
لعل در گوش او ببندند خواب رود وایضا آورده
که اگر خواهی که خواب کسی گران شود این آیات نوشته
در زیر بالین انکس بگذار از خواب بیدار نشود وَجَعَلْنَا
نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ
مَعَاشًا وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا

ایضا در مکارم جهة غلبکی خواب آورده که هر که خواند
در وی خود را از آن بشنوید ولما جاء موسی لمیقاتنا
وکلمه ربه تا قوله اول المؤمنین ایضا از حضرت جعفر
صادق مرویست که هر که بخوابی عارض شود این دعا
بخواند سبحان ذی الشان دائم السلطان کل یوم
هو فی شان ایضا در مصباح دیگر مرقوم که در وقت
خوابیدن این بخوانند هر وقت از شب که بخواهند
بیدار شوند قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم
اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا
صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا ایضا از حضرت
موسی کاظم روایت شده که هر که خواهد در شب بیدار
شود در وقت خوابیدن گوید اللهم لا تنسنی ذکرک
ولا تؤمنی مکرک ولا تجعلنی من الغافلین
وانبهنی احب الساعة الیک ادعوک فیها فتستجیب
لی واسئلک فتعطینی واستغفرک فتغفر لی انه لا

بغفر

یغفر الذنوب الا انت یا ارحم الراحمین چون
ابتدا بخواند حق تعالی دو ملک را موکل کند که او را
بیدار کنند و اگر بیدار نشود امر شود که آن دو ملک
برای وی طلب مغفرت کنند و اگر در آن شب بمیرد
شهید مرده باشد ایضا در خلاصة الاذکار
مذکور است که اگر خواهی مبتلی در خواب نبینی در
وقت خواب ابتدا بخوان اللهم انت الحی الذی
لا یوصف والایمان یعرف منه منک بدت الاشیاء
والیک تعود فما اقبل منها کنت ملجاه ومنجاه
وما ادبر منها لم یکن له ملجاء ولا منجی منک الا الیک
واسئلک بلا اله الا انت واسئلک ببسم الله الرحمن
الرحیم وبحق حبیبک محمد سید الاولین والآخرین
وبحق علی خیر الوصیین وبحق فاطمة سیدة
نساء العالمین وبحق الحسن والحسین الذین
جعلتهما سیدی شباب اهل الجنة علیهم اجمعین

السَّلامُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُرِیَنی
مَبیتی فلان بن فلان فی حالِ الَّتی هُوَ فیها از مشایخ
نقلست که اگر خواهد یکی از پیغمبران یا ائمه را
در خواب ببیند همین دعا را تا اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ بخواند پس بگوید اَنْ تُرِیَنی فلان و بعد
از آن والشمس و واللیل دو سوره قدر و بعد سوره
اخلاص و معوذتین بخواند و صد مرتبه توحید بخواند
و صد مرتبه صلوات فرستد و هر این عمل با وضو باشد
و بجانب راست بخوابد و هر کرا خواهد در خواب
ببیند و سؤال و جواب در میان هم میشود و در
کفعمی ذکر نموده که هر گاه مهم و مشکلی پیش آید و
علاج نتواند کرد با وضو و طاهر وقت خواب بالای
که ذی نهی پیش او نباشد بخوابد و در وقت خواب والشمس
و واللیل را هر یک هفت بار بخواند و بگوید اللّهمّ
اجْعَلْ لی مِنْ اَمْری فَرَجاً وَمَخْرَجاً تا هفت شب ببیناد در

بین

بین سخنی بخواب در آید و علاج کار و دواء دفع اشکال
با و نماید مجرب است ایضا گفته اند که اگر کسی خواهد
بداند که حاجت او برآورده میشود یا نه این کلمات
بر ناخن دست چپ نوشته بخوابد اگر سبزی در خواب
ببیند انجام مراد او برآورده شود و اگر تیرگی ببیند انکار
بر بیاید کلمات اینست اهجب هو ستابه هو وسلی
بلسو هو خنص قواهین ننضر افنا دبن وایضا در کفعمی
آورده که اگر کسی خواهد کاری کند و بداند که خیر
او است یا نه این آیه بخواند و بخوابد اگر سفیدی در
خواب ببیند خوب باشد و اگر سرخی ببیند بد باشد
ترک کند اَحَسِبَ الَّذینَ کَفَرُوا تا آخر کهف بخواند
اللّهمّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَرِنی فی مَنامی اِنْ کانَ
فی مَطْلَبِ فلانٍ خَیْرَةٌ وَاِنْ کانَ لی فی مَطْلَبِ فلانٍ
شَرّاً فَاَرِنی سَواداً اَوْ حُمْرَةً ایضا عجیبه دفع احتلام
مجرب است که در وقت خواب خواندن سوره والطارق

حاصل شود از احتلام   این اشکال نوشته با خود دارد
محتلم نشود ححج ححح لسلمس ححح مدد (ه) ایضا
المتاحو دون غم کاهو دانجبة محتلم نشدن تا فرد است اند
ایضا از حضرت امیر المومنین روایت شده که بجهة
نترسیدن در خواب این آیه را بخوانند وَضَرَبْنَا عَلَىٰ
آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ
أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و هرگاه طفلی
فیاد کریه کند و بخواب نرود همین آیه بر او خوانند
از کریه ایستد و آرام گیرد باب دوم بجهت هر شر و بلیتی
نوشته با خود نگاه دارد بعد از بسمله یا هو یا من هو
یا من لیس هو الا هو صل علی محمد و آل محمد و اجعل
لحامل کتابی هذا من کل هم و غم و الم و خوف
و فرجا و مخرجا برحمتک یا ارحم الراحمین محمد و علی
و فاطمه و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی
و علی و محمد و علی و الحسن و محمد صلوات الله علیهم اجمعین

و این عمل

و این شکل نیز در اخر بنویسید بسیار نافع است خوب
ایضا جهة هر شر و

٤	٩	٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

بلیتی که دور و د
و شب دور کند این مربع را که وفق او موافق عدد
بسم الله بر ترتیب عدد نظیری که ارباب این فن
گفته اند با اشکالی که در حوالی او نوشته شد مظهر
او مظهر اسماء الله سبحانه و بنابر حکمی که در این باب
گفته اند که بسمله نوزده حرف است عدد زبانیه جهنم
هر که ملازم آن شود از آنها ایمن شود و از شرور
که از نتایج هوی نوزده گانه متمم جهنم شود غایب باید و
مراد از آن قوا حواس خمسه ظاهری که باصره و شامه
و ذائقه و لامسه و سامعه است و حواس خمسه باطنی که
حس مشترک و متخیله و متوهمه و متصرفه و حافظه است
و قوه شهویه و غضبیه و هفت قوای دیگر که طبیعت اند
که آن غاذیه و نامیه و مولده و [illegible]

وعلمتیه است و از ابجهٔ ندبانبه دو زخ بنو ده مقرر شده
که باذاء هریك از قوا ربانیه باشند و هم چنین شبانه روزی
بیست و چهار ساعت بنج ساعت باز ربع وقت نماز است
بوده. از ان باقی جی باندبمو الحبث و ملاقات دیملبه از شر بود که
درین ساعات بالطبع بود امان ونجات حاصل شود زیرا که خوف ووعده
ساعات است و چون در این خواص بسیار ذکر نموده انکیهین طورد الکفا شد

طالب وددوده	کافی	رب	قدوس صمد
قاسم	لا الا الله الله	کهیعص	صنع
ابد قدیم	حی وفی	صان مهدر	الله لطیف
وحید ملیع	علی محل	باد طیسی	بار

١٩٦	١٩١	٢٠٣	١٩٩
٢٠١	١٩٠	١٩٥	٢٠٠
١٩١	٢٠٤	١٩٧	[illegible]
١٩٩	١٩٣	١٩٢	٢٠٣

ان شاء الله مجرب است و
بسیار نافع است

ایضا در دفع شر شیاطین واجنه مرویست که شخصی احلال

دماغ بهم رسانید بحضرت جعفر صادق عرض کرد حضرت فرمود
هر شب در وقت خواب این دعا بخوان بسم الله و با
الله و کفرت بالطاغوت اللهم احفظنی فی منامی
و یقظتی اعوذ بجلال الله و عزة الله و جلاله مما
اجد و احاذر ایضا از حضرت رسول روایت شده
که هر که از شیاطین و جادو گران بترسد این مبارکه سوره
تا قیب من المحسنین بخواند از شر ایشان محفوظ گردد
ایضا دعای ارقاش و اگرا از سید علی همدانی نقل
شده بجهت دیو و پری در دفع تاثیر عظیم داده و چون او خوانده شد
بود و خلاص شود و طریق خواندن آنست که بر کف دست
راست چپ مصروع بخوانند بنامی و از سر تا قدم و محکم بهیبت
و اگر بر کف دست چپ یا راست ام بنوشید خوب است
و اگر مکانی جن جا کرده باشند در آنجا خواند شود
از آنجا فرار کنند و بسیار مجرب است ارقاش قاعش
مرقاش استطفاف استطاف ظطوف ظطاف شغدا

وذاس اقه وحق العزة بالجهسلوا انشوح ارخ شنوح
ارموحيثا القديم الازلي الابدي ان الذين
فتنوا المؤمنين والمؤمنات ثم لم يتوبوا فلهم عذاب
جهنم ولهم عذاب الحريق انشدكم يا معشر الجن
بالله العزيز الغفار الواحد وبالعهد الذي اخذ
عليكم لسليمان بن داود ان لا تضروا اجامل
هذا الهيكل فلان بن فلان وان تتركوه في حرز الله
وحمايته بحق محمد واله اجمعين **ايضا** بنجره رسيده
كه مبتلا و زعفران بر قدح نو يا جام آبگينه چيني
بنويسند باب باران يا گلاب ميان حل كرده هفت روز
ناشتا چون كرمند بخورد و از الم خلاص شود و نفع عظيم
بخشد بحكم الله وبقدرة الله احرقك يا تابع فلان بن فلان
هه هه هه هه هه هه هه ها اه اه سه سه
سه سه لهو لهو لهو اوه اوه اوه

١١ ١١١ ١١ ٧ ١٤ ١١ ١١ ١١ ١ ٨

ك ١١١ ٩ ١١ ١٢ ٩ ٢ ٥ ٦ ١ ط ١١ ط ع محو

جيم الله العظام الموسعة احرقك احوامن وهي التا
من القواعق بحرقك بشهاب ثاقب المعنك من نار
وغاس فلا تنتصران احرقك بقاع من الهواع
الله احرقها حريق فذوقوا عذاب الحريق الفرار
مع قعبا الذين كفروا وبئس المصير احرقك سلطان و
تلبس اقبل المشعل وعذاب مالك وهو مالك جهنم ومعه تسعة
عشر احرقك بغضب الله ان نفهمو عن عصى الله والتافوا
مثبوا لليهود من السبيل وعذابا قد سلطك الله فاحرقك
ثم احرقك بعذاب اليم اللهم انت القادر القاهر
القائم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وصلى الله على محمد واله اجمعين **فصل ومن** دفع صرع
و دعا ميكنند بحق از حضرت امام رضا مرويست كه بعضي را
ديدند كه او را صرع گرفته قدح الحيطلسبيدند وسوره حمد
ومعوذتين بران خوانند بر سر وروى او باشيدند **ايضا** دوا درد

دیگر وارد شده است که کسی را جن گرفته باشند سوره حمد
و معوذتین هر یک را ده بار بر او بخوانند و بمشک و
زعفران بنویسند بر جامی و باب بشویند و باو بخورانند
و از آن آب وضو سازد و غسل کند خلاص شود ایضا
در روایت دیگر از خواص سوره القصص است بنویسد
و آیة الکرسی بر حوالی آن بنویسد در کسی که صرع دارد
او بری شود ایضا از حضرت رسول روایت شده که اگر جن
در خانه کسی سنگ اندازند از سنگ بر دارد و بگوید حسبی الله
وَ کَفیٰ سَمِعَ اللّٰهُ لِمَن دَعا لَیسَ وَراءَ اللّٰهِ منتهی و در مکارم
الاخلاق آورده که آیه وَمٰا لَنٰا اَلّا نَتَوَکَّلَ عَلَی اللّٰهِ وَ
قَد هَدٰینٰا سُبُلَنٰا وَلَنَصبِرَنَّ عَلیٰ مٰا آذَیتُمُونٰا وَعَلَی اللّٰهِ
فَلیَتَوَکَّلِ المُؤمِنُونَ را نوشته بر او بیاویزد خاصیت بسیار
دارد حرز الحرز بجهت حرز ابی دجانه که ابو الکمال الدین
در کتاب حیوة الحیوان ذکر نموده که عرض بحضرت رسول
عرض کرد که شبها چیزی بنظرم می آید که در فضای خانه جمع

می آیند

می آیند و گاهی کوتاه میشوند و گاهی بلند میشوند و مثل
زنبور عسل صدا می کنند و مثل برق میدرخشند و مثل
خارپشت میباشند و از ایشان وحشت بسیار میکنم و خوف من
مستولی میشود حضرت فرمود که اهل عامر خانه توانند بعد
حضرت امیر را طلبید و این حرز را باو املا فرمود و آن
حرز را نوشت و ابو دجانه گرفت و بخانه خود رفت
و ابو دجانه گفت که چون خوابیدم این نوشته را در زیر سر
کردم ناگاه در میان خواب فریادی و ناله شنیدم که کسی می
گوید ای ابو دجانه الامان الامان این نوشته را از خود
دور کن که ما را هلاک کردی و عهد کردیم که دیگر بخانه
تو نیائیم ابو دجانه گفت دیگر کسی را ندیدم و حرز بود
که مرا از شر ایشان محفوظ داشت و حرز این است و مجرب
و آزموده است هٰذا کِتٰابٌ مِن مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ رَسُولِ
رَبِّ العٰالَمِینَ مِن طٰارِقِ الدّٰارِ وَ العُمّٰارِ وَالزُّوّٰارِ
اِلّا طٰارِقاً یَطرُقُ بِخَیرٍ اَمّٰا بَعدُ فَاِنَّ لَنٰا وَلَکُم فِی

الحَیوةِ سَبعةٌ فَاِن یکن عاشِقاً مُولِعاً او فاجِراً
مُفحِماً هذا کِتابُ اللهِ ینطِقُ علینا وعلیکم بِالحَقِّ
انّا کُنّا نَستَنسِخُ ما کُنتُم تَعمَلونَ ورُسُلُنا یکتُبونَ
ما یمکُرونَ اُترکُوا صاحِبَ کِتابی هذا وانطَلِقوا
الی عَبَدَةِ الاوثانِ والی مَن یزعَمُ اَنَّ مَعَ اللهِ
الهاً آخَرَ لا اِلهَ اِلّا هُوَ کُلُّ شَیءٍ هالِکٌ اِلّا وَجهَهُ
لَهُ الحُکمُ والیهِ تُرجَعونَ هُم لا یبصِرونَ حمعسق
تَفَرَّقَت اَعداءُ اللهِ وبَلَغَت حُجَّةُ اللهِ ولا حولَ ولا
قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ فَسَیکفیکَهُمُ اللهُ وهُوَ
السَّمیعُ العَلیمُ ایضا در بحر المنافع اورده که اگر
کبرا باد صرع کرفته باشد سوره واللیل را براو بخوانند
و بد مستخوب شود ایضا سوره حمد برا و سیزده هر بار
شود بعد از بسمله فَخَلَفَ مِن بَعدِهِم خَلفٌ اَضاعوا
الصَّلوةَ واتَّبَعوا الشَّهَواتِ فَسَوفَ یلقَونَ غَیاً و
صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ اَجمَعینَ ایضا از حضرت

امیرالمومنین در مهج الدعوات مذکور است که
بجهت مصروع و مسموم تاثیر عظیم دارد و بجهت هر
چیزی که آدمی را و ترسد و از شر شیطان و دزدان
و سلطان و جانوران نوشته بربازوی راست ببندد
بعد از بسمله ای کنوش ای کنوش اره شش
عظسطفع یا ملطرون وبالسیون ما و میاسا
ماسوماطنطا لوس خنطوس مسففلس مسامعوس
قرطغوس لطیفنکس هذا بجانب الغوج اذ ضینا
الی موسی الاجل مر و ما کنت من الشاهدین اخرج
بقدرة الله منها والاکنت من المسجونین اخرج
منها فما یکون لک ان تتکبر فیها فاخرج منها
انک من الصاغرین اخرج منها مذموما مدحورا
ملعونا کما لعنا اصحاب السبت اخرج یا سوا سوا
سوا بالاسم المخزون با اصطرون طرعون مراعون
تبارک الله احسن الخالقین یا هیا یا هیا شراهیا

حیا قیوما بالاسم المکتوب علی اسرافیل اطرد واصرف
صاحب هذا الکتاب کل جنی وجنة وشیطان وشیطانة
وتابع وتابعة وساحر وساحرة وغول وغولة و
کل متعبث وعابث بعبث ابن ادم ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله اجمعین

جبر خبر جبر خبر خبر خبر بم ثم سرصر صلدامل و
سرخلدامل **ایضا** ابن زهره در خواص خود اورده
که عود طبیب جون و مصروع بندد صرع زایل شود انشا الله
ایضا اطبا کفته اند که خطاف هر سالی دو بار بچه میکند
هر کاه در حال زایدنی روز ماه سنکم بچه اول وا بشکافند
دو سنک زیره بیرون می اید یکی سفید و یکی ملون چون عقیق را

در ابت

در پوست کوساله که حین زائیدن بمو کرفته باشد
که بدن کوساله بزمین نرسیده باشد ذبح کرده ببندد
و بر بازوی مصروع یا بکودن اویبا وینز بالیهد دفع صرع
مجربست **ایضا** از خواص این اشکال است که بنویسند
وان اب بروی جنی دده و مصروع بپاشند جن
سوخته شود ابواخین ابواخین وان اواه ایه
ایضا بجهة دفع جنی جون صرع در مصروع ظاهر شود
با انکشتان اهام دستها و پاهای او را بریسمان
سیاه ببندند و دو چین دفع هر یک از این بخوانند
فاذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب حتی اذا
اثخنتموهم فشدوا الوثاق **ایضا** بتجربه رسیده که
اکر کسی را جنون یا صرع که کهنه باشد این دعا در پنج
سطر که کم و زیاد نباشد نوشته و بر بازوی راستش
ببندد شفا یابد بعد از جمله ونفخ فی الصور فصعق
من فی السموات ومن فی الارض الا ما شاء الله ثم نفخ فیه

اخرى فاذا هم ینظرون واشرقت الارض بنور ربها
ووضع الکتاب وجیء بالنبیین والشهداء
وقضی بینهم بالحق وهم لا یظلمون وصلی الله
علی محمد وآله اجمعین ایضا در دفع سحر و صلوات
معتبر منقولست که حضرت امیر المومنین فرمود که این آیات
دفع سحر این تعویذ را بنویسد و با خود نگاهدارد و بیاد
مجربست و نفع عظیم دارد بسم الله وبالله ما شاء
الله بسم الله ولا حول ولا قوة الا بالله وقال موسى
ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح
عمل المفسدین فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون
فغلبوا هنالک وانقلبوا صاغرین ایضا در دفع
دیگر فرمود که اگر از ظالمی یا ساحری ترسی بعد از نماز
شب و پیش از نماز صبح روی بجانب خانه کن و هفت
نوبت بگو بسم الله وبالله سنشد عضدک باخیک و
نجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا انتما

ومن اتبعکما



ومن اتبعکما الغالبون ایضا جهة ابطال سحر مجرب
وآزموده است که بنویسد با خود نگاهدارد و بعد از
بسمله وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء
منثورا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون والقی السحرة
ساجدین وقالوا آمنا برب العالمین رب موسى
وهرون قال آمنتم به قبل ان آذن لکم انه
لکبیرکم الذی علمکم السحر قالوا هذان لساحران
ان یخرجاکم من ارضکم بسحرهما بحق کهیعص و
بحق حمعسق وبحق صم وبکم عمی فهم لا یسمعون
ولا یتکلمون ایضا وارد شده است که اگر آیه وما محمد
الا رسول قد خلت من قبله الرسل تا شاکرین
که در سوره آل عمران است بر آستین زنی که او را سحر کرده
باشند بنویسند آن سحر باطل گردد و اگر همین آیه را
جمع ساحران که سحر میکنند بخوانند سحر ایشان بکسی کار نکند

ایضا آورده اند هر که این آیه بر دست راست خود نویسد
و آنرا بزبان بلیسد تا هفت روز سؤال الملک عمر سحر
بر او کارگر نیابد وَمَن يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ
فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَن يَخْرُجْ
مِن بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ
فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا
وایضا شیخ ابو العباس بونی گفته که شرط نیست بر دست
راست نوشتن و هفت نوبت لیسیدن بلکه بیکنوبت
همین نفع میدهد اما گفته که بروغن باید نوشت
و بعضی گفته اند که تعلیق این نیز همین خاصیت دارد
وایضا این کلمات بخاک کربلا و با آب نیسان بر کف دست
مسحور نویسند و مسحور بناشتا از زبان خود پاک کند بلیسد
و سه روز پی در پی این نوع کند سحر باطل گردد و بعد از
بسمله یا من اَذَلَّ سِحْرَهُ بِإِعْجَازِ مُوسَى لَمَّا أَلْقَى عَصَاهُ
فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ أَزِلْ عَنِّي صَنْعَةَ السَّحَرَةِ

وكيد السحرة

وَكَيْدَ السَّحَرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وایضا
آورده که این آیه را هفت بار در آب بخوانند و بدهند
تا مسحور بخورد سحر بروی باطل گردد و سلوسا
جاسوسا ماسوسا وایضا سه روز بامداد بر کاغذ
نویسند و در آب روان اندازند سحر دفع شود بعد از
بسمله ذَكَرْنَا مِنْ حَيْثُ نَسِينَا وَعَافَيْنَا مِنْ حَيْثُ
ابْتُلِينَا وَمِلْنَا مِنْ حَيْثُ خُلِقْنَا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وایضا از خواص موش کور است که
چون او را در آستانه خانه دفن کنند ما مضر گردد
بر اهل آن خانه ایضا در خواص خطاف گفته اند که
اگر کسی آشیان او را در وقت بنا زیر حجر خواب کند
و در او جل نموده بدان ابد تو انشوید باعث بطلان
سحر و دفع آن شود ایضا از خواص اسم قائم و
واحد است که این دو اسم را بطریق امتزاج ق
وا ای م د بر کف دست مسحور نویسند سحر دفع شود

وایضا اگر ابجد و قرا نوشته و شسته بکوید کرده
دهد درد ساکن شود وایضا در خواص خال چهار ذات هست
که چون قبل از طلوع آفتاب در روز دوشنبه ملا بست
چپ بردارند و در خرقه کبود بسته تعلیق نمایند سحر
دفع کند و چون در ساعت سیم روز چهارشنبه بردارند
جهة دفع عداوت مؤثر است بتجربه رسیده ایضا
در دفع چشم بد در احادیث وارد شده که چه بسیار میشود
که چشم بد آدمی را در قبر و شتر را در دیگ داخل می کند
پس هرگاه آدمی را از چیزی خوش آید الله اکبر بگوید و در روایت
دیگر نام خدا ببرد و از حضرت صادق منقولست که چون
چشم کسی را و یا چشم او در کسی تأثیر کند سه مرتبه بگوید
ماشاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
ایضا مرویست که هرگاه خواهد ببیند نیکو خواهد
از خانه بیرون رود سوره معوذتین را بخواند بیرون
رود چشم بد بدو کار نکند ایضا در روایت دیگر فرمود

که هر کرا از چشم

هر کرا از اثر چشم بد با او رسد دستها را بر ابرو بلند
کند و سوره حمد و معوذتین را بخواند و بر ریش سر انگشت کشد
ایضا تعویذ جهة چشم زخم رسیده مجرب و آزموده
اللهم رب مطر حابس و حجر یابس و لیل دامس
و رطب یابس ردّوا العین و عین العاین
فی کبده و نحره و ماله فارجع البصر هل تری
من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک
البصر خاسئا و هو حسیر ایضا این دعا را جهة
چشم زخم بخوانند مجرب ما شاء الله کان و ما
لم یشأ لم یکن و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر
و ان الله [قد احاط] بکل شیء علما و احصی کل شیء عددا و لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ایضا بجا
یا باحوذ نگاه دارد و آیه مبارکه و ان یکاد الذین را
تا آخر ایضا این افسونها بخوانند و بعضی گفته اند که بر
خود دارد و بعضی گفته اند که بر بیضه نوشته بر روی چشم

بجم رجم

جوان با اینان زند تا شکسته شود عاث بابکم بسم الله
عظیم الشان القوی السلطان الشدید الارکان
عبس عابس وحبس حابس وحجر یابس ولبل امر
وماء قارس فی عین العاین وفی احب خلق
الله الیه وفی کبده وکلیتیه فارجع البصر
هل تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین
ینقلب الیک البصر خاسئا وهو حسیر ایضا بجهة
چشم زخم بنویسد این کلمات را بر بیضه مرغ اگر آدمی باشد
در میان پایها او بر زمین زند واگر حیوان باشد
در میان چشمهای او زند و بشکند و در وقت شکستن
بگوید بسم الله وبالله وعلی اسم الله واسم العین
وکلماتی که بر بیضه نوشته شود اینست جاعت جعجعت
جعجعت جحجعت انفجعت انفلقت ایضا المبارکه الله
که در جوامع اسعد است که هر که این را با پارچه کعبه
تعلیق کند دفع سحر و چشم بد از او شود ایضا از خواص

از خواص

ذاج [illegible]یداست که چون کبیرا چشم بد برسد از آن جو[illegible]
در آن ظعه صوت و شکل چشم ظاهر گردد هرگاه در طرف
مقابل خانه شخصی بکند او ند سحر برا اهل آن خانه کار نکند
ضد [illegible] در فتح الرجال و حل مربوط و قوت باه و دفع
سرعت انزال در کفعمی آورده که اگر مردی را شبهه
باشد جهار عدد بیضه مرغ [illegible] و پوست کرده بر هر یک
بزعفران بنویسد و بیاشامد بخورد در ساعت گشوده شود
اول فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون دوم
قال ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا
یصلح عمل المفسدین سیم انما صنعوا کید ساحر
ولا یفلح الساحر حیث اتی چهارم بل نقذف
بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق
ولکم الویل مما تصفون ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم ایضا بر سه بیضه غیر پوست
کنده باید شود بنویسد اول اذا رکبا فی السفینة

خرجها دف اولم یرا الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من
الماء کل شیء حی افلا یؤمنون سبز فاستغلظ
فاستوی علی سوقه لیس اول الجوز وبعد هرگاه
کشوده شد دوم را ودر سیم البته کشوده شود
ایضا از خواص ابجد ونست که چون بمشک وزعفران
بنویسد ودر موم کرفته بوزن ببندند مرد کشوده شود
الله الله الله انواح انفاح انواح الواح الواح
الواح الواح اوفب باه باه باه باه نواه نواه
نواه نواه ایضا از نقله نقل شده که جمعی را که بسته
بودند باین دعا کشوده ومجرب است باشد تا بریک که نقش
ومرح باجوزدارد ما طهعها یا کنعهها ما النعجلها
لنعجلها ما بمعکها با البطها لعهعها بسم الله الرحمن
الرحیم نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین
یا محمد یا علی کشوده مردی وشهوة فلان بن فلان را بر

فرج

فرج فلانه بنت فلان بحق فاذا استویت انت
ومن معک علی الفلک فقل الحمد لله الذی نجانا
من القوم الظالمین وقل رب انزلنی منزلا
مبارکا وانت خیر المنزلین کشوده شهوت
فلان بن فلان را بر فرج فلانه بنت فلان بحق بسم الله
الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا وبحق بسم
الله الرحمن الرحیم اذا جاء نصر الله والفتح تا اخر
سوره بنویسد مکسلمینا تملیخا ودبرنش وشاذنوش بینونس
کفشططیونس الم المص الر المر کهیعص طه طس طسم یس
ص حم حمعسق ق ن والقلم وما یسطرون ایضا این
اشکال را در قدح بنویسد وبشوید وبخورد کشاده شود
اشکال اینست ومجرب ه مه مرمهه
مطعهم لا مله مهیله مطعهم موی یوحی
وایضا در کتاب در مکنون اورده که این ابیات
واشکال را بنویسد بر چهار تخم مرغ پوست کنده اول

ودوم را مرد بخورد وسیم وچهارم را زن بخورد اول
بمطعلملکما بامعکما لحل عقد فلان بن
فلان قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله
ان الله لا یصلح عمل المفسدین دوم مصعلکمال
بامعکما لحل عقد فلان بن فلان وقدمنا الی ما
عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا سیم والارض
فرشناها فنعم الماهدون فغلبوا هنالک وانقلبوا
صاغرین بامعکما لحل عقد فلانه بنت فلان
چهارم وترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض و
نفخ فی الصور فجمعناهم جمعا بامصطلکما لحل
عقد فلانه بنت فلان ایضا مجرب که این اشکال
بر بیضه خام نویسد و بزیر در آتش کند تا در سرخ شود
وبیضه را بر سوراخ بنهند تا ببیند که مرد بود وی
ان باید تا بود ان را و بیند کشاده که ان شاء الله
١١١١ ٢ ٩٩ ٩ ١ ٨ مح ٩٩ ١١ ١ ١٤ ١١ ٦ ٦

ایضا طریقه

ایضا طریقه دیگر بر تخم مرغ سیاه نویسد و در دیگ
خالی نهند و در زیر آن آتش روشن کنند و هرچه بجا
آن باید تا تخم مرغ کشاده شود مجرب ان شاء الله
٢٢ ١١١١ م ١١ ٢ ٣ ١١ حم ١١ ١١ ٦ ٦ ١١١ م
ولا قوة لعلیهم الا معالمحالی اللهم
ایضا دیگر دیگر بر هفت
بار چهار نان نویسد با سیم و بحروف مقطعه و باو
بخوراند وا ینعمل در ساعت سیم دو چهارشنبه باشد.
و درحین نوشتن بر دشمنان دین لعنت کند و به
تخصیص بر ملعون اعیدوک سکر فلکسو بکداو
نام ساد ایضا چهار قل را باین ترتیب نوشته بر جوز
شد و توحید بر بازوی راست و برب بازوی چپ قل اعوذ
برب الفلق بر ران راست و برب الناس بر ران چپ
کشوده شود ایضا بجز به رسیده که هیچ یکی تیر دمله
بمشک و زعفران بر کوزه نو نویسد و حل کرده بیاشامد
ایضا بر سه عدد تخم مرغ نوشته بخورد البته شفا یابد

اخشخش ایضا ماروی چند بکوب و با روغن
خود در خمیر کرده و بکن و ذکر را بمالد و بر بالای آتش
بادست و قدری مرداسنج را در زیر خود بخور کن
و این طلسم را بکمر بر بندد البته بعزیمان خدا گشاده شود
[illegible]
[illegible] ایضا در بحر المنافع
آورده که این افسون را بر قفل بخواند و بجوید
شهوت گشاده گردد اوان هنسا هنسا سرهستی
المبیان معالجه سرعت انزال بکاغذ بنویسد و در دهن
گیرد تا بیرون نیاورد انزال نشود [illegible]
[illegible]
ایضا این طلسم را بر صحیفه طلا یا نقره یا مس نقش کنند
و در دهن گیرد تا در دهن باشد انزال نشود [illegible]
ایضا حب زیبق واجبست دفع سرعت انزال مجرب
داشته اند و آن باین طریقست که پنج مثقال زیبق را

با سرکه

با سرکه تند در هاون کرده بسایند تا مضمحل شده
و مخلوط نمایند با دو ملح هندی پاره مثقال قطرت
آهنی سرکه پر کرده زیبق را در آن بجوشانند و از
واسحق مسحوق سه مثقال اندک اندک در آن ریخته
بدستهٔ هاون بسایند تا ملغم شود پس در کماجی
کرده بپوشانند و آنچه در کماجی مانده باشد باز ببندد
بپوشند تا چرک او زایل شود مجموع را یک جا ساخته در
وسطش سوراخ کرده و ریسمان بپنبه از سوراخ گذرانیده
با آب لیمو بکشد تا بر دو بیندازند تا منجمد شود پس
بروغن بادام اندازند با جفت بوی طبخ نمایند و در
وقت احتیاج در دهن نگاهدارد و ریسمان آویزان
باشد تا بلع نشود و وقتی که اراده انزال داشته باشند
از دهن بیرون آورد للزیادة المنی ابن زهره در کتاب
خواص خود ذکر نموده که اگر کسی پیاز سفید با عسل
طبخ نماید و استعمال نماید منی بیفزاید ایضا و اگر قوطم

یعنی تخم کافشه را با اشیاء حاره کسی بنا ول کند قوت
باهش بیفزاید واگر اهلیلج را حب کند او را قوت
عظیمی در جماع بهم رسد **ایضا** معجون لبوب که ابا
ترکیب بوده الذهبیه مباد شدن منی وقوت باه وقوت دماغ
و نیکو شدن رنگ رو و بجرب اجزاء آن مغز بادام
و حلقوزه و مغز جوز حب الزلم و فندق و فستق و
نارجیل و خشخاش و تودری سرخ و سفید و سنبل
و کعند و تخم جوز و تخم جوجیر و تخم پیاز و تخم شلغم
و تخم شبت و بهمنین و زنجبیل و دار فلفل و [illegible]
و دارچینی و شقاقل و خولنجان و تخم هلیون اجزای
وی با سه چندان او عسل بیامیزد و شربتی یک مثقال
یا دو مثقال بخورد **وایضا** در جمع المنافع آورده که
این عزیمت را بر کاغذی چرب نویسند و در زیر
زبان گیرد انعاظ مانده شود فاذا جاء وعد
ربی جعله دکا وکان وعد ربی حقا واظلم [illegible]

ک ط ۶ ا ر ۱۱ ۲ م ا ع ۸ ۱۱ ۹ ۱ ۲ ۸ ۱۱ ی

مح م ۹ ا ۸ ۸ ۸ ۸ ۱۱ ۹ ا ۸ ۱۱۱ ع

وایضا این اشکال را بر پوست آهو نویسد و بر پشت
بندد مجامعت بسیار کند و انزال شود بعد از [illegible]
املح ملح امح هح ملسلس طوی ماه ماه سما
سما عجسا عجسا و **وایضا** در نسخه نظر رسیده
که اگر کسی را قوت باه کم شده باشد این شکلها
را بنویسد و با بنات بخورد ۱۱۱ ۸ ۱۱ ۱۱ ح ۱ ۱ ۵ ۵ ح ۷ م
فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم بحق اهیا
شراهیا بحق کهیعص بحق حمعسق بحق لا اله الا الله محمد
رسول الله **باب پنجم** در دفع اقسام تب و در بیان چند
فصل است **فصل اول** در دفع تب از حضرت صادق
مرویست که حضرت رسول را تب گرفت جبرئیل به عیادت
آنحضرت آمد این افسون را بروی خواند در ساعت
تبش دفع شد بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک

بسم الله ارقیك من كل داء یعنیك بسم الله و
الله شافیك بسم الله خذها فلیهنئك بسم الله
الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرء باذن
الله ایضا از حضرت امام رضا مرویست که این تعویذ
تب است برای سبحان سر می‌بر اینجا مجربانی البته
حذا ایتحا سقا کرامت میکند ارسل بالله یا رب
الارباب یا سید السادات یا اله الالهة یا ملك
الملوك یا جبار السموات والارض اشفنی و
عافنی من دائی هذا فانی عبدك وابن عبدك
اتقلب فی قبضتك و ناصیتی بیدك ایضا در حدیث
دیگر فرموده که سوره حمد و معوذتین و توحید و دو
آیة الکرسی بخوان و بانگشت شهادت بر پهلوی بیمار
بنویس اللهم ارحم جلده الرقیق وعظمه الدقیق
من فورة الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت
بالله والیوم الآخر فلا تأکل اللحم ولا تشرب الدم

ولا تفور

ولا تفور من الفم ولا تنهکی العزم ولا تصدعی
عن الراس وانتقلی عن فلان بن فلان الی من
یزعم ان مع الله الها آخر لا اله الا الله تعالی
عما یشرکون علوا کبیرا ایضا بخط حضرت امام رضا
که بر سه قطعه کاغذ نویسید و تب دار روزی یک
بلع نماید اول بعد از بسمله لا تخف انك انت
الاعلی دوم بعد از بسمله نجوت من القوم
الظالمین سیم بعد از بسمله الا له الخلق
والامر تبارك الله رب العالمین ایضا در کتب
معتبره مسطور است که این تعویذ نوشته بر بازوی
راست بندد اول سوره فاتحه و بعد از آن بنویسد
بسم الله وبالله واعوذ بکلمات الله التامات
التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر ومن
شر ما خلق وذرأ ومن شر الهامة والسامة
والعامة واللامة ومن شر طوارق اللیل والنهار

ومن شر فساق العرب والعجم ومن شر فسقة الجن و
الانس ومن شر الشيطان وشركه ومن شر كل دابة
هو آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم
ربنا عليك توكلنا واليك المصير يا نار كوني
بردا وسلاما على فلان بن فلان لا تؤاخذنا ان
نسينا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما
حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة
لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولنا
فانصرنا على القوم الكافرين حسبي الله لا اله الا
هو ما اتخذوه وكيلا وتوكل على الحي الذي
لا يموت وسبح بحمده وكفى به بذنوب عباده
خبيرا بصيرا لا اله الا الله وحده لا شريك له
صدق وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب
وحده ما شاء الله لا قوة الا بالله كتب الله لاغلبن
انا ورسلي ان الله قوي عزيز ان حزب الله هم

الغالبون

الغالبون ومن يعتصم بالله فقد هدي الى صراط
مستقيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
وایضا در مکارم آورده که بر کاغذ بقلم خفی نوشته
جلنجبین سوال خوانده و به بیمار دهد و روزی ناشتا
مجموع بلع نماید بسم الله ذی العز والکبریاء والقوة
ایضا طریقه دیگر بر سه پاره قند نوشته روزی
یکی بلع نماید اول عقلت باذن الله دوم سلکت
باذن الله سیم سکنت باذن الله وایضا در بحر المنافع
از المجتبی ذکر نموده که اگر استسقا بابتدا باشد
از بلغم است و اگر در میان روز باشد از سودا بود و
اگر در وقت نماز خفتن باشد از خون باشد و
اگر بعد درست آید از باد باشد و در خلاصة التجارب
آورده که درختها رسیده بر بادام را به بیت مجموع
بشکنند بنحوی که مغزش درست باشد و هوای بیرون
نه بیند و در صباح ناشتا افتاب هنوز یکی متکلم

نسله بر روی آنها بنویسد اول بسم الله دوم بسم الله
الله سیم بسم الله الله الله و هر دو ذیب دار ناشتا
بخورد ایضا و تخم مرغ در صباح روز چهارشنبه قبل از
آنکه بکسی حرف زنند بنویسند و در میان که زن بگویند
همین سه نقطه میان تخم بچسبد و در زیر خاکستر گرم
پخته کند و بزرده از محموم بناشتا بخورد و همچنین
از اسلف چهار حشیم بدهد به نیت بیمار و در فتن
او و پوستهای آنرا در آب روان حق انداز و در بیماری
بو بار وی راست محموم شود بسم الله مجراها الرحمن
طار ما الرحیم انوما شیم بنت فلان بن فلان دارا او
ما بحق محمد رسول الله و بحق علی ولی الله ایضا محمد
بن حسن الصفار روایت کرده که بخدمت حضرت صادق
رفتم و شکایت کردم از تبی که داشتم و بحضرت عرض نمودم که تب
دارم فرمود که هر که از شماها تب کند تنها غسل کند و دو
دو رکعت نماز کند و رخسار راست بر زمین گذارد

وده ایته

وده مرتبه بگوید یا فاطمة بنت محمد صلی الله علیه
و آله اتشفع الی الله بک فیما نزل بی ایضا مجرب
فرموده است که این مربع نوشته در زیر سر تب
دار نهند او البته بو طرهسنده صحت یابد مربع اینست

بسم
و لاحول
الله
الرحمن الرحیم
العلی العظیم

ایضا در معالجه تب ربع و غب و قشعریره
و تب صرد که آنرا لرز گویند و اما تب ربع این
اید نویسد و برو بندد و در نسخه دیگر بزبان
نوشته بدهد تا بخورد و تب ربع شود یا نار کونی
بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا به کیدا
فجعلناهم الاخسرین ایضا در روایت دیگر است
از جناب امام موسی کاظم که مرسته واسطه تب دار نویسد

بسم الله جبرئیل و در دست چپ او بنویسد بسم الله
اسرافیل میکائیل و در پای راست او بنویسد بسم
الله اسرافیل و بر پای چپ او بنویسد لا یرون فیها
شمسا و لا زمهریرا و در میان کتف او بنویسد
بسم الله العزیز الجبار و نباید شک نیاورد نافع
بیند ایضا و در روایت دیگر است که شخصی خدمت
امام رضا آمد و عرض کرد که تب ربع مامن الحاجب میکند
حضرت دوات و قلم طلبید و بر کاغذی نوشت
ابجد هوز حطی عن فلان بن فلان باذن الله
تعالی و در دیوان نوشت که خاتم سلیمان هفت
مهتر پیغمبر بود و عام خود که رشته بیار که آب دهن
بان نرسیده باشند خادم حاضر کرده بی زبان دعا
موبت دبنرد دهن او در دو جانب راست چهار
گره و بر جانب چپ چهار گره و در وقت گره زدن
فاتحه و معوذتین و اخلاص و آیة الکرسی را خواند و

بآن عدد

بمریض داد و فرمود که بر بازوی راست ببندد و ان شاء الله
تبش ابد الکرسی نیز خواند و فرمود که تا این و عمر
با تو باشند مجامعت مکن ایضا بگیرد مسلیه که در وعده
با قلاب سوراخ کرده دو عدد رشته در آن نهاده
صاحب تب ربع ببندد رفع شود ایضا وجهه تب عب
بر سر برگ درخت و بهتر آنست که درخت نعت باشد
بگیرد بنام مریض و بر یکی بنویسد اهیوتا و بر دیگری
اوخوبنا و در دیگری بنویسد   و بر کها
در آب روان اندازد رفع شود ایضا طریقه
دیگر بر کف دست راست مریض این شکل بنویسد
بسال هلع فلج موت مات و بر کف دست چپ
بنویسد فلج هلع مات موت ایضا بر بیضه بنویسد
و رشته دختر نابالغ بر آن بپیچد و بیضه را در آتش
اندازد تا بیضه پخته شود و رشته نسوزد بعد از آن
آن بیضه را پوست کنده بدهد مریض بخورد و پوست

ازاد داب دوان اندازه ودشتر رابرسند جب
سنده مدوسر باقوسر اتوبه اتیوند باجوسطه
فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ
فَكَانَتْ أَبْوَابًا ایضا جمعه ست لرز بوسه بولن سید
باإجبه بوحید دهره وز بکرادرذ بودامن باحوش
بجوذکند اول فرعون ستا دنمرود هامان دوم
نمرود شداد وفرعون قارون سیم شداد فرعون
نمرود سلطان ایضا بوسه معز بادام بوحید دهر
دوزی نکی دردنت لرز بجوزه اول بسم الله
وَمَا رَمَيْتَ دوم الرَّحْمَنِ إِذْ رَمَيْتَ سیم الرحیم
وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وایضا سبه باوجه کاغذ نوشته
دوزی بکیرا سر مشتر بجوزه لرز دفع شود اول بسم الله
اربط دوم بسم الله اربط سیم بسم الله اربطنا
ایضا دسنود دیگر بوسه برک انار نوشته دوزی بکی
ددزید داس دودکند اول جمهور دوم جمهور

سیم جمعا دوت ودر نسخه دیگر دادوکه بوسه قمر
نان یا بوسه سب نوشته دوزی یکی باجوزه
اول الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ
ضَعْفًا دوم يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمْ وَخُلِقَ
الْإِنسَانُ ضَعِيفًا سیم تخفيف من ربكم ایضا
بهبین دسوتو بحبل وود اول قد فرقت دوم
قد قلت سیم فلصقت ایضا معالجه سنبه وابن
الماترا نوشته با دوی بماد بنهد بسم الله مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ
يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ وَبَيْنَهُمَا بَرْزَخًا
وَحِجْرًا مَّحْجُورًا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ وَلَقَدْ سَبَقَتْ
كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ
وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ایضا نوع دیگر ابن
تعوید دا برباذوی داست مرض بنده دفع شود
و مجرب بعد از بسمله وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ

أو قطعت به الأرض أو كلم به الموتى بل لله الأمر
جميعاً يا شافي يا كافي يا معافي وبالحق أنزلناه
وبالحق نزل باسم فلان بن فلان بسم الله وبالله
ومن الله وإلى الله ولا غالب إلا الله ايضا جهت
تب لرزه چهار قطعه چوب بید بنویسد اول جمهور
وفرعون نجعون دوم جمهور نمرود وقارون سیم
جمهور شداد سیداد چهارم جمهور اذربت تو امش
دهر روز یکی را با ابریشم واسپید در وقت غروب آفتاب
بسوزاند بگوید ... و بکوب ... و ...
فلان بن فلان ایضا دستور دیگر بر سه قطعه کاغذ
بنویسد و یکی را در آب بشوید و هر روز ناشتا یکی
بخورد شفا یابد اول بجد ازحمله هطل هطل
دوم هم شفاء من الله العزیز الحکیم سیم بحق
الطط الطط هل تخفی الطط الطط هل تخفی ایضا بر
مغز بادام بنویسد در روز پنجشنبه تا دو بخورد سه تا ذ... بیک

طرف

طرف نوشته بسم الله و بر طرف دیگر نوشته سوما
سه تا بو طرفی الرحمن و بر طرف دیگر واسوماسرنا
الرحیم و طرف دیگر وابوسوما وابنعمل هبرادنث
که بوهرداند سه مرتبه قل هو الله احد را بخواند ایضا
در امان الاسرار آورده که این طلسما ترا در روز
یکشنبه بر سه قطعه کاغذ بنویسد و یکی را در همان روز
و یکی را در روز دوشنبه و یکی را در روز سه شنبه
در شربت یا آب بشوید بخورد که آنچه نوشته در کاغذ
نماند و هر صبح ناشتا بخورد تا که رفع شود روز
چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه همچنین دستور معمول
دارد البته رفع شود و مجرب است ١١١٦ طا ١١١ ١١ ولا
ع ١١١ ٩١١ ١١١ ١١١١ ٩ ١٨ ٩١١ ١١
ایضا در عین المنافع آورده که این نقش را بنویسد
و بشوید و بخورد تب و لرزه را رفع شود و بو طریق که
آورده اند ایضا عسو سح الله تعالی عسو سح الله تعالی سح

تعویذ نماید براءة من الله و رسوله الی ام ملدم
التی تاکل اللحم و تشرب الدم و تدق العظم
و تحلل الجسم انا عبد لم ملدم اقسمت علیك با
باسماء الله و بایات الله و بکلمات الله و
بعفو الله و مغفرة الله و رحمة الله ان لا تاکل
لحما لحامل کتابی و لا تشرب له دما و لا تهشمی
له عظما و لا تخلی له جسما و انتقلی عنه الی عبدة
الاوثان و الصلبان و من یتخذ مع الله الها
آخر لا برهان له به دولی ایتها الحمی باذنی لم
یزل بحبل الزوال و لم یزل قلنا یا نار کونی بردا
و سلاما علی حامل کتابی هذا القوة لله و رحمه
سطی سطی لطی لطی ال ال ال ال حم حم حم حم حم د
اسر و اسر می حی فی فی مد مد مد حمد حم حم
سوالی سوالی و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم اذهبی ایتها الحمی و لحمرة الحاسیة المحرقة

که سه روز بابن شکل نگاه کند دفع شود ان شاء الله

٨	٤	٢
٤	٢	٨
٢	٨	٤

فصل ششم در معالجه بیداری خواب و حرارت و
عرق و سل و دق از حضرت جعفر صادق مرویست
که جهت حرارتی و دردی که بیش سر هم رسد شود
بدین صورت مربع پس بگوید بسم الله و بالله و صلی
الله علی محمد و آله و سلم بعد از آن نماز را در دهن
واداران را در دهن دیگر بنویسد پس وقتها ابو ایکی
بند حرارت ساکن شود مربع اینست و مجربست

ا ب
ح ب
ت
ال
مس
م

مسطعی

صو لله

بایضا نوع دیگر در کتاب در مکنون آورده است
بجهة دفع حرارت تب و حرمت رنگ وروی نویسند

بِحَقِّ الرَّبِّ و رَضِيَ الرَّبُّ الذي يطفى غضب الربّ
هو هو هو هو هو هو الله الشافي الكافي المعافي
من كُلِّ سقم والم قل هو الرحمن آمنا به وعليه توكلنا
فستعلمون من هو في ضلال مبين والحمد لله ربّ
العالمين **اما** معالجه عرق مدینی که این تعویذ
نوشته و ببندند می بینی کذا و سوعی که نوشته و روی
پوست ملصق شود و باید بی نقطه نوشته شود و در اثنای
نوشتن حرف نزنند و نخوانند که اثرش ظاهر شود و بعد از
بسمله سوره حمد تا آخر نوشته شود و بعد از آن نوشته شود
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم
شافِ بَدَنَ حامِلِ هذا الكتابِ بِحَقِّ اسمِ المُبارَكِ
.لس حمعسق حم حم كهيعص و ح
٣ ۴ ١ ٣ ٢٢ ۵ ١١١ ٦ ح

اما معالجه سل در حدیث مذکور است که شخصی حضرت
امام موسی کاظم از مرض سل شکایت کرد حضرت فرمود که
سنبل

سنبل و قاقله و زعفران و عاقرقرحا و بذر البنج
و خربق و دو لفوق سفید اجزا را مساوی بگیرد و فرفیون
دو برابر هر یک و یک یک را نرم کوبیده از حریر بیزند
کنند و با عسل کف گرفته معجون ساخته و عقبه بخورد
با آب گرم در سه شب بخورد البته دفع شود **باب**
چهارم ابواب در دفع درد اعضا و در آن چند فصلست
فصل اول در دفع درد سر در خواص آیات مذکور است
که بجهت درد سر از اول سوره مریم تا قوله بدعائك رب شقیا
و آخر سوره فتح محمد رسول الله والذين معه اشداء
تا آخر سوره بنویسد و بر سر ببندد درد زایل شود از
حضرت امام محمد باقر منقولست که برای درد سر بنویسد
بر اسپید عا بنویسد و بر آنجا ببندد که درد میکند
بیاویزد درد ساکن شود اللهم انت لست باله
استحدثناه ولا برب يبيد ذكرها ولا معك
شركاء يقضون معك ولا كان معك الها بدعوه

وَنَعُوذُ بِهِ وَنَتَضَرَّعُ اِلَيْهِ وَلَا اعانَكَ عَلَى خَلْقِنا
مِنْ اَحَدٍ فَنَسْئَلُكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ
لَكَ عافِ عن فلان بن فلانة وصلى الله على محمد واهل
بيته ایضا ودر حدیث از حضرت صادق مرویست که
هر که درد سر داشته باشد دست بر موضع درد بگذارد
و بگوید اسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ ما فِي اللَّيْلِ
وَالنَّهارِ وَهُوَ السَّمِيعُ العَلِيمُ ایضا از حضرت
امام علی نقی منقولست که از برای درد سر این آیه
بر قدح آب بخوانند بخورد اَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا اَنَّ
السَّمٰواتِ وَالاَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَجَعَلْنا
مِنَ الماءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ اَفَلا يُؤْمِنُونَ ایضا ودر حدیث
دیگر آمده است که برای درد سر دست بموضع درد بمالد
و هفت نوبت اَعُوذُ بِاللهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ ما فِي البَرِّ
وَالبَحْرِ وَما فِي السَّمٰواتِ وَالاَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ
العَلِيمُ ایضا ودر حدیث دیگر مرویست که برای درد سر

دست بر سر

بر سر بگذارد و بگوید لَوْ كانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَما يَقُولُونَ
اِذاً لَابْتَغَوْا اِلىٰ ذِي العَرْشِ سَبِيلاً وَاِذا قِيلَ لَهُمْ
تَعالَوْا اِلىٰ ما اَنْزَلَ اللهُ وَاِلَى الرَّسُولِ رَاَيْتَ الَّذِينَ
يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُوداً ایضا واز حضرت رسول
منقولست که بجهت درد سر روغن کنجد را در بینی
بچکانند نفع دارد و مرویست که شخصی بحضرت صادق
شکوه کرد از درد سر فرمود بحمام برو و پیش از آنکه
داخل آب شوی هفت جام آب گرم بر سر بریز و در هر مرتبه
بسم الله بگو و مرویست که شخصی بحضرت امام رضا از درد
سر شکایت کرد فرمود که نزدیک بشو بمن دست
بر سر او مالید و این آیه اِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰواتِ وَالاَرْضَ
اَنْ تَزُولا تا غَفُوراً خواند از سوره فاطر و حال صحت
یافت ایضا مرویست که شخصی بحضرت شکایت کرد
از درد سر فرمود که دست بر موضع درد بگذارد
و آیة الکرسی و فاتحة الکتاب بخواند و بگوید الله اکبر الله اکبر

لا اله الا انت الله اکبر اجل و اکبر مما اخاف
و احذر و اعوذ بالله من حر النهار و اعوذ
بالله من حر النار و اگر برای دیگری بخواند بگوید
مما تخاف و تحذر و اعیذک ایضا در ساعت
آخر روز جمعه ماه مبارک رمضان در یک سطر طولانی
بنویسد و با خود نگاه دارد و بعد از بسمله لا اله
الا الله الا ءالک بالله محیط به علمک کسعل
هحون و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک
الا رحمة للعالمین توجهت حیث شئت فانک
منصور یا تراب ابا تراب ابا تراب ایضا مرویست
که شخصی بحضرت صادق از دردی که داشت شکوه
کرد حضرت فرمود که دست بر آن بگذار و بگو بسم
الله ادعا خوان بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم
اللهم انی استجیرک بما استجار به محمد صلی الله علیه

و آله

و آله ایضا در حدیث دیگر از حضرت امام رضا
مرویست که حضرت محمد باقر فرمود که شیعیان ما را
تعلیم دهید که بجهت درد سر این کلمات را بخوانند
که اسم اعظم در او هست البته شفا می یابد یا
طاهی یا ذر یا طمنیه یا طمات ایضا در زبدة
الدعوات مسطور است که بجهت درد سر مجربست
که نه دت بدین ده وش و این شکل ده سطر ص که
هر سطری نه ص باشد و بعد از سطر دهم بنویسد
ص والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة
و شقاق و در میان این ده سطر ایه و کشفنا
ما به من ضر را باید نوشت بشرط آنکه کافهای
کشفنا مسطوح نوشته شود بر اطراف او بعد از آن
ایه و لا تعلقوا ادوسکم ما بشدید العقاب باید
نوشت و در ثبت مربع نام موجع و نام مادر او را
نیز بنویسد و بر موضع بندد بفرمان خدا اسقاط درد سر بالکل

دفعنده شفا نابدر وابن مجربدر ونشكل ابنيت
سم جزء ايم قرب بر مصحف سوره نجوه

ت ت ت

ولا تحلقوا رؤسكم حتى يبلغ الهدى محله فمن كان منكم مريضا او به اذى من رأسه ففدية من صيام او صدقة او نسك

فكشفنا ما به من ضر
فكشفنا ما به من ضر
فكشفنا ما به من ضر
فكشفنا ما به من ضر
فكشفنا ما به من ضر
فكشفنا ما به من ضر
فكشفنا ما به من ضر
فكشفنا ما به من ضر
فكشفنا ما به من ضر
فكشفنا ما به من ضر

ت ت ت

ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ده سطرا ين نوع
ص والقرآن ذى الذكر بل الذين كفروا فى عزة و
شقاق **ايضا** دوكتاب بحر الامان اذكتاب شفاء

الصدور

الصدور والابدان فى منافع القرآن دن علاج
صداع وتسكين حربان اوروه كه ايد الم تر كيف
الى ربك مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا
ثم جعلنا الشمس عليه دليلا وايه وله ما سكن
فى الليل والنهار وهو السميع العليم وكلمه لا
حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم وهم كتابده
كندوور ذيل ان بنو سبد يا ايها الملك صرفنا ايل
ما صرفنا ايل بمشية الله على الغرابين والتقيق
والحمرة اج ح ح ط ك ل م اع س ص ى اسكنو
لهم من ذكوت عليه هذه الاسماء الله الشافى الكافى
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم ولا حول ولا
قوة الا بالله العلى العظيم **ايضا** انجملبخواص
الحروفدنست اينكه صاحب صداع بو سراوين صداع
اورغ سؤود دل دل دل ص دق ف ك ف ل م و
ايضا مجرب صداع الحروفده نوشتر براو سبند دلاع

لا ك اا ل ك اح اح ایضا در بحر المنافع آورده
که جهت درد سر کلمه ساسانا ها را بنویسد و کاردی
دارد و در دندانهای پس فرو برد اگر درد قطع شد
فبها و الا در دندانهای پیش فرو برد و اگر ساکن شد
در چشمهای او فرو کند دفع شود ایضا آورده که این
اشکال را به پیشانی نوشته درد ساکن شود انشاء الله
و مجربست مالولا لولا مالولا لولا مالولا لولا ایضا
سوره فاتحة الکتاب را بحروف مقطعه نوشته با خود
دارد درد دفع شود ایضا آورده اند که این اشکال را
بزمین نقش کند اهه اهه ه و اول کارد را در چشم
های اول فرو برند و باید کارد را مستان تا البته منغمر کرده
باشند و صاحب درد سر را بپرسد که درد سر رفته
یا نه اگر رفته باشد بر چشم های دوم فرو برند و بپرسد
اگر دفع شده بر چشم های سیم فرو برند و همین دستور
اگر نرفته باشد در چهارم فرو برند و اگر بر نشود در پنجم
فرو برند

فرو برند عیناً درد بکلی دفع شود و صحت حاصل شود
فصل دوم در دفع درد شقیقه و منسوب از حضرت
امام محمد باقر روایت شده که این آیه را بر کاغذی
نوشته و بآن طرف که درد میکند ببندد دفع شود
وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ
لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ایضا
مرویست که حبیب سجستانی شکایت کرد بحضرت امام
محمد باقر که هفته و مرتبه درد شقیقه بمن عارض
میشود فرمود که یکدست بر آن جانبی که درد
میکند و سه مرتبه بگو یا ظاهراً موجوداً یا باطناً
غیر مفقود رُدّ علی عبدک الضعیف ایادیک
الجمیلة عنده واذهب عنه ما به من اذی انک
رحیم ایضا بعد از بسمله بشرط آنکه شقیقه و
بانگشت ابهام و سبابه محکم گرفته باشد بخواند فمن
کان منکم مریضا او به اذی من رأسه ففدیة

من صيام او صدقة او نسك يد الله فوق ايديهم
فمن نكث فانما ينكث على نفسه ومن اوفى
بما عاهد عليه الله فسيؤتيه اجرا عظيما اسكن
سكنتك يا وجع الشقيقة بالذي سكن له في الليل
والنهار وهو السميع العليم ايضا در كتاب
مكارم اورده كه حضرت جعفر صادق فرمود كه بجهت
درد شقيقه اين ايات قرانى را بر او بخوانند ولو ان
قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم
به الموتى بل لله الامر جميعا تكاد السموات يتفطرن
منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا وجعلنا من بين
ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
يا ارض ابلعي ماءك ويا سماء اقلعي وغيض الماء و
قضي الامر واستوت على الجودي وقيل بعدا للقوم
الظالمين ايضا بسند مذكور وبعد از بسمله بجهت
... شقيقه را با انگشت ابهام و سبابه محكم گرفته باشد

بخواند

بخواند ايه فمن كان منكم مريضا كه در صفحه سطر فصل
از اين ذكر شد تا السميع العليم ايضا بعد از بسمله ربنا
لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من
لدنك رحمة انك انت الوهاب واگر از نخند
بگيرد بگجود و نيم از نخود سفيد و بوم كند و صبر بر
موضع درد بنهد و اين بخواند و بخود البته شفا يابد ايضا
عما و بعد از حضرت جعفر صادق از درد شقيقه شكايت
كرد حضرت فرمود كه چون از نماز فريضه فارغ شوى
انگشت سبابه را در ميان هر دو چشم خود بگذار
و هفت مرتبه بگو يا حنان اشفنى و انگشت بر ابروى
راست بمال و بعد از ان همان انگشت را بر ميان
موضع بگذار و هفت مرتبه بگو يا منان اشفنى و انگشت را
بر ابروى چپ بمال و بعد از ان كف دست راست را
بر ميان سر بگذار و بگو يا من سكن له في الليل
والنهار وما في السموات والارض صل على محمد واله

واسکن ما بی ایضا درد خواص الایات آورده که بعد از
بسمله بنویسد الم تر کیف مد الظل ولو شاء لجعله
ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا ثم قبضناه الینا
قبضا یسیرا و بر شقیقه بندد ایضا در یکادم آورده
که بجهة درد شقیقه بنویسد واگر مرد باشد بر سر بندد
واگر زن باشد میان گیسو بگذارد بعد از بسمله
بسم الله من الارض الی السماء کان هبط جبرئیل
فاستقبله الجذع فقال این ترید قال اذهب
الی الناس تاکل لحم عینیه واشرب من دمه فقال
بانغد النبی لا اله الا هو لا تذهب الی الانسان
ولا تاکل لحم عینیه ولا تشرب من دمه انا الاخ
والله الشافی ایضا افسون بجهة درد سر و شقیقه
دست بر آن بگذارد و بگوید یا مصغر الکبراء و یا
مکبر الصغراء و یا مذهب الرجس عن محمد وآل
محمد ومطهرهم تطهیرا صل علی محمد وآل محمد واشف

ما بی من

ما بی من صداع ووجع شقیقة بحقک یا ارحم
الراحمین ایضا طریقه دیگر در کتاب مکنونه
آورده که این اشکال را بجهة درد شقیقه نوشته
بر آن بندد درد ساکن شود س س س ع ع ع
ع ع ع هو هو هو د د د الم تر کیف مد
الظل ولو شاء لجعله ساکنا اسکن ایها
الصداع والصداع کما سکن عرش الرحمن ایضا [illegible]
دود کرم [illegible] الحبا [illegible] مغز چند را باد و عن [illegible]
در سوراخ بینی طرف شقیقه که درد میکند مجرب والله
ایضا و نزاع الصدغین بجهة درد سرها [illegible]
که نقل درد هم باشد [illegible] صلعین بندد [illegible]
و [illegible] کما هو هر یک یکمثقال [illegible] و مثقال [illegible]
سه مثقال افیون یکمثقال [illegible] با لعاب [illegible]
[illegible] واسا [illegible] العالم [illegible] کل [illegible]
در درد سر [illegible] از خواص [illegible]

نافع دانسته اند که هر که را صداع باشد از تعلیق
نماید و همچنین انگور را جوشانند با کلاه و پارچه
بوان تو کرده بر سر کشان نماید جهت درد سری که از
صفرا و خون و بخار طعام باشد نافعست و همچنین
پاشیدن سرکه بر سنگ گرم و نهیده سر و بینی را به بخار
آن داشتن نافعست و سبوس سنگ را گرم کرده
در بهره که انداختن بخار را از جهت درد سر می بند
نزلات و سرفه نافعست و اگر جواب ندیده را
چند بار چیده در آتش سرخ کرده در شراب انداخته سر را
به بخار آن بدارند و اگر بسیار غلیظ باشد شراب آب
انگور کنند و به سبوس آب ممزوج ببرکه نیز نفع دارد

فصل سیم در دفع درد گوش و گرانی و ریح آن از
ابن عباس منقولست که کسی را گوش گرانی کند بخواند
آیه فمن یستمع الان یجد له شهابا رصدا را مداومت
نماید و بعد از آن بخواند کان لم یسمعها کان فی

اذنیه

اذنیه وقرا شفا یابد **ایضا** و از حضرت محمد باقر
مرویست که برای درد گوش دست بر گوش بمالد و
هفت مرتبه این دعا بخواند شفا یابد مجربست اعوذ
بالله الذی سکن له ما فی البر و البحر و ما فی السموات
و ما فی الارض و هو السمیع العلیم **ایضا** مرویست
که شخصی بخدمت محمد باقر در سنگینی گوش شکایت کرد
فرمود که دست بگوش بکش و آیه لو انزلنا را تا
آخر سوره حشر بخوان و در روایت دیگر وارد شده که
جهت درد گوش روغن یاسمن یا روغن بنفشه هفت
مرتبه بخوانند و آن روغن در گوش چکانند نافعست
کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا ان السمع و
البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا **ایضا**
جهت ریم و خون گوش مرویست که شخصی بحضرت
صادق شکوه کرد از درد گوش و گفت که چرک و خون
از گوش من زیاد میرود فرمود که پنبه کهنه بگیر و بیا

بکوب و با شیر دن ممزوج کرده و بر وی اتش کرم کن
و چند قطره در گوش که درد میکند بچکان **ایضا**
از حضرت رسول مرویست که سداب از برای درد گوش
بیار و نافعست **ایضا** جهت درد گوش بنویسد و سه نوبت
و آن بخوان بدوح ٤ بدوح ٤ بدوح ٤ اِنّا خَلَقْناکُم وَفیها نُعیدُکُم
وَمِنها نُخرِجُکُم تارَةً اُخری **ایضا** در بحر المنافع اورده
که جهت درد گوش بنویسد و تعلیق نماید و بخواند
و بدمد وَاِذا قُرِئَ القُرآنُ فَاستَمِعوا لَهُ وَاَنصِتوا
لَعَلَّکُم تُرحَمونَ کَاَن لَم یَسمَعها کَاَنَّ فی اُذُنَیهِ وَقرًا
فَبَشِّرهُ بِعَذابٍ اَلیمٍ **ایضا** بلاسبو مذکور بعمل
آورده نافعست وَمَن یَدعُ مَعَ اللهِ اِلهًا آخَرَ لا بُرهانَ
لَهُ بِهِ فَاِنَّما حِسابُهُ عِندَ رَبِّهِ اِنَّهُ لا یُفلِحُ الکافِرونَ
ایضا جهت خارش درون گوش در بحر المنافع اورده
که مراین بخوان و بدمد یس وَالقُرآنِ الحَکیمِ
یَسمَعها کَاَنَّ فی اُذُنَیهِ وَقرًا فَبَشِّرهُ بِعَذابٍ اَلیمٍ

در بحر المنافع اورده جهت کری گوش این آیات را
سه روز هر روز هفت بار بر آب بخواند و بخورد
و بنویسد و با خود دارد رفع شود البته ذلِکَ الَّذی یُبَشِّرُ اللهُ
عِبادَهُ الَّذینَ آمَنوا وَعَمِلوا الصّالِحاتِ قُل لا اَسئَلُکُم
عَلَیهِ اَجرًا اِلَّا المَوَدَّةَ فِی القُربی وَمَن یَقتَرِف
حَسَنَةً نَزِد لَهُ فیها حُسنًا اِنَّ اللهَ غَفورٌ شَکورٌ وَلَئِن
سَاَلتَهُم مَن خَلَقَهُم لَیَقولُنَّ اللهُ فَاَنّی یُؤفَکونَ
ایضا معالجه فن جرئی در گوش مرویست که شخصی
سنکی بود است که گوش خود را با نخار در گوش
او دستش و محکم کرده و هر چند جهد کرد که بیرون
آورد نتوانست بخدمت محمد باقر رسید و از درد شکایت کرد
آنحضرت بجعفر صادق فرمود که او را بیرون برو و بنشین
نظر کن حضرت چنان کرد فرمود که جرئی چه میشود
حضرت بانشخص فرمود که نزدیک بیا آمد حضرت فرمود
که سه نوبت بگو اَللّهُمَّ اَخرِجها کَما اَدخَلتَها بِلا مَؤنَةٍ

ولا مشقّة. فهمان انگشت که داخل کرده بیرون آورد
آن شخص چنین کرد بیرون آورد ایضا اگر کسی را چیزی
در گوش رفته باشد این چهار اسم را بر گوش بخواند
بیرون آید یا علیّ یا عظیم یا حلیم یا علیم ایضا
وجهت کشتن حیوان که در گوش رفته باشد اطبا
گفته اند که قطره آب پودنه با آب برگ شفتالو حل
نموده نیم گرم بچکانند حیوان کشته شود بتجربه رسیده
که اگر هزارپای در گوش شخصی رفته باشد روغن
کنجد در آن بچکانند بمیرد یا بیرون آید ایضا گفته اند
که مطبوخ خرخرا در پوست انار کرده با روغن گل سرخ
بچکانند نیم گرم دافع درد گوش و کری قدیمست
ایضا بجهة اماس بناگوش بنوشید و بر جایی که اماس
کرده باشد بر بندد نیکو شود بعد از سنبل لکه
کرکر سوات بلاد مخالطت روس سامان مجرف
علیك وصیم بحق اسعس هطا ایضا سه روز تا بجا

ننیه

نوشید صحت یابد علیقا ملیقا انت تعلم علی حکمتی
ملیقا بوجهتك یا ارحم الراحمین صحیحا در دفع
درد چشم و علاج آن در خواص الاجابات آورده که هر صباح
سه نوبت بر چشم بخوانند درد چشم زایل شود بعد از تکمله
دخل الرمد ببلادتی و یخرج ببلادتی و انکفت الذی تعرف
واغلبك الحمرة یا لعنی لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم و آیه الله نور السموات والارض
مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة
الزجاجة نور علی نور ایضا از حضرت امیر
منقولست که هرکه چشم کسی درد کند باشد باعتقاد
درست آیة الکرسی بخواند البته شفا یابد ایضا در درد است
دیگر منقولست که حضرت رسول را در چشم ابتدا
میفرمودند که بخوانند اللهم متعنی بسمعی و بصری
واجعلهما الوارثین منی وانصرنی علی من ظلمنی
وارنی منه ثاری ایضا در روایت دیگر آمده که

شخصی خدمت جعفر صادق آمد و دید که چشم آنحضرت
درد دارد روز دیگر آمد اثری از درد ندید سبب آ
ان پرسید حضرت فرمود که این دعا تعویذ نمودم
درد دفع شد و مجربست اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ اَعُوذُ
بِقُدْرَةِ اللهِ اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللهِ اَعُوذُ بِجَلالِ اللهِ
اَعُوذُ بِجَمالِ اللهِ اَعُوذُ بِکَرَمِ اللهِ اَعُوذُ بِبَهاءِ اللهِ
اَعُوذُ بِغُفْرانِ اللهِ اَعُوذُ بِحِلْمِ اللهِ اَعُوذُ بِذِکْرِ اللهِ
اَعُوذُ بِرَسُولِ اللهِ عَلی ما اَخافُ وَاَحْذَرُ عَلی
عَیْنی وَ اَجِدُ مِنْ وَجَعِ عَیْنی اَللّٰهُمَّ رَبَّ الطَّیِّبینَ
اَذْهِبْ عَنّی بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ فَکَشَفْنا عَنْکَ غِطاءَکَ
فَبَصَرُکَ الْیَوْمَ حَدیدٌ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِی النُّجُومِ فَقالَ
اِنّی سَقیمٌ وَصَوَّرَکُمْ فَاَحْسَنَ صُوَرَکُمْ وَرَزَقَکُمْ مِنَ
الطَّیِّباتِ تَبارَکَ اللهُ رَبُّ الْعالَمینَ یا عَلِیُّ
یا عَظیمُ یا جَلیلُ یا جَمیلُ یا فَرْدُ یا وِتْرُ اَسْئَلُکَ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ لا تَدَعَنی فی غَمّی عَوْرا

وانت

وَاَنْتَ خَیْرُ الْوارِثینَ ایضا از حضرت رسول است
که دنبلان از گیاه هشبتست وابن برای درد چشم
نافعست ایضا نوع دیگر جهة درد چشم بگوید اُعیذُ
نُورَ بَصَری بِنُورِ اللهِ الَّذی لا یُطْفیٰ و چشم را بدست
مسح کند و آیة الکرسی بخواند و در خواطر گذراند
که البته شفا یابد ایضا جهة درد چشم برداشتن
فوت کند و بچشم گذارد و بگوید عَیْنُ الشَّمْسِ فی لُجَّةِ
الْبَحْرِ یا نارُ کُونی بَرْداً وَسَلاماً ایضا درد وقت
نماز شام بدیدن ستاره لعاب دهن خود را بانگشت
بگیرد و این آیه را بر و خوانده بر بالای چشم فرود آورد
چند مرتبه چنین کند صحت حاصل شود قُلْ اَرَاَیْتُمْ اِنْ
اَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَاْتیکُمْ بِماءٍ مَعینٍ ایضا
نوع دیگر باب باران که نیسان باشد آیات قرآنی
تسبیح کرده گو شد بر او خوانده باشد بیاشامد و قطره
در چشم چکاند و چشم بان آب بشوید درد دفع شود و از

واز خواص حروف مقطعات قرآن که در اوایل سورها
می باشد چنین تجربه نموده اند که هر که در روز شنبه
اول که ابتدا از نوروز باشد بنویسد و بشوید و بخورد
در آن سال از درد چشم ایمن باشد الم المص الر المر
کهیعص طه طسم طس یس ص حم حمعسق ق ن ایضا
طریقه دیگر در صحیح اسلاه که هفت بار بخوانند و بر چشم
دمند درد اول شود مَتى ما مُقلتي رمدت فكحلي
ترابٌ من نعل ابي ترابِ هو البكاء في المحراب
ليلة هو الضحاك في يوم الحراب ایضا بنویسد
و با خود دارد و در صبح و شام بخوانند و بعد از بسمله
ایضا قل هو الله احدٌ انّ في عيني رمدٌ احمراراً
في بياضٍ حبّي الله الصمد يا بديعاً في السماءِ
باعتزالك عن ولدٍ ليس فيه شريكٌ ولم يكن له كفواً
احدٌ و در وقتی که با خود نگاه میدارد این اشکال
و اینها نیز بنویسد ط لح ه ح ح ح ه ی ی ی ٩٩ ه

الله

اللهُ نورُ السمواتِ والارضِ تا نور یسکن
الضاربُ وتهدأ الرمدُ ويزول الوجع والالم
بعون الله ورحمته انه على كل شيءٍ قدير ایضا
در زبدة الدعوات آورده که این نور و اسماء ابجاد
به ترتیب حروف مثل سطرها بنویسد در جامی و میل در چشم
کشد شفا یابد و بعد از آن این کلمات با حروف
بنویسد و با خود دارد و بسیار مجرب است اسکنی ایتها
العروق الضاربة حتى تنام العين الساهرة
في الدنيا والآخرة بحق هذه الاسماء العظيم
و این طلسم هم بنویسد ه ١١٨٦٢ ١١٦ ٦ ه الم
ن ح ع ل ل ه ع ی ه ی ن و ل س ان امش ف
ت ی ن ایضا خواندن سوره همزه بر درد چشم نافع
تسکین درد باشد ایضا و الطباعیه تسکین درد چشم
آن اند که کوشش را که خالی از گوشت باشد قطعه
دقیق مانند ورق کنند و در کف دست نگاه دارند

که کرم شود و بعد به پیشانی و چشم بمالد درد ساکن
کرده و همچنین کشیدن خون کرم کبوتر بچه بیمل کرده
در چشمی که از درد بطاقت نباشد بسیار نفع دارد
و جالینوس گفته که تعلیق مگس زنده و کسی که درد چشم
داشته باشد باعث تسکین درد شود ایضا معالجه ضعف
ناصره و شب کوری و دمعه و بیاض و جرب و سبل و
ظفره و دیگر مرض را بول و غیره از علل چشم مروی است
که شخصی بحضرت موسی کاظم از ضعف ناصره شکایت کرد
و گفت عبد بهتر رسیده که شب کور شده ام حضرت فرمودند
که اید بوز مکور در حمامی بشویی و ماب محوکن و انوا
در سپتنه کن و از میل بچشم بکش دارو گفت بکشتر از
چهار میل کشیدم که بینائی بمن باز گشت ایضا از حضرت
صادق ع مرویست که سوال کرده اب دهن چشم
زایل میکند و چشم را جلا میدهد و همچنین شخصی با آن
حضرت از آزار چشم شکوه کرد فرمود که چند وارو کلاو

مع اجزا را مساوی بگیرد و دارو را بسازد و در حلقه
دیگر فرمود که ابتدا او جهت ضعف چشم و جلالت
نفع دارد ایضا در حدیث دیگر فرمود که سفیدی بودی
ناصره هم رسد کشیدن دهن زن تا هفت و اگر کم را
سفیدی در ناصره هم رسد بلند را با جوز داد و سفیدی چشم
زایل شود و بتجربه رسیده که چون اول کسی که بیاض
ناصره را دید و جز داده انگشت کوچک او را بسته
اند که بیند و از چون انگشت او قطره در چشم بچکانند
بیاض رفع شود ایضا در خبر آمده که هر که هر روز آیه
فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا را بخواند از آزار چشم سلامت باشد
و همچنین اگر هر روز ده مرتبه آیه فَكَشَفْنَا عَنْكَ
غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ با آیه وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا
عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ را بخواند
از آزار چشم سالم ماند ایضا در بحر الکنانع ذکر نموده
که اگر کسی را چشم درد کند این افسون بر خاک بخواند

دبوسیت چشم بکوداند دفع سود بو چوغونی بو قاب بو فیا
بوفاد قا بلفا منبن عدگلا **ایضا** الحبا مجرب داشته اند
که حکو بوسیاه داچین سحق کرده دهره اورا با اد مخلوط
کرده وفلفل و زنجبیل بوان ناسیده کباب نماید و
خوناب ترنج کبا برادر چشم کذشت کوددی از ایل کند
ایضا الکحال الحونابه ورطوبتی که در چین کباب کردن
دل از ان می چکد حبه شب کوری مجرب است وهمچنین
الکحال الحی العالم را جهت دمل مفید داشته اند وطلا
کردن آبی که بیخ خنثی را کوبیده ودر لته بسته دراب
کذاشته در زیر آسمان چندان کذارد که آب منجمد کرده
جهة دفع بهیج ملل چشم موثق داشته اند والکحال الحر
سرخشاش با آب بیاض جهت دفع نزول آب وبا کحل
جهت بیاض وهمچنین سرکین اورا دافع بیاض
داشته اند **ایضا** الکحال المحرق بوسوك مقوی باصرات
ودماغ اورا با سرکین او باخا کستر او بالعسل جهت ابتدا
نزول آب

نزول آب وبیاض وجرب وسبل وظفره نافع داشته اند
ایضا منترجهت داهای چشم از بابت جوشش و
ناخنه وغیره سه بامداد ناشتا هر روزی هفت مرتبه
بران بخواند شفا یابد بعد از بسمله بمنه وکرمه
وَإِذَا هِيَ زَوَاهِيَة فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَكَشَفْنَا
عَنكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ وَنُنَزِّلُ مِنَ
الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ **ایضا**
درعجر المنافع جهت دخش موسرة چشم اورده که بخواند
وتعلیق نماید بعد از بسمله ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ
النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدُوا
فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِندَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ **ایضا** جهت دخش موعامو و
مستور نوشته اورده مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن
تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ
فِيهِ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ **فصل بیحم** در دفع

درد دهان و علتهای آن از جوشش و قلاع و درد
کام و گلو و گردن و غیره مرویست که شخصی بحضرت
صادق ع شکوه از درد دهان فرمود که دست
بدهان بگذار و بگو بعد از بسمله بسم الله الذی
لا یضر مع اسمه سم و لا داء اعوذ بکلمات الله
التی لا یضر معها شیء قدوسا قدوسا قدوسا
باسمک یا رب الطاهر المقدس المبارک الذی من
سألک به اعطیته و من دعاک به اجبته أسألک
یا الله یا الله یا الله ان تصلی علی محمد و آل محمد
النبی و اهل بیته و ان تعافینی مما اجده فی
فمی و فی رأسی و فی سمعی و فی بصری و فی بطنی
و فی ظهری و فی یدی و فی رجلی و فی جمیع جوارحی
کلها **ایضا** در مجرب المنافع جهت درد دهان از اول
سوره طه تا علی العرش استوی را اندکو ساخته
که تعویذ و تعلیق نماید جهت درد دو را این دارو

بخواند

بخواند و بنویسد و آب محو کند و روی خود را با آن
بشوید یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک
راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی
جنتی یوم تبیض وجوه و تسود وجوه و اما الذین
ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون
ایضا معالجه اماس لب که از ورم بدن و غیر آن بهم رسد
بو دعی بخواند و بر آن موضع مالد مجرب بعد از بسمله
قل الله شهید بینی و بینکم انه کان بعباده خبیرا
بصیرا فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم حسبی الله
و نعم الوکیل و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
ایضا مبتلا کننده اند که لب ترمیه را لعاب دانه
و کتیرا و تنکو طلا کنند و کهی که از حنا رد در حین بیند
بهم رسد در بن موی مفید است و روغن بنفشه و سپید
شط کرم کنند و شاخ گاو کوهی را سوخته با بیاض بیضه
و طلا کنند و پوست [illegible] کی که بوسیله مرغ کشیده است

بیان بهند نفع دهد و هم چنین ستبه بپنبه چرب
که در میان بنی وره بك اسوه میبامند بر ان حسیبامند
مجربست ایضا علاج درد کام در بحر المنافع آورده
که این آیات را بنویسد و بشوید و بآب مضمضه نماید
قال من یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها الذی
انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم الذی
جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه
توقدون اولیس الذی خلق السموات والارض
بقادر علی ان یخلق مثلهم بلی وهو الخلاق
العلیم وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو
السمیع العلیم لکل نبا مستقر وسوف تعلمون
رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انك
انت السمیع العلیم ایضا و المبالغ عزم کردن و طبع بر او
او ونیخ اوجبست ودم لبها ووضع نوفل دماغی و ودم
لوزتین و یعقوب بن دندان نا صعدا شد اند و لکن

که جوزن

که جوز دن انجیر بجبست درد دهن و مضمضه جلنار را
دیرکه جهت استحکام اسنان و قلاع نافعست و درود
نوت سیاه خشك جهت جوشش دهن و سقون زاج
اردن سفاف که نوشادر هندیست با مو و فلفل جهت
درد دندان و حرکت ان تقویت است ایضا جهت
قلاع طلعجی بوی مادران و برگ زیتون و مامیران
در پوست انار و بعضی را با السویه جوشانیده
مضمضه نموده نفع بسیار دهد و دروز ببر اعتاب
نیز مفیداست اما معالجه درد کردن و کلو در بحر
المنافع جهت دفع درد کردن آورده که از اول سوره
بنی اسرائیل تا ابد ما ایسا الرحمن علم القران بنویسد
و بلجوز داره حبه جهت درد کلو و نای کرمتی بنویسد و با
خوذ نگاه دارد و اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ
تنظرون هو الشافی ایضا دفع دیکو امتلا اوه بد
وده سرب کرد و بوستد که دهش تا بالغ و مشتر باشد

وتا سبیده تابند دکردن مبند اماس کلو ودرد امرا
نفع داود ومجرب وازموده است انشا الله تعالی

۱۱ سی ک ۹ ۹۱	ح	۶ ۸ بد ۸ ۶	

ایضا جهت ورم کلو وملاده بوهن عروب افتاب
کاسه بر اب کند ودر بیش خود نکاهدارد وهفت مرتبه
اسپرغا دا بخواند وهر مرتبه کارد برا بان اب نیز کند
دبران موضع بمالد دعکو وه بعد از بسمله اذهب
بادنج من الخز بعزة الله تعالی فانی اعوذ بالله
من کلدانج داخل وخارج من اللحم بحق سلیمان بن
داود ایضا بنویسد وبر کردن بندد جهت تا بدعاش
حبش مس کلس الحصوهما الحصوهما
وصلی الله علی محمد واله ایضا از جهت درد کردن
این ایات بنویسد وبا خود بندد افعیینا بالخلق الاول
بل هم فی لبس من خلق جدید ولقد خلقنا الانسان
ونعلم ما توسوس به نفسه ونحن اقرب الیه من

جبل

حبل الورید ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم ایضا وبتجربه رسیده که جهت ورم کلو طلای
ادعب الثعلب بالجلنجبین وطلای کل ارمنی وضماد
جزهای بارد مانند بزرحی العلم ومانند عرعر
یا عنب الثعلب جهت ورم کلو اود ودان نعناب
نافعت اما معالجه زلو بکلو چسپیدن این ایات
بر اب بابان بخوانند وبخورند باذن خدا بیرون
اید فخا فخا فضا فضا یا ذا الجلال والاکرام
ای زلو از کلوی فلان بن فلان بیرون ای بافرو
شو بحق النبی ایضا الما عجب دانسته اند بجهت اخراج
زلو که در حلق چسپیده باشد بلع طحلب که جامه
وزغ است واز عقب ان اب کرم اشامیدن باجنب
اخراج ان میکرده فصل ششم در دفع درد دندان
دست بر موضع سجود وبر موضعی که درد میکند بمالد
وبکوید بسم الله الشافی الله ولا حول ولا قوة الا بالله

انحضرت امیرالمومنین مروی است که کفته دردو دندان ...

العلی العظیم ایضا شخصی بحضرت صادق از درد دندان
شکایت کرد که از بسیاری درد شب بیدار میباشم فرمود
که دست بر موضع درد گذار و سوره حمد و توحید بخوان
و بعد از آن این آیه را بخوان وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا
جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ
كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ایضا و در حدیث دیگر
مروی است که بجهة درد دندان سوره حمد و توحید و
معوذتین را بخوانند و بعد از آن بعد از بسمله بگوید
وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
وَقُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ تا آخر
وَنُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَ
سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ
شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ اكْفِ عَبْدَكَ وَابْنَ أَمَتِكَ
مِنْ شَرِّ مَا يَخَافُ وَيَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ وَجَعِ الَّتِي
يَشْكُوهُ إِلَيْكَ وایضا از حضرت امیر المؤمنین ع

مروی است

مروی است که جهة درد دندان بنویسید و با خود نگاه
دارد أَوَلَمْ يَرَ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ
فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا تا آخر
سوره یس وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ
هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ایضا در سوره دیگر از حضرت
موسی کاظم مروی است که برای درد دندان سعد را
توان بگذارد ایضا نوع دیگر بر پوست سبزی توحید
الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم
مِّنْهُ تُوقِدُونَ و آنرا بر دندانی که درد میکند
گذارد و چند قدم راه رود و آن برگ را که فرو
عقب سر اندازد و جیبی نکرد و البته درد رفع شود
ایضا مفضل بن عمر گفت بعد از خدمت حضرت صادق
درد دندان داشتم و شکایت کردم از آن درد حضرت
فرمود که توفیل نمی بیاجوئی توفیک دی و فتی حضرت
انگشت سبابه بر آن دندان گذاشت و چیزی خواند

بخوردا دو دساکن شد عرض کردم فدای تو شوم این
افسون بمن تعلیم فرما حضرت فرمود که جناب فاطمه را
از درد دندان زحمت بود بپدر بزرگوارش شکایت نمود
حضرت انگشت سبابه بر دندان او نهاد و فرمود بعد از
بسمله اسئلك بعزتك وجلالك وقدرتك على
كل شيء ان مريم لم تلد غير عيسى روحك وكلمتك
ان تكشف ما تلقى فاطمة بنت خديجة من الضرس
ایضا دستور دیگر ابن عباس از حضرت رسول روایت
کرده که هر کرا درد دندان کند او انگشت خود را بر آن نهاده
هفت مرتبه بگوید هو الذی جعل لکم السمع والابصار
والافئدة قلیلا ما تشکرون ایضا نوع دیگر این
افسونیست که حضرت امام جعفر صادق روایت کرده که
نوشته باز از برگهای درختی بنویسد بسم الله الملك
اعظم من الله وانت له الخليفة باهيا شراهيا
اخرج ايها الداء وانزل الشفا وصلى الله على محمد

اله

واله وسلم تسليما و بر پشت برگ بنویسد و بجرعه
آب و بر پشته که دختر نابالغ رشته باشند هفت گره
داده و بهر گرهی اسم یک پیغمبر بود آدم
نوح ابرهیم موسی عیسی شعیب
محمد وصلوات بفرستند و آن را صاحب درد با خود
نگاهدارد درد ساکن شود و صاحب در نظیم آورده که روزی
مردی بود که دعای درد دندان میدانست و به تعلیم آن
مضایقه میکرد چون وفات او نزدیک رسید بکودکان
گفت که دوات و قلم بیاورد که برای شما درد دندان
که مخفی داشتم بنویسم که مردم از او منتفع شوند و
که هر کرا درد دندان بهم رسد باید که بر دندان این
حروف بخواند الم المص طسم کهیعص ذکر رحمة ربك
عبده زکریا حمعسق الله لا اله الا هو رب العرش
العظیم اسکن بکهیعص اسکن بالذی سکن له ما فی السموات
وما فی الارض وهو السمیع العلیم ایضا آورده که

در دفع عطسه کردن سورهٔ حمد بخواند و زبان را بر دن
دندانها بگرداند در هر حرف درد دندان نیز ببیند
این اشکال را بنویسد در زیر دندان که درد ساکن گردد
ثلمحلد سله ایضا او درد، که بر سوزن بنویسد یا نقش
کند مواعوها و بعد از آن بر میخ آهن هفت مرتبه
و ان یکاد تا آخر بخواند و آن میخ را بر هر جای که خواهد
زند و از صاحب درد بپرسد که درد ساکن شده یا نه هر
حرفی که ساکن شده میخ را بکوبید ایضا در روز یکشنبه
بر کاغذ با چوب باد یوار یا سمعلونی نقش کند در وقت
نقش کردن صاحب درد را پهلوی خود بدارد پس میخ
آهنی بر واره درد چشم مبهم زند در اثنای زدن میخ
این وننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
ولا یزید الظالمین الا خسارا را بخواند درد دفع
شود و اگر دفع نشود همین دستور میخ را به چشم عین
زند هم چنین چشم واو این از مجربات است

ایضا این اشکال

ایضا این اشکال را بر خشتی باد یواری بنویسد میم‌ها
بحرف حرف ان زند و بپرسد از صاحب درد که ساکن شد
یا نه هر جا که ساکن شده میم را بکوبد الوبا یا الوبا
عرس ایضا دستور دیگر بر کاغذی بنویسد کهیعص
و بر بالای چوبی گذارد و میم او را به چشم عین بکوبد تا
ساکن شود ایضا نوع دیگر در زبدة الدعوات آورده
که شکل جیم با این طریق ج بکشد و عین در میان او
جیم نویسد و میخ نعل اسب بر چشم عین بکوبد در
اثنای کوبیدن میخ سورة والتین هفت مرتبه بخواند
و بد ندانی که در صبکند بد مد صاحب درد باید که انگشت
او بر سر دندان باشد ایضا معالجه درد دندان و مواد
نزله پوست خشخاش و عنب الثعلب و کلابتونه را با الثعبیر
جوشانیده و سر را بر بخار آن بدارد تا عرق بر جبین
او ظاهر گردد نافع است و ایخحجب و اشترانه را بدا
فلفل با عسل استعمال اگر از رطوبت و بلغمی باشد مضمضه

کردن بجلفا و مایر که جهة بدبوئی دهن و استحکام اسنان
مؤثر است وارد شده اند که جهة درد دندان هیچ چیز بهتر
از کهربا نیست که بسایند و بر پنبه نهند درد دندان کذارد
ایضا جهة آسان بیرون آوردن اطفال دندان مغز کوسفند
بر دهن و بن دندان کودک طلا کند دندان بآسانی بیرون
آورد و درد نه بیند و از تجربات ایضا و در کتاب
کفایة الطلاب که مؤلفش شیخ بهاء الدین است نقل کرده
که چون ماه نو بیند این را بگوید عاهدت الله الا اکل
الهندبا و لا لحم الضرس از درد دندان در آن ماه سالم
ماند ایضا جهة دندان بهم ساییدن اطفال جزو زرا
در خواب این را نوشته بر او بندد بسم الله محمن کح
حمح ا ادم دم ن ایضا تعلیق نمودن سنگی که در چینه
دان خروس است و استعمال بجهة همین تلخوی طفل
مفید است ایضا در معالجه کرم دندان و جوش بن دندان
مرویست که جبرئیل این تعویذ را برای حضرت امام حسین آورد

یکبه

جهة دندان که کرم خورده است باید این بخوانی با انگشت
بر آن دندان گذارد و هفت نوبت بگوید العجب کل العجب
لدابة فی الفم تأکل العظم و تترک اللحم انا الراقی والله
الشافی الکافی لا اله الا الله والحمد لله رب العالمین
و اذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون
فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم
آیاته لعلکم تعقلون ایضا طریقه دیگر در حدیث
معتبر از امام موسی کاظم مرویست که فرمود برای درد دندان
بگیر حنظل را و پوستش را بکن بعد روغنش را بگیر و اگر
کرم دندانش را خالی کرده باشد در میان دندان چند قطره
بچکاند و پنبه را بآن روغن آلوده کرده در میان دندان
گذارد و بر پشت بخوابد و تا سه شب چنین کند و اگر بن
دندان درد کند در آن گوشتی که در جانب آن دندان
واقعست هر چند شب قطره بچکاند و باز فرمود که هر که
درد دهن داشته باشد با چون از بن دندانش ابتدا کند

با آنکه دهانش جوشیده باشد و دیگر شرحی گفته باشد
یک حنظل تازه که رسیده باشد و زرد شده باشد بگیرد
و تمامش را بگل بگیرد و سرش را سوراخ کند و کارد را از
آن سوراخ داخل کرده مغزش را براشد بنحوی که سوراخ
نشود پس آنکه خیار شنبر که از شراب بعمل آمده در آن
سوراخ بریزد و بر روی آتش گذارد که خیار بجوشد پس
دارد و هر وقت که احتیاج شود بعد ناخن بگیرد بر دندان
و در هر جا که درد آنجا را ضماد کند و اگر خواهد آنرا
که در میان حنظل است در میان شیشه یا ظرفی کوچک خالی
نموده و هر چند که آب بر طرف شود سرکه بر روی آن بریزند
و هر چه کهنه شود نفع او زیادتر شود **ایضا** دیگر حکیم
اورده که سوره حمد و توحید را هر یک سه مرتبه بخواند و
بگوید ناضرس ام بالحجارة تسکنین ام بالحدید تسکنین
ام باسم الله تسکنین اسکنی سکنتک بالذی سکن له
ما فی السموات والارض وهو السمیع العلیم قال من یحیی العظام

وهی رمیم

وهی رمیم تا بل خلق علیم اخرج یا دود منها فانک
رجیم و لیخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون فخرج
منها خائفا یترقب **ایضا** و سوره دیگر در علاج المنع
آورده جهت کرم دندان بنویسید و در زیر دندان کرم
نامسدود دود ساکن کرده و مامن دابة الا هو
آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم وجهت
رعشه دندان همان آیه معمولست **ایضا** المبا کهنه اند
که دندان را به غبار سبز و کنند تا وتخم توت و سپیدبر
ملا وند کرم دندان بیرون آید و مضمضه و سفوف خوب
که عصاره ارجنا ابو جهلست جهت درد دندان و استحکام
آن نافعست **فصل هشتم** در دفع لکنت زبان و حصول
فصاحت و دفع سلالت جهت کودکی که سخن نگوید و با
بنی آید این آیات را بنویسد و با او بدهد روز بنی آید
ما لکم لا تنطقون اقرا باسم ربک الذی خلق خلق
الانسان من علق اقرا و ربک الاکرم الذی علم بالقلم

علم الانسان ما لم يعلم الرحمن اذن له الرحمن و
قال له صوابا انطقنا الله الذي انطق كل شيء و
ففهمناها سليمان ودر خواص ابن اماجت که در ابتداء
سوره انعام است اذ قال ابراهيم لابيه آزر اتتخذ تا قوله
انى بريء من المشركين که چون بر باد بهرس نویسند
و باب باران محو کرده بکودکی که حرف نزند دهند
زبانش کشاده گردد ایضا در کتاب بحر المنافع اورده
که عجب دیده و اماس زبان او در ده که این ایاترا نوشته
بمکید بعد از بسمله قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو
مولنا عليه توكلنا واليه انيب ایضا و از خواص
مصحلاست که اگر کسی هفتاد بار بر بدن طفل بنویسد
از وقت تکلم دور گردد بعون الله ایضا مجرب دیگر از کتاب
حرز الامان از مشایخ نقل نموده که اگر همین حروف را
شستشو داده بنوشند و بر طفل بندند زود بحرف آید ایضا
در کتاب خزانة الاسرار اورده که اگر طفل دیر بحرف آید

دیا لکن

دیا لکنت دور زبان او باشد سوره بنی اسرائیل را بمشک
و زعفران بنویسد و بشوید و باو دهد بخورد زبان او
کشاده گردد و بتجربه یافته اند که فلوس ماهی را سحوق
نمایند بعد از کوبیدن ثقل زبان بر طرف شود و بمشک
و عسل ناشتا مکرر زبانرا بمالد و ششتن تا هفتاد خبر انه
و تخم تمر با اطفال خود اندازند معین نطق ایشان است
خجی زبان واگر دختی سلیطه و بد زبان باشد این اعمد را بو
ازحابه او که ازکوهان شتر اهو اوکرچغر باشند وان
پیرهن در روز پنجشنبه بوبد تا بسند نوشته در واستانه
خانه او دفن کنند زبان او کوتاه گردد لا يحب الله الجهر
بالسوء من القول الا من ظلم وكان الله سميعا عليما
ایضا و از حضرت صادق مروی است که اگر سوره زخرف را
بنویسد و باب باران محو کند زنی که سلیطه باشد بخورد
خوش زبان گردد فصل ... در دفع رعاف و دم الدم و
اذا عضا صحبة قطع رعاف این ایاترا برخواند باستیشان

خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة اخرى يتبعون
الداعي لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا
تسمع الا همسا وقيل يا ارض ابلعي ماءك ويا سماء اقلعي
وغيض الماء وقضي الامر واستوت على الجودي
وقيل بعدا للقوم الظالمين ومن يتق الله يجعل
له من امره مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن
يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لكل شيء قدرا وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون ايضا در بكادم آورد
كه همان خون با زعفران نوشته و بر بيني انكس بكيرد كه
خون ازو ايد يا من حمل الفيل من بيتك الحرام
امسك دم فلان بن فلان ايضا جهت قطع خون از
هر جاي عضو الله يديد بعد از جبلها ما قطعتم من
لينة او تركتموها قائمة على اصولها فباذن الله
وليخزي الفاسقين ايضا نوع ديكر از خون كه مي ايد

اين شكل را

اين شكل را بر پيشاني صاحب رعاف نويسد خون باز ايستد
ايضا نوع ديكر اين شكل را بر پيشاني صاحب رعاف
نويسد طب طب مطب مطب طب طب مطب
ايضا ايضا دو تر مكنوند او وده كه سه مرتبه اين كلمات را
بر ان موضعي كه خون از او ايد بخوانند خون منقطع كردد
انقطع ايها الدم بحق ادم وحوا ايضا نوع ديكر نو شنيد
و بر پيشاني جبا ندخون ايستد حوطا يوطا لوطا انقطع
الدم بلا ابطا من سيكرو ذلك اخطا ايضا از همان خون
نوشته و بر پيشاني او بنهد بنا بنبا صدنا وكبس اسكن
بعزته وقدرته ايضا بر ورق اهو نويسد و در ميان
دو ابروي صاحب رعاف نو بندد باستد وما محمد الا
رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات
او قتل انقلبتم با دم بالكف لا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم هج هج لج هج لح هج لج هج هج
هج لطاس هج طاس هي ايضا طريقه ديكر جهة حبس

انقلب

دعاف نوبيد دبرا وافين دعدا زدسملى ولوان
قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او
كلم به الموتى بل لله الامر جميعا بسم الله انقطع ايها
الدم الذي يسيل من خشية الله وبعزة الله الذي لم
يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ايها الدم
الذي يسيل ارتفع بقدرة الجليل وقد امرت
بالتهليل اسكن ايها الدم وانقطع كما سكن دم
ادم اننا لرادك الى معاد وقيل يا ارض ابلعي
ماءك ويا سماء اقلعي وغيض الماء وقضي الامر
جاء موسى بن عمران الى سبع ينبوع مد عصاه الى
الماء فقال له اسكن بحق رب السموات والسماء
حتى فكن كذلك تسكن دم فلان بن فلان و
رفعناه مكانا عليا وانا على ذهاب به لقادرون
اولم ينظروا الى السماء فوقهم كيف بنيناها وزيناها
وما لها من فروج ولقد خلقنا الانسان في احسن

تقويم

تقويم كف ايها الدم الجاري وجف بقوة اسماء
افيد عز وجل وتعالى شانه وعونه ١١١١١١١١١١ص ١١ ل ه ٥ ١

١ ١١ ١٥ ١١١ ٩ ٨ ٨ ١١ ك ١١ ى

١١١ ٩ ٥ ١ ح ٥ ك م ١٥ ١١ ح ٨ ه ١١١ ٨ ح ٩ ٤

١١١ ١١١ ٥ ١ ك ١١١ لط

ايها الدم اسكن امسك عن جريانك وسيلانك با
الذي يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه
× سر قوط سر قوط خر قوط خر قوط خر قوط لكل
نباء مستقر وسوف تعلمون انقطع ايها الدم بالف
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ايضا الماس حجر
مصر نقد دبكه سياه شود وخاكستر نكرد وجهة قطع
دعاف مجرب سمرده اند ايضا فتيله كوسفندكه هبفنده
تخم مرغ الود . وباهيك معمول اغشته دربيني كذارد
مجرب ايضا دبح المانع او ده كه حون بيني بهيجوجه
ناسند كردنه خالي در قفاي او بياويزند خون باز ايستد

ایضا سرگین گاو و کرم کرده در پیشانی بندد خون باستد
وایضا آرد ماش با آب خمیر کرده بو تا در سرها بالد حوبی
خشک شود خون قطع شود ایضا سرگین گاو و اسوزانند
تا خاکستر کرده و در دماغ دمند خون ایستد تار عنکبوت
بر جراحت تازه که سپیدی ظاهر شود بدون ورم خون
منقطع شود فصل دهم در دفع درد پستها در بحر المنافع
بجهة درد پستانها آورده که بنویسد و بران بندد و
قِیلَ یَا أَرضُ ابلَعِی مَاءَکِ وَیَا سَمَاءُ أَقلِعِی تا للقوم
الظالمین سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِأَخِیکَ وَنَجعَلُ لَکُمَا سُلطَانًا
وجهت درد بازوی راست انّ الذین یبایعونک انما تا اجرا
عظیما از سوره انا فتحنا وجهت درد بازوی چپ وَ
أَصحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصحَابُ الشِّمَالِ تا حنث العظیم از سوره
واقعه وجهت درد مرفق راست عَلَى اللَّهِ تَوَکَّلنَا
رَبَّنَا افتَح بَینَنَا وَبَینَ قَومِنَا بِالحَقِّ وَأَنتَ خَیرُ الفَاتِحِینَ
وجهت درد مرفق چپ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَکَّلَ عَلَى اللَّهِ

وقد هدینا

وَقَد هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصبِرَنَّ عَلَى مَا آذَیتُمُونَا وَ
عَلَى اللَّهِ فَلیَتَوَکَّلِ المُؤمِنُونَ ایضا جهت درد پستها
بنویسد و بران بندد وَقَالَتِ الیَهُودُ یَدُ اللَّهِ مَغلُولَةٌ
غُلَّت أَیدِیهِم وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَل یَدَاهُ مَبسُوطَتَانِ
یُنفِقُ کَیفَ یَشَاءُ وَلَیَزِیدَنَّ کَثِیرًا مِنهُم مَا أُنزِلَ
إِلَیکَ مِن رَبِّکَ طُغیَانًا وَکُفرًا فَلَا تَأسَ عَلَى القَومِ
الکَافِرِینَ فصل یازدهم در دفع درد سینه و پستان
و زیاد شدن شیر زنان در خواص آیات قرآنی است
که جهت درد سینه سه بار این آیات بخوانند با چیزی
دهد بیاشامد و قدری بر سینه وی بمالد رَبِّ اشرَح
لِی صَدرِی وَیَسِّر لِی أَمرِی وَاحلُل عُقدَةً مِن لِسَانِی
یَفقَهُوا قَولِی ایضا در مکارم آورده که جهت درد سینه
آیه وَإِذ قَتَلتُم نَفسًا فَادَّارَأتُم تا تَعقِلُونَ از سوره
بقره بر کوی صحف الجزء اول بخوانند و بران دمند نافع باشد
ایضا در بحر المنافع آورده بجهة درد پستان و سینه

ودل سورة الم نشرح را بخوانند وبوان دمد وزایل کردد
نوع دیگر این آیات را نویسند وباب محو نموده بخورد
ودیگری نویسد وبر سینه او بندد وننزل من القرآن
ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین
الا خسارا فیه شفاء لما فی الصدور ایضا دستور دیگر
همین محو معمول دارد ویذهب عنکم رجز الشیطان
ولیربط علی قلوبکم ویثبت به الاقدام اذ یوحی
ربك الی الملائکة انی معکم الی قوله والله علی کل
شیء قدیر که در سوره انفال دارد ایضا معالجه درد دندان
این اشکال را نوشته ودفن بو کردن او بود چنانکه درد
دندان تمام شود این اشکال اینست معی مالا مالا ٧٧
فی ع و ده م‍ل معه وه ٧ مهره معره صمه
٧ ٧ ٢ ٦ حرح ١٦ ٩ // ٧
هکا حالله ودلی و ٩ لی صه محاله ع ٩
اصم ٢ کاه اه هاه محارله معی ما ١١١ حاه

شده

شه [لا] حواحو ١١١ کل ١١ العظمه
سماست محس لوداس ماود باساماو و
سحرس اسعاد فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
کهاکها حومد یخرج من بین الصلب و
الترائب بالله وباسماعه اسعسعی اشف انت
الشافی وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة
وشفاء لما فی الصدور ایضا طریقه دیگر نویسد
ودر دندان بندد وباد کردن او بود بحوی که محاذی
دندان اید فرفش لعقش درد ورطه مل م مل
وکاتن وذللناها لهم فمنها رکوبهم ومنها یأکلون فلان
بنت فلان وجع اللسان نسقیکم مما فی بطونها من بین
فرث ودم لبنا خالصا سائغا للشاربین هیهو
هههو ح ٨ ٨ ١١ // ایضا جهة درد دندان ودو
ان ورم پیدا شدن سپر ونان او با قلاع خ باد روح
بااب باد روح وبااب دعا ان سه شنبه ناد کردن

انرا تا فعل افتد اند ایضا ضماد ارد با جلاب سکنجبین
بر چشمان بجهت ورم ودرد ان مجربست نادر شیر درعجب
المنافع آورده که برای زیاد شدن شیر زنان نویسد
در بالای پستان بندد بسم الله وبالله وبکلمات الله
التامات واسمائه العظیم هل نوتی لکم من یا فیه
اسئلك يا سيد السادات ويا عالم السر والخفيات
يا مجيب الدعوات يا منزل البركات يا قاضي الحاجات
ويا سامع الدعوات لا اله الا انت يا حي يا قيوم
يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله على محمد وآله اجمعين
ضماد وادهن درد فرج درد دل وطپیدن آن وفزع دل
نکی در کتاب مکارم بهجت درد دل آورده که ایه فاذا
قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم
با معوذتین بخواند وبنویسد بخورد نافع باشد ایضا
نوع دیگر این ایات را بخواند وبدل بنا بشد وهم
بنا شامد ولئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین

سیهزم الجمع

سيهزم الجمع ويولون الدبر وامرا ان الله يمسك
السموات والارض ان تزولا اکر ابر اخر سوره فاطر
نویسد ایضا بر مستور مذکور وآب خواند وبیاشامد
ونوشته بر کردن او بند بعد از جمله ربنا لا تزغ
قلوبنا بعد اذ هديتنا تا آخر کشف العیاد از سوره
القرآن والی الذين امنوا وتطمئن قلوبهم الا
بذكر الله تطمئن القلوب الذين امنوا وعملوا
الصالحات طوبى لهم وحسن مآب لئن انجيتنا من
هذه لنكونن من الشاكرين ایضا طرفه دیکر در
کتاب در مکنون آورده که جهت درد دل این آیه را
اکر خواهد محو نموده بیاشامد بعد از جمله سبح اسم
ربك الاعلى الذي قدر فهدى هدا اهدا اهدا
انها الوجع بعزة الله ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم ابتث ج د ه و ز س ش ص ض ط ظ
ع غ ف ق ک ل م ن هو لا ی ایضا درعجب المنافع

خلق فسوى والذي

اورده که این ایات را نوشته تعویذ نماید وبظرفی
هم نوشته باب محو نموده بخورد درد دل دفع شود
فَوَقٰهُمُ اللهُ شَرَّ ذٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقّٰهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا
وَجَزٰيهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا اَسْقِ فُؤَادَنَا يَا
شَافِي ایضا مذکور است که این ایه را نوشته وبشوید
وکسی که درد دل داشته باشد بخورد ساکن کردد اِنَّ
فِي ذٰلِكَ لَذِكْرٰى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ اَوْ اَلْقَى السَّمْعَ
وَهُوَ شَهِيدٌ ایضا جهت طپیدن دل نوشته وبشوید بخورد
ساکن کردد بعد از بسمله رَبِّ عَيْشٍ وَعَابِسٍ وَ
نَفْسٍ نَافِسٍ وَحَجَرٍ يَابِسٍ وَشِهَابٍ ثَاقِبٍ وَمَاءٍ
قَادِسٍ بِحَقِّ اسْمِكَ الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى
وَبِحَقِّ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا بُرْهَانُ يَا سُبْحَانُ يَا
سُلْطَانُ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ
اااح ااا ح ه ایضا از خواص سوره الم نشرح
بتجربه رسیده که جهت دفع دلتنکی هفته روز صبح وشام
یکمرتبه

یکمرتبه
بخواند **فصل بیست وچهارم** در دفع درد معده وضعف ان و
دفع بلغم وصفرا وسودا ورطوبت ویبس مزاج در
خزانة الاسرار اورده که ایه رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ
اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ
الْوَهَّابُ بر خرما یا نبات سه نوبت بخواند وبکسی که درد
معده داشته باشد بخوراند صحت یابد ایضا منبت
حب مقل معده رست بو سنکم تا لدوا بن منه راسه نوبت
بخواند احر جری بوجر بخری یوکو داد یوج باند وصاحب
درد ظیم اورده که هر که اسم نور را بحروف مقطعه
که ن و ر پنج مرتبه کتابت کند وکسی که درد دل معده
داشته باشد با خود دارد حق تعالی امرض را از او دفع
کند واکر ان نوشته بر عضو متالم کذارد درد فرو نشیند
ایضا در کتاب درمکنونه اورده که هفت مرتبه
ت راند بنط بق ببببببب در وقتی که قمر در
منزل ذابح باشد بر پوست لاک پشت نویسد وصاحب

ضعف معده را بر این نظر کند صحت یابد ایضا معالجه کرم
معده از حضرت رسول مرویست که خرما را ناشتا خوردن
کرمهای معده را میکشد و از حضرت صادق منقولست که
هر که هفت دانه خرما عجوه را در وقت خواب بخورد کرمهای
معده او کشته شود و از حضرت امام رضا مرویست که
بخورید سرکه را که از شراب ساخته باشند که کرمهای
معده را میکشد و اطبا خوردن دو مثقال تخم امرود
را کشنده کرم معده دانسته اند و همچنین خوردن شهدانج
و ضماد آن بر شکم که از حب القرع گویند مجرب دانسته اند
و همچنین ضماد برگ آلو با سرکه جهت کشتن کرم معده
مجرب شمرده اند ایضا علاج بلغم و صفرا و رطوبت در
کتاب خزانة الاسرار آورده که اگر کسی را در بدن بلغم
بسیار شود سوره قدر را بر روغن گل خواند و قدری
شیر زنان بر آن اضافه نماید و بدن را بآن چرب کند
نافعست در کتاب حرز الامان برای ازاله بلغم و دفع رطوبت

از صوا

آورده که ابجد و هوز حطی را کاندرا و لوحی نقش کرده و بر پیش
سینه بیاویزد چنانچه محاذی معده بوده ب د نم ق و
از حضرت صادق منقولست که برای دفع زیادتی بلغم
بگیر قند دان رومی و کندر و افتیمون و زنیان و سیاه دانه
اجزا مساوی یکی بکو همه را نرم بکوبد و بیزد و با عسل خمیر
کند و هر شب در وقت خواب بقدر فندقی بخورد
و در حدیث دیگر فرمود که ناشتا حجامت رفتن سودا و بلغم
صفرا را دفع میکند از حضرت محمد باقر منقولست که بسیار شانه
کردن رفتن بلغم را کم میکند و از حضرت امام رضا مرویست
که بگیر از هلیله زرد یک مثقال و از خردل دو مثقال
و عاقرقرحا یک مثقال و نرم بکوبد و ناشتا بر دندانها
بمالد که بلغم را دفع میکند و دهن را خوشبو میکند و
دندانها را محکم میسازد مرویست که مردی بخدمت حضرت
امام علی نقی شکایت کرد از یبوست مزاج فرمود که ناشتا
خرما بخورد و بر بالای آن آب بخورد ایمن میشود همچنین کرم

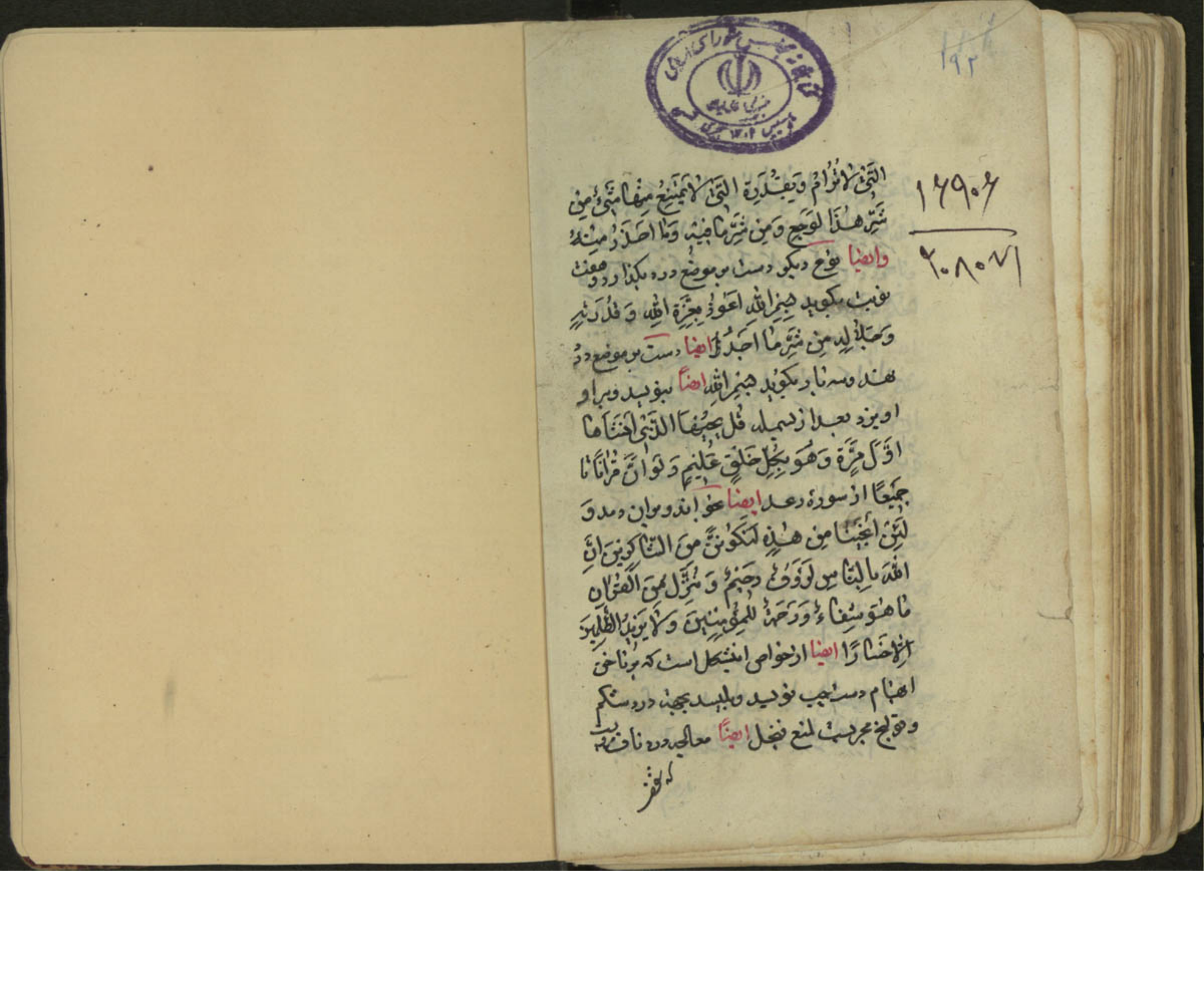
رطوبت بر مزاجم غالب گردید و اطبا خواستند سفر
جهت جذب بلغم دماغی و تحلیل رطوبت معده نفیله فرمودند
ایضاً چهارم در دفع درد پشت و گرده خواص آیات ... انی
مذکور است که هرکه از سوره انبیاء آیه ان الذین
سبقت لهم منا الحسنی تا بقوله الذی کنتم توعدون بر ظرف
پاک بنویسد و با آب چاهی که آفتاب ندیده باشد بشوید
و مریض سه جرعه از آن بیاشامد و قدری از آن بر پشت
او بپاشند در وقتی که درد او سخت آمده باشد و سه روز
باین دستور عمل کند شفا یابد و اگر انواع درد باید
از اطراف محو شود ... را بر پشت مالند درد پشت
زایل گردد و در حدیث آمده که اسماعیل فرزند امام جعفر صادق
بخدمت پدر خود از درد پشت شکایت کرد حضرت
او را طلبید و فرمود که بر پشت خوابید و این دعا را
خواند بسم الله وبالله وصنع الله الذی اتقن کل شیء
انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها الریح بالله الذی

سکن

سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم
و ایضاً در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت
امیر المؤمنین شکایت کرد از درد پشت فرمود که دست
بر موضع درد بگذار و سه مرتبه این دعا را بخوان وما کان
لنفس ان تموت الا باذن الله کتاباً مؤجلاً ومن
یرد ثواب الدنیا نؤته منها ومن یرد ثواب الآخرة
نؤته منها وسنجزی الشاکرین و بعد از آن هفت مرتبه
سوره قدر را بخواند ایضاً در مکارم آورده که جهت درد
پشت آیه شهد الله تا سریع الحساب را بخواند نافع
باشد ایضاً در عین المنافع آورده که جهت درد پشت این
آیه را نوشته با خود دارد بعد از بسمله یخرج من
بین الصلب والترائب تا ولا ناصر از سوره والطارق
یا حی یا قیوم برحمتک یا ارحم الراحمین ایضاً جهت
درد کمر بنویسد و با خود نگاه دارد ولا تخاف درکا
ولا تخشی فاتبعهم فرعون بجنوده فغشیهم من الیم

مَا غَشِيَهُمْ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ وَصَلَّى
اللهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ایضاً جهت درد میان کمر بنویسید
و با خود دارد یا یَحْیَیٰ خُذِ الْکِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَیْنَاهُ
الْحُکْمَ صَبِیًّا وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَکَاةً وَکَانَ تَقِیًّا
ایضاً از حکمای هندوستان و از مجربات نقل
شده که فلفل هفت مثقال نیم را صلایه کرده در سفال
پاک انداخته بو داده دارچینی هفت مثقال نیم و اندکی بود
کوفته و بیخته اضافه نماید و با چهار پنج عدد تخم مرغ
در روغن در روی آتش نیم گذاشته ممزوج نماید
و بعد از آنکه معجون سوده مغز پسته دو مثقال نیم و نبات
نیز بلور دو مثقال نیم نیم کوبیده بر آن نثار کنند
و مجموع از او بخورد شفا حاصل کند و مجرب است صلا بازد
درد فع درد شکم و ناف و سپرز مجرب است که مروی است
حضرت امیر المؤمنین از درد شکم شکایت کرد فرمود آب
گرم بخورد و این دعا را بخوان یا الله یا الله یا الله یا رحمن
یا رحیم

یا رَحِیمُ یا رَبَّ الْأَرْبَابِ یا إِلَٰهَ الْآلِهَةِ یا مَلِکَ
الْمُلُوکِ یا سَیِّدَ السَّادَاتِ اشْفِنِی بِشِفَائِکَ مِنْ
کُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ فَإِنِّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ أَتَقَلَّبُ
فِی قَبْضَتِکَ وایضاً از حضرت صادق مرویست
که شخصی خدمت حضرت رسول الله عرض نمود که از
درد شکم بیزارم آزار دارد فرمود که اندک
عسل با آب گرم بخورد روز دیگر آمد عرض کرد
که عسل خورد و نفع نکرد فرمود که برو باز عسل با و
بده که بخورد و هفت مرتبه سوره حمد را بر او بخوان
چون آن شخص رفت حضرت فرمود که برادر شما منافق است
و باین سبب او را نفع نکرد وایضاً در چند روایت
دیگر وارد شده که برای درد شکم و قولنج بجابه
بمشک و زعفران سوره حمد و معوذتین و توحید را
بانیما بنویسید و بآب باران بشوید و بیاشامد
و بوقت خواب بخورند اعوذ بالله العظیم و بعزته



التي لا ترام وبقدرة التي لا يمتنع منها شيء من
شر هذا الوجع ومن شر ما فيه وما احذر منه
وايضا نوع دیگر دست بر موضع درد نهد وبگذارد و هفت
نوبت بگوید بسم الله اعوذ بعزة الله وقدرته
وجلاله من شر ما اجد ايضا دست بر موضع درد
نهد وسه بار بگوید بسم الله ايضا بنویسد وبر او
اویزد بعد از بسمله قل يحييها الذي انشاها
اول مرة وهو بكل خلق عليم ولو ان قرانا تا
جميعا از سوره رعد ايضا عو ابذو بوان ومدق
لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين ان
الله بالناس لرءوف رحيم وننزل من القرآن
ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين
الا خسارا ايضا از خواص انگشت است که بر ناخن
ابهام دست چپ بنویسد وببیند بجهت درد شکم
و قولنج مجربست لمنع نجل ايضا معالجه درد ناف بهت
کهتر

